

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از

فضائل امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام

در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت

حضرت آیه الله العظمی صافی گلایگانی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

سرشناسه	: صافی گلپایگانی، لطف‌الله.
عنوان و نام پدیدآور	: پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام (در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت). لطف‌الله صافی گلپایگانی.
مشخصات نشر	: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۲۲-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
یادداشت	: کتابنامه، همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: علی بن ابی‌طالب، امام اول، ۲۳ قبل هجرت - ۴۰ ق.
موضوع	: فضائل، حدیث.
شناسه افزوده:	: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی.
رده‌بندی کنگره	: ۴پ۲ص/۴/ BP۳۷
رده‌بندی دیوبی	: ۲۹۷/۹۵۱

دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله

- نام کتاب: پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام (در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت)
- مؤلف: حضرت آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی مدظله‌الوارف
- مترجم: ناصر باقری بیده‌ندی
- چاپ دوم: رجب المرجب ۱۴۳۸ / بهار ۱۳۹۶
- شمارگان: ۳۰۰۰
- بها: ۷۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۲۲-۳
- سایت الکترونیکی: www.safi.ir و www.saafi.net
- پست الکترونیکی: saafi@saafi.net
- آدرس پستی: قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱
- تلفن: ۳۷۷۵۵۵۴۳ (۰۲۵)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :
«عَلِيٌّ وَشِيعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:
«علی و پیروانش در روز قیامت رستگاران اند».

فهرست مطالب

سخن مترجم.....	۱۱
مقدمه مؤلف.....	۱۵
۱. علی علیه السلام امیر غدیر.....	۲۵
۲. علی علیه السلام هادی امت.....	۲۷
۳. ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله	۲۹
۴. علی علیه السلام دو کفه ترازوی علم پیامبر صلی الله علیه و آله	۳۲
۵. یاد علی علیه السلام عبادت است.....	۳۳
۶. پیغمبر و علی علیه السلام از یک ریشه‌اند.....	۳۴
۷. کارزار علی علیه السلام بر تأویل قرآن.....	۳۵
۸. من به درختی مانم که	۳۷
۹. علی علیه السلام حجت خدا بر بندگان.....	۳۸
۱۰. افتخار به علی علیه السلام	۳۹
۱۱. بشارت به علی علیه السلام	۴۰
۱۲. جواز عبور از صراط.....	۴۱
۱۳. همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت.....	۴۲
۱۴. دشمنی علی علیه السلام و خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله	۴۳
۱۵. بهشت آرزوی دیدار علی علیه السلام را دارد.....	۴۴



۱۶. حق علی (ع) بر عهده مسلمانان..... ۴۵.
۱۷. محبت علی (ع)، نابودکننده گناهان..... ۴۶.
۱۸. دوستی علی (ع) برائت از آتش..... ۴۷.
۱۹. محبت علی (ع) عمل صالح است..... ۴۸.
۲۰. علی (ع) دوست رسول خدا (ص)..... ۴۹.
۲۱. محبوب ترین مردم نزد رسول اکرم (ص)..... ۵۲.
۲۲. کامروایان رستاخیز..... ۵۴.
۲۳. محرم اسرار پیامبر (ص)..... ۵۶.
۲۴. بهترین راست گویان (صدیق اعظم)..... ۵۷.
۲۵. حامل لواي حمد..... ۵۹.
۲۶. منزلت علی (ع) نزد پیامبر (ص)..... ۶۱.
۲۷. همانند هارون (ع) نسبت به موسی (ع)..... ۶۲.
۲۸. عینیت با پیامبر (ص)..... ۶۴.
۲۹. چون ستاره صبح می درخشد..... ۶۵.
۳۰. علی (ع) در آمرزش الهی..... ۶۶.
۳۱. تقسیم گر آتش دوزخ..... ۶۸.
۳۲. نخستین گروه بهشتی..... ۶۹.
۳۳. خدایا! دوستش بدار..... ۷۰.
۳۴. پیشوای اهل تقوا..... ۷۲.
۳۵. علی (ع) در بهشت..... ۷۴.



۳۶. سهم علی علیه السلام از حکمت الهی..... ۷۵
۳۷. علی علیه السلام و قرآن..... ۷۶
۳۸. معیار ایمان و نفاق..... ۷۷
۳۹. پیامبر و علی علیه السلام از یک نورند..... ۷۸
۴۰. نامیده شدن علی علیه السلام به امیرمؤمنان..... ۸۰
۴۱. برتری ایمان علی علیه السلام بر هر ایمانی..... ۸۲
۴۲. عبادت بدون ولایت امیرمؤمنان علیه السلام اثری ندارد..... ۸۳
۴۳. پیام‌رسان برائت..... ۸۴
۴۴. سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت‌پذیری..... ۸۵
۴۵. علی علیه السلام کفو (همتای) فاطمه علیها السلام..... ۸۷
۴۶. اگر در دل همه، مهر علی علیه السلام بود..... ۸۹
۴۷. علی علیه السلام جداکننده بین حق و باطل..... ۹۱
۴۸. ارزش مبارزه علی علیه السلام..... ۹۳
۴۹. دشمن علی علیه السلام غیرمسلمان است..... ۹۴
۵۰. سزای توهین به علی علیه السلام..... ۹۶
۵۱. نام علی علیه السلام بر سَرَدَرِ بهشت..... ۹۸
۵۲. علی علیه السلام همانند سوره اخلاص است..... ۹۹
۵۳. نظر به ماه رخسار علی علیه السلام عبادت است..... ۱۰۰
۵۴. افضل امامان علیهم السلام..... ۱۰۲
۵۵. حدیث جواز..... ۱۰۳



۵۶. اسلام و ایمان علی علیه السلام ۱۰۵
۵۷. مواسات علی علیه السلام ۱۰۶
۵۸. امارت امیرمؤمنان علیه السلام ۱۰۷
۵۹. دوستدار علی علیه السلام دوستدار رسول خدا ﷺ است ۱۰۸
۶۰. دور ساختن منافقان از حوض کوثر ۱۰۹
۶۱. راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه السلام حرام است ۱۱۰
۶۲. هدیه فرشتگان به شیعیان علی علیه السلام ۱۱۱
۶۳. آزدن علی علیه السلام اذیت پیامبر ﷺ است ۱۱۲
۶۴. همه درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندید ۱۱۴
۶۵. پرچم‌دار رسول خدا ﷺ در هر دو سرا ۱۱۶
۶۶. قاتل علی علیه السلام، تیره‌بخت‌ترین امت ۱۱۸
۶۷. زینت علی علیه السلام ۱۲۰
۶۸. صاحب حوض کوثر ۱۲۲
۶۹. نخستین مسلمان ۱۲۳
۷۰. علی علیه السلام برادر پیامبر ﷺ ۱۲۵
۷۱. برادر و وزیر پیامبر ﷺ ۱۲۷
۷۲. راه علی علیه السلام حق است ۱۲۹
۷۳. کینه‌های پنهان ۱۳۱
۷۴. پدرم فدای شهید تنها! ۱۳۳
۷۵. هم‌درجه پیامبر ﷺ ۱۳۴



۷۶. پرسش در قیامت..... ۱۳۵
۷۷. دوست علی علیه السلام و دشمنش منافق است..... ۱۳۷
۷۸. به دوستی علی علیه السلام فرزندان را بشناسید..... ۱۳۹
۷۹. راهنمایی پیامبر صلی الله علیه و آله..... ۱۴۱
۸۰. بیت رفیع علی و فاطمه علیهما السلام..... ۱۴۳
۸۱. توصیه درباره علی علیه السلام..... ۱۴۵
۸۲. خداوند، دل علی علیه السلام را به ایمان آزموده است..... ۱۴۷
۸۳. علم علی علیه السلام..... ۱۴۹
۸۴. حکمت علی علیه السلام..... ۱۵۰
۸۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مبارزه است با دشمن علی علیه السلام..... ۱۵۱
۸۶. اولین از اولوالامر..... ۱۵۳
۸۷. وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله..... ۱۵۵
۸۸. پیشی گیرندگان..... ۱۵۶
۸۹. برترین انسان ها..... ۱۵۷
۹۰. بهترین انسان..... ۱۵۸
۹۱. نخستین مسلمان..... ۱۵۹
۹۲. هم نشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت..... ۱۶۰
۹۳. اطاعت علی علیه السلام، اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله..... ۱۶۱
۹۴. خصال سه گانه..... ۱۶۲
۹۵. حدیث کساء..... ۱۶۴



۹۶. علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند..... ۱۶۶
۹۷. فضائل ویژه علی علیه السلام..... ۱۶۷
۹۸. خاندان پیامبر ﷺ..... ۱۷۰
۹۹. معلّم و مربّی علی علیه السلام..... ۱۷۱
۱۰۰. قرین قرآن..... ۱۷۲
۱۰۱. علی علیه السلام بهترین امت..... ۱۷۴
۱۰۲. سرانجام ما و شیعیان..... ۱۷۵
۱۰۳. خدا با علی علیه السلام راز گفت..... ۱۷۶
۱۰۴. مهرورزی به علی علیه السلام..... ۱۷۸
۱۰۵. همانند انبیاء علیهم السلام..... ۱۷۹
۱۰۶. جوانمردی جز علی علیه السلام نیست..... ۱۸۰
۱۰۷. امام اولیای خدا..... ۱۸۱
۱۰۸. امیر نیکوکاران..... ۱۸۳
۱۰۹. پیروان علی علیه السلام..... ۱۸۵
۱۱۰. خداوند او را بیشتر دوست دارد..... ۱۸۶
- کتابنامه..... ۱۸۹
- آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه... ۲۰۱

سخن مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلِيَّاهُ نَسْتَعِينُ

گفتن و نوشتن درباره شخصیتی که برتر از وصف، بالاتر از اندیشه و بالاتر از جوهر کلام است و فضائل و مناقب ارزنده‌اش به قدری زیاد و فراوان است که قابل احصا و احاطه نیست، کاری بسی دشوار، بلکه بدون هدایت خداوند سبحان غیرممکن است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «ای علی! جز خدا و من کسی تو را آن سان که شایسته است، نشناخت».^۱

ابعاد مختلف و به ظاهر متضاد وجود ذی جود آن حضرت را کسی می‌تواند درک و توصیف کند که از او بالاتر باشد یا همتای او و به مصداق کلام معروف: «معرف باید اجلی از معرف باشد» چه می‌تواند بگوید انسان ملکی درباره انسانی ملکوتی که «فضائلش به شماره نمی‌آید»؟^۲ و بنا بر این فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله:

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۶۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۸۴.

۲. جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۹؛ گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۲۵۲.



«اگر جنگل‌ها همه قلم و دریاها همه مرکب و
پریان شمارشگر و انسان‌ها نگارگر شوند،
نمی‌توانند فضائل علی بن ابی‌طالب را برشمرند».^۱

از این رو، بی‌تردید بهترین و مستندترین منبع برای شناخت علی علیه السلام،
قرآن مجید و سخنان نغز و شیرین رسول خدا صلی الله علیه و آله است.
باتوجه به آنچه گفته شد بسیاری از نویسندگان بهتر آن دیده‌اند
که سیمای درخشنده امیرمؤمنان علی علیه السلام را در آینهٔ احادیث نبوی
به نظاره بنشینند و بنگرند معلّم و مربّی امیرمؤمنان علیه السلام آن حضرت
را چگونه معرفی و توصیف می‌کند.

یکی از عالمان برجسته که بیان فضائل، ویژگی‌ها و
برجستگی‌های امام امیرمؤمنان علی علیه السلام را مدنظر داشته و به
بازشماری قطره‌ای از دریای بیکران فضائل امام علیه السلام از لسان گهربار
نبی مکرم صلی الله علیه و آله از کتب و منابع عامّه پرداخته است، آیت‌الله العظمی
حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی دام‌ظله‌الوارف است.

چرا این کتاب را ترجمه کردیم؟



چون ترجمهٔ این‌گونه کتاب‌های پُرارج برای شیعیانی که

۱. خوارزمی، المناقب، ص ۳۲؛ کراچکی، کنزالفوائد، ص ۱۲۹؛ اربلی، کشف‌الغمه،
ج ۱، ص ۱۰۹؛ ذهبی، میزان‌الاعتدال، ج ۳، ص ۴۶۶؛ ابن حجر عسقلانی، لسان‌المیزان،
ج ۵، ص ۶۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۱۹۷؛ ج ۴۰، ص ۴۹، ۷۰، ۷۴؛ قندوزی،
ینایع‌الموده، ج ۲، ص ۲۵۴.



۳
۲
۱

نمی‌توانند از منابع عربی استفاده کنند، سودبخش خواهد بود؛ زیرا مایه استواری ساختارهای اعتقادی و اعتماد آنان شده و به جانشان نورانیت و به دلشان صفا و به اندیشه‌شان روشنایی و به خود آنان آگاهی می‌بخشد، صاحب این قلم از سر عشق و ارادتی که به سرور پرهیزکاران و امیر جانِ مؤمنان داشت، و برحسب وظیفه، با استمداد از عنایت ایزدی به ترجمه آن پرداخت تا آن عده از برادران و خواهران ایمانی که بهره کافی از زبان عربی ندارند از این کتاب ارزشمند بی‌نصیب نمانند.

کاری که ما در این اثر انجام داده‌ایم

علاوه بر ترجمه، برای احادیث کتاب، تیتراژ گذاشته و فهرست منابع را به‌طور مستقل در پایان کتاب افزودیم. در موارد معدودی توضیحاتی را در متن یا پانوش، داخل [] آورده‌ایم.

امید است این خدمت ناچیز در پیشگاه باعظمت حضرت بقیه‌الله الاعظم امام‌زمان علیه‌السلام مقبول افتد و مؤلف محترم، مترجم و ناشر مشمول رحمت بیکران حق تعالی و عنایات خاصه ولیّ او قرار گیرند. بمنّه و کرمه.



قم، آشیانه آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
ناصر باقری بیدهندی

مقدمه مؤلف

به نام خداوند بخشنده مهرورز
وَمَاذَا يَقُولُ النَّاسُ فِي مَدْحٍ مَنْ أَتَتْ
مَدَائِحُهُ الْغُرَاءُ فِي مُحْكَمِ الذِّكْرِ

چه می توان گفت در مدح شخصیتی که مدح و
منقبت بلندش در قرآن کریم آمده است.

سکوت معنادار فصحا و بلغا و علما و حکما و عرفا و اولیاء از
ذکر مناقب امام امیرالمؤمنین علیه السلام - برادر رسول خدا، همسر فاطمه
زهرا، داناترین مردم، کسی که در خداشناسی و عبادت پس از
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین شخصیت است - گویاتر از مدیحت سرایی
و ذکر فضائل و مناقب و مراتب رفیع و مقامات والا و حضور
شکوهمند او در صحنه های مختلف و معجزات آشکار و عجائب
زندگی اوست.

ازاین رو اعتراف به عجز در پیشگاه مقدس و باعظمت آن
حضرت برای همگان بهتر است. سروری که رسول خدا صلی الله علیه و آله در
خطابی درباره اش فرمود: «اگر انسان ها نویسنده و پریان حسابگر
شوند، نمی توانند فضائلت را بنگارند».^۱

۱. خوارزمی، المناقب، ص ۳۲۸؛ کراچکی، کنزالفوائد، ص ۱۲۹.



امیرالمؤمنین (علیه السلام) شخصیتی است که خداوند متعال فضائلی غیر قابل شمارش برایش قرار داد. فرزانه‌ای که پروردگار سبحان در شب معراج با پیامبرش با صدای دلربای حضرت امام علی (علیه السلام) تکلم کرد.^۱

همو که بعضی اصحاب در فراوانی فضائلش گفته‌اند: «علی سوابق درخشانی دارد که اگر سابقه‌ای از آن را بین همه آفریدگان توزیع کنند همه به خیر می‌رسند».^۲

آن حضرت، بزرگ‌ترین نشانه خدای متعال و علم و قدرت و سایر صفات برجسته اوست و در عالم امکانمانندی جز پسر عمش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ندارد. همو که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) حامی بی‌نظیر او بود. آن سرور اسوه جانفشانی و در نصرت حق و اقامه عدل، یگانه و در اعتلای کلمه الله فوق العاده بود. با ضعفا ترحم و با فقرا مواساتی عظیم داشت. از خدای متعال خوفی فراوان بر دل داشت و افصح و ابلغ همگان بود و در خوراک و پوشاک و در تمامی احوال و افعال با عظمت بود.

۱. خوارزمی، المناقب، ص ۷۸؛ همو، مقتل الحسین (علیه السلام)، ج ۱، ص ۴۲؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۰۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۶؛ ج ۳۸، ص ۳۱۲؛ ج ۱۰۷، ص ۳۱.
 ۲. طوسی، الامالی، ص ۳۹۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱۸؛ ابن اثیر جزری، اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۳؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۶۶.



بلندمرتبه است خدای علی مرتبه عظیم، آفریننده چنین انسانی و ودیعت گذارنده این عظمت‌ها و کمالات در این آفریده.

بزرگ است خدایی که چنین انسانی در مقابل عظمتش گرنش می‌کند و در مقابل جلال و جبروت و عظمتش خود را کوچک می‌داند و از کبریایی‌اش خائف و ترسان است و در مقابل ذات پاکش به عجز و فقر اعتراف دارد و اوست کسی که گفت:

«إِلَهِي كَفَى لِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَكَفَى لِي فَخْرًا أَنْ
تَكُونَ لِي رَبًّا»^۱

«خدای من همین عزّت مرا بس که بنده تو باشم و

برای من افتخار همین بس که تو خدای منی».

اوست ممسوس در ذات حقّ، و بسیار گریان از خشیت الهی و مجاهد در راه خدا. اوست صراط مستقیم و عروة الوثقی و حبل الله متین، و میزان اعمال، و تقسیم‌گر بهشت و دوزخ، و دست باز خداوندی و دیده بینای حقّ و حجت بالغه‌اش.

حضرت امیر علیه السلام در نامه‌ای که به معاویه نوشت فرمود:

«فَإِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا»^۲

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۰۹؛ صدوق، الخصال، ص ۴۲۰؛ کراجکی، کنز الفوائد، ص ۱۸۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۰؛ ج ۹۱، ص ۹۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۲۸ (ج ۳، ص ۳۰)؛ ابن دمشقی، جواهر المطالب، ج ۱، ص ۳۷۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۵۸.



«ما ساخته و تربیت یافته مستقیم پروردگاریم و مردم تربیت شده ما هستند».

ابن ابی الحدید در ذیل آن می نویسد: این سخن بزرگ و برترین سخن است و معنایش سرآمد معانی، و ساخته و پرداخته خداوندگاری که خدایش صانع اوست و منزلتش را رفیع و سرآمد مصنوعات نمود.

حضرت می فرماید: «احدی از انسان ها بر ما نعمت نداد، تنها خداست که بر ما نعمت داده است. بین ما و بین او واسطه ای در کار نیست. دیگران به وسیله ما تربیت شده اند و ما واسطه بین خدا و آنان هستیم و این مقام بلندی است. ظاهرش این است که شنیدی، و باطنش آن است که آنان بندگان خدا هستند و مردم بنده آنان»^۱.

و از سوی دیگر صاحب این مفاخر عظیم را می بینیم که از خوف خدا چون مارگزیده به خود می پیچد!

و آن گونه که بعضی از یارانش [ضرار پسر ضمیره ضبابی]^۲ او را توصیف کرده: دارای چشمی گریان، و متفکر بود. وقتی با خود خلوت می کرد به محاسبه نفس می پرداخت و می گفت: «آه از کمی زاد و توشه و دوری راه و کمی انس، علی را با نعمت های

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۷۷ (ج ۴، ص ۱۶ - ۱۷)؛ سید رضی، خصائص الاثمه، ص ۷۰ - ۷۱.



فناپذیر و لذت‌های زودگذر چه کار؟» و می‌فرمود: «بدان که امام شما از دنیای خود به دو پارهٔ تن‌پوش و از خوردنی‌هایش به دو قرص نان، بسنده کرده است. به خدا قسم! از دنیایان شمش طلائی، و از غنایمش ثروتی نیندوخته‌ام و حتی این پیراهنی را که پوشیده‌ام تن‌پوش دیگری فراهم نکرده‌ام».^۱

چه بگوئیم از نفس پیامبر ﷺ که رسول خدا ﷺ درباره‌اش فرموده بود: «تو می‌شنوی آنچه را که من می‌شنوم و می‌بینی آنچه را که من می‌بینم جز آنکه تو نبی نیستی».^۲

از این رو آنچه ما دربارهٔ امیرالمؤمنین و مولی‌الموحدین می‌گوئیم چون قطره‌ای است در مقابل دریا و ذره‌ای است در مقابل خورشید. پس عقول جهانیان و زبان ستایش‌گران، کوچک‌تر و نارس‌تر از آن است که حقّ این امام همام را ادا کند.

لکن از همان آغاز که خود را شناختم نسبت به یادمان آن حضرت و فرزندان گرامش حرص و ولع داشتم و این امر به مرور ایام و گذشت سال‌ها فزونی می‌یافت و شوقم بیشتر می‌شد و قلبم به مطالعه احادیث و آثار و استماع مناقب و مدایحشان نورانی می‌گردید.

و گویا شاعر، این اشعار را به زبان حال من سروده است:

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵ (ج ۳، ص ۷۰ - ۷۱).

۲. نهج البلاغه، خطبه قاصعه، ۱۹۲ (ج ۲، ص ۱۵۸).



حُبُّ آلِ الرَّسُولِ خَالِطٌ عَظِيمِي
وَجَرَى فِي مَفَاصِلِي فَأَعْلِمْ
أَنَا وَاللَّهُ مُعَرِّمٌ هَوَاهُم
عَلَّيْ وَنِي بِذِكْرِهِمْ عَلَّيْ
لَا عَذَابَ لِلَّهِ أُمِّي إِنَّهَا شَرَبَتْ
حُبَّ الْوَصِيِّ وَغَدَّتْ بِهِ بِاللَّبَنِ
وَكَانَ لِي وَالِدٌ هَوَى أَبَا حَسَنِ
فَصَرْتُ مِنْ ذِي وَدَا أَهْوَى أَبَا حَسَنِ

محبت خاندان پیامبر با استخوانم در آمیخته و در
مفاصلم جریان پیدا کرده، پس مرا معذور دارید.
خدا را سوگند که من شیفته آنان هستم، با یاد آنان
مرا از خود، بی خود کنید.
مادرم را عذاب خدا فرا نگیرد که جام عشق علی
پیمود و از راه شیر به کامم فرو ریخت.

و پدری داشتم شیفته ابوالحسن علی، و مرا شیفتگی علی از این
پدر و مادر به ارث است.

در این کتاب صد و ده^۱ حدیث در مناقب حضرت از جوامع

۱. این عدد معادل نام شریف حضرت امام علی (علیه السلام) به حسب حروف ابجد است. البته با محاسبه احادیثی که در پانوشت بدان افزودم بیش از این شمار شده است. والحمد لله.



حدیثی اهل سنت از مسانید و صحاح سته و غیر آنها به گزین کردم و آن را قیس من مناقب امیر المؤمنین علیه السلام نامیدم.

ناگفته نماند که احادیث وارده در کتاب های اهل سنت درباره حضرت علی علیه السلام فوق العاده فراوان است. به رعایت اختصار و اینکه گفته اند گاه مختصر مفید، انسان منصف بصیر را از مراجعه به موسوعه های بزرگ و مجلات متعدد بی نیاز می کند؛ بر این تعداد بسنده کردم و اوست یاور و مددکار.

و حمد و اثره خدایی است که ما را بدین موهبت عظمی رهنمون شده و اگر هدایت الهی نبود ما بدین امر هدایت نمی شدیم. وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

و دوست دارم این مقدمه را به مُشک صلوات بر محمد و آل او با نقل این ابیات خاتمه بخشم:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ

أَرْكَى الصَّلَاةَ وَخَيْرَهَا وَالْأَطْيَا

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ

مَا اهْتَزَّتِ الْأَثْلَاثُ مِنْ نَفْسٍ الصَّبَا

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ

مَا لَاحَ بَرْقُ فِي الْأَبَاطِحِ أَوْ خَبَا



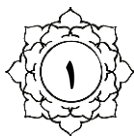
يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ
 مَا قَالَ ذُو كَرَمٍ لِّضَيْفٍ مَّرَحَبَا
 يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ
 مَا أَمَّتِ الزُّوَارُ طَيِّبَةً يَثْرَبَا
 يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ
 مَا عَرَدَتْ فِي الْإِيَّكِ سَاجِعُهُ الرُّبَا
 يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ
 مَا كَوَّكَبُ فِي الْجَوْ قَابِلَ كَوَّكَبَا
 يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ
 سُفْنِ النَّجَاةِ الْغُرِّ أَصْحَابِ الْعَبَا
 يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ
 فِي الْحَشْرِ إِذْ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَا^۱

بار الها! بر پیامبر و آلش درود فرست. پاکیزه‌ترین و
 بهترین و شایسته‌ترین درودها را.
 پروردگارا! بر پیامبر و آلش درود فرست. مادامی که
 درخت اثلاث از نفس باد صبا در اهتزاز است.
 خداوندا! بر پیامبر و خاندانش درود فرست. تا
 زمانی که آذر خشی در زمین‌های هموار بدرخشد.

۱. علوی حصرمی، رشفة‌الصادی، ص ۷۵.



ایزدا! بر پیامبر و آتش درود فرست. تا آن‌گاه که
انسان کریمی به میهمان خود خوش‌آمد گوید.
خداوندا! بر رسول خود و خاندانش درود فرست.
تا موقعی که زائری هست که آهنگ یترب کند.
بار پروردگارا! بر پیامبر اعظم و خاندانش درود
فرست. تا لحظه‌ای که پرندۀ خوش‌خوان بر
شاخسار درخت بخواند.
بار الها! بر حضرت رسول و عترتش درود فرست.
مادام که در آسمان ستاره‌ای در مقابل ستاره‌ای
قرار می‌گیرد.
خداوندا! بر پیامبر و آتش درود فرست. [همان]
کشتی‌های نجات و اصحاب عبا.
پروردگارا! بر پیامبر و آتش درود فرست و قرار بده
آنان را شفیعان ما. در روز رستاخیز آن‌گاه که
می‌پرسند از خبرها.



علیؑ امیر غدیر

عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ وَجَمَاعَةٍ مِنَ الصَّحَابَةِ: قَالَ رَسُولُ

اللَّهِ ﷺ:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، أَلَلَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ

عَادَاهُ»^۱.

۱. گروهی از ارباب صحاح اهل سنت و مسانید و جوامع روایی آنان به طرق بسیار و صحیح که متجاوز از حدّ تواتر است نقل کرده‌اند: پیامبر اکرم ﷺ به هنگام مراجعت از «حجة الوداع» در مکانی به نام «غدیر خم» توقف کرده و خطبه‌ای ایراد کرد و مسلمانان را به چنگ زدن به دو گوهر گران بها (یعنی کتاب خدا و خاندان پیامبر) توصیه فرمود و افزود که این دو، هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر رسول خدا ﷺ در آیند، آن‌گاه بازوی علیؑ را گرفت و فرمود: «هر کس را که من مولای اویم علی نیز مولای اوست...». ر.ک: احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۱۸ - ۱۱۹؛ ج ۴، ص ۲۸۱؛ ابویعلی موصلی، مسند، ج ۱، ص ۴۲۹؛ ج ۱۱، ص ۳۰۷؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۲۴، ۳۷۵، ۳۶۹؛ همو، المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۶۵؛ همو، المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۱۷، ۱۷۴؛ ج ۵، ص ۱۷۰ - ۱۷۱، ۱۹۲، ۱۹۴ - ۱۹۵؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۹۹؛ هبشی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۳ - ۱۰۹.

عقیده نگارنده این است که: احادیث «غدیر»، «ولایت»، «تقلین»، «منزلت»، «اثمه اثناعشر»، «طیر»، «کساء»، «مباهله»، و احادیث دیگر از این قبیل تمامی از مشهورترین روایات با صحیح‌ترین اسناد، و طرق فراوان می‌باشند که جمعی

زید بن ارقم و گروهی از صحابه روایت کرده‌اند که رسول

خدا ﷺ فرمود:



«هرکس که من مولای او هستم علی نیز مولای
اوست. خدایا یاران او را یاری و دشمنانش را
دشمن بدار».

پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت

از یاران رسول خدا ﷺ به نقل آنها پرداخته‌اند و احدی قادر نیست در بین روایات، احادیثی را که قابل سنجش با احادیث یادشده از حیث اعتبار و تواتر و شهرت را بیابد مگر خیلی کم و ضبط کلیه اسناد و الفاظ این روایات فوق‌العاده دشوار است به نحوی که برای آنها تکیه‌نگاری‌هایی در دست است و گاه برخی از آنها چند مجلد را تشکیل می‌دهد که در این دفتر فهرست و از باب تبرک و تیمن آنها را نقل می‌کنیم.

سپاس ویژه خداوندی است که ما را از متمسکین به ولایت امیرالمؤمنین و ائمه از فرزندان او تا امام عصر حضرت مهدی علیه السلام قرار داد.



علی علیه السلام هادی امت

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«أَنَا الْمُنْذِرُ وَعَلِيٌّ الْهَادِي» - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى

عَلِيٍّ وَقَالَ: «بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ»^۱.

۱. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۵۹؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۸۴؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۹۹؛ زرنندی، نظم درالسمطین، ص ۹۰؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۲۶۵ - ۲۶۷. نیز ر.ک: سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۵؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۱۳، ص ۱۰۸؛ طبری، جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۴۲. این حدیث از روایات مشهور است. سیوطی در *الدر المنثور* درباره آن گوید: این حدیث را ابن جریر و ابن مردویه، و ابونعیم در *المعرفه*، و دیلمی و ابن عساکر و ابن نجار نقل کرده‌اند.

چون آیه: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (رعد، ۷)؛ «همانا تو بیم‌دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است» فرو فرستاده شد، پیامبر اکرم ﷺ دست مبارک خویش به سینه نهاد و گفت: «من بیم‌دهنده‌ام». آن‌گاه دست خود را بر سینه علی نهاد و فرمود: «یا علی! تو هدایت‌کننده‌ای و هدایت‌شوندگان پس از من، توسط تو راه می‌یابند».

و مانند همین را از ابی‌برزه، ابن مردویه، ضیاء در *المختاره* از ابن عباس و از عبدالله بن احمد در *زوائد المسند*، ابن ابی حاتم و طبرانی در *الاوسط* و حاکم نقل نموده و آن را صحیح تلقی کرده است. ر.ک: سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۵.

و ابن مردویه و ابن عساکر از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده‌اند که در

ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که آن سرور فرمود:

«من بیم‌دهنده‌ام و علی هدایت‌کننده - و با دستش
به علی علیه السلام اشاره کرده، فرمودند - : به واسطه تو
هدایت‌شوندگان راه می‌یابند و هدایت می‌شوند».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۲۸

خصوص آیه: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ فرمود: «رسول خدا ﷺ
بیم‌دهنده است و من هدایت‌کننده‌ام». ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۲۶۷؛
ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۵۹.



ورود به شهر علم پیامبر ﷺ

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَابْنِ عَبَّاسٍ وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: **«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»**.^۱

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۷۶؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۱۰؛ ج ۷، ص ۱۸۲؛ ج ۱۱، ص ۵۰؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۷۸-۳۸۴؛ ابن اثیر جزری، اسدالغابه، ج ۴، ص ۲۲.
در کتاب **فتح الملک العلی بصره** حدیث **باب مدینه العلم علی** (مغربی، ص ۱۶۴) این گونه آمده است:

حافظ سیوطی در **الجامع الکبیر** می گوید: مدتی بود که در مقام پاسخگویی به این پرسش که سند این حدیث چگونه است می گفتم: حسن است تا از حسن اتفاق مواجه شدم با تصحیح ابن جریر در رابطه با نقل حدیث از علی از کتاب **تهذیب الآثار** به همراه تصحیح حاکم نیشابوری نسبت به نقل این روایت از ابن عباس، آن گاه استخاره کردم و مطمئن شدم به ارتقای مرتبه حدیث از «حسن» به «صحیح».*

نیز رجوع شود به کتاب **مناقب سیدنا علی** (عینی، ص ۲۵) و کتاب **المستدرک علی الصحیحین** (حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۶).
ترمذی در کتاب **الجامع الصحیح** (ج ۵، ص ۳۰۱)، از علی علیه السلام نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرموده است: «من خانه حکمت و علی باب آن است».
و ابن عساکر در **تاریخ مدینه دمشق** (ج ۴۲، ص ۳۷۸) و ابونعیم اصفهانی در **حلیه الاولیاء** (ج ۱، ص ۶۴) همین حدیث را ثبت کرده اند.



و رجوع نمایید به کتاب **فتح الملک العلی بصره** حدیث **باب مدینه العلم علی**، که در آن علم فراوانی خواهید یافت.

نیز از سلمان فارسی از رسول خدا (ص) روایت شده که حضرت فرمودند: «داناترین امتم بعد از من علی بن ابی طالب است».

دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۴۵۱؛ سبکی، جمع الجوامع، ص ۳۷۹۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۴؛ مغربی، فتح الملک العلی، ص ۷۰.

سعید بن مسیب گوید: در میان اصحاب رسول خدا (ص) تنها کسی که مدعی «سُلُوْنی»؛ «از من پرسش کنید» شده، علی بن ابی طالب بود.

ر.ک: ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۰۳؛ ایجی، توضیح الدلائل، ص ۲۱۱. از سفیان نقل شده است که گفت: «احدی با علی احتجاج نداشت جز آنکه علی با براهین، استدلال او را بر هم زد و بر او چیره شد». ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۸۷.

ابن مردویه گوید: برای صحابه پیامبر اکرم (ص) پیشامد ناگواری رخ داد از این رو عمر، آنها را فرا خواند و به علی گفت: «تو راه حلّ بده که بهترین و داناترین آنانی». ر.ک: ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۸۷ - ۸۸.

کتاب **ملحقات احقاق الحق** (مرعشی نجفی، ج ۸، ص ۲۳۳). و عبارتی نزدیک به این مضمون در **ذخائر العقبی** (طبری، ص ۸۱) نقل شده است. و نیز در نقل‌ها فراوان آمده است که عمر همیشه می‌گفت: «اگر علی نبود، عمر هلاک می‌شد». ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۸۸؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۰۳؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸، ۱۴۱؛ ج ۱۲، ص ۲۰۴.

به طور خلاصه باید گفت: در کتاب **الغدیر** صد و چهل و سه مصدر برای این حدیث ذکر کرده و علامه لکهنوی درباره این حدیث و مباحث پیرامون آن دو جلد کتاب قطور تصنیف کرده که صفحات آن بالغ بر ۱۳۴۵ خواهد بود.

[* حدیث صحیح عبارت است از: حدیث مسندی که اسناد آن را به نقل عادل با قدرت ضبط و حفظ قوی از افراد مانند خود روایت کرده باشند و تحت عنوان شاذّ و معلّل قرار نگیرد. ر.ک: نووی، ارشاد طلاب الحقائق الی

معرفة سنن خیر الخلائق].

علی علیه السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله روایت کرده‌اند که پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«من شهر علمم و علی دروازه آن، پس هرکس

طالب علم باشد از دروازه آن وارد شود».





علی (علیه السلام) دو کفه ترازوی علم پیامبر (صلی الله علیه و آله)

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«أَنَا مِيزَانُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ كِفَّتَاهُ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ خُيُوطُهُ،
وَفَاطِمَةُ عَلَاقَتُهُ، وَالْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي عُمُودُهُ، يُوزَنُ بِهِ أَعْمَالُ
الْمُحِبِّينَ لَنَا وَالْمُبْغِضِينَ لَنَا»^۱.

ابن عباس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که حضرت فرمود:

«من میزان علمم، و علی دو کفه اش، و حسن و
حسین بندهایش و فاطمه آویزه (شاهینش) و
امامان بعدی دستگیره آن هستند، که در آن کارهای
محبان و دشمنان ما وزن و سنجیده می شود».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۷۷؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۴۲،
۲۶۸؛ عجلونی، کشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۰۴.



یاد علی علیه السلام عبادت است

عَنْ عَائِشَةَ وَابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:
«ذَكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ»^۱.

عایشه و ابن عباس از رسول اکرم ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود:

«یادکردن از علی عبادت است».

[توضیح: مناوی گوید: یعنی عبادت خداست و خدا در برابر آن

پاداش می‌دهد.]



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۳۱۵۱؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۶۶۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱؛ ص ۶۰۱؛ ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۱۷۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۵۶؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۷۵.



پیغمبر و علی (ع) از یک ریشه‌اند

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

«أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَالنَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى»^۱.

ابن عباس از رسول خدا (ص) روایت می‌کند:

«من و علی از یک درخت آفریده شدیم و مردم از

درختان متعدد».

[توضیح: ریشه نسبی مقصود نیست. اشاره به نور نبوت و ولایت است که از این دو از ازل یک جلوه می‌کردند؛ هنگامی که این نور نبوت و ولایت به صلب عبدالمطلب رسید، از هم جدا شده، یکی به پشت ابوطالب منتقل گردید و دیگری در صلب عبدالله.]



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۷۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۶۴، ۶۶؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۷۴، ۲۴۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۸.

از ابن عمر روایت است که رسول خدا (ص) فرمود: «مردم از درخت‌های متعلقند و من و علی از یک درخت آفریده شده‌ایم».

ر.ک: ایجی، توضیح الدلائل، ص ۱۲۳.



کارزار علی علیه السلام بر تأویل قرآن

عَنْ وَهَبِ بْنِ صَيْفِي: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«أَنَا أُفَاتِلُ عَلَى تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ، وَعَلِيٌّ يُفَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ»^۱.

وهب بن صیفی از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود:

«من برای تنزیل قرآن کارزار می‌کنم و علی در ارتباط با تأویل آن نبرد می‌کند».

[توضیح: یکی از معاصران در ذیل حدیث فوق این بیان را دارد:

مراد از تنزیل قرآن، تصدیق به وحی بودن آن است که پیغمبر برای آن جهاد کرد؛ و مراد از تأویل قرآن، فهم صحیح آن و عمل



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۷۹؛ ر.ک: ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۴۵۱-۴۵۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۳؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۳۵.

انس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «علی پس از من آنچه را که مردم از تأویل قرآن نمی‌دانند را به آنها تعلیم می‌دهد». حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۹، ح ۲۸.

کردن به احکام آن است، که علی در جنگ جمل و صفین و
نهروان انجام داد.^۱



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. کمالی، عترت ثقل کبیر، ص ۱۹۶.



من به درختی مانم که ...

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«أَنَا شَجَرَةٌ، وَفَاطِمَةُ حِمْلُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ
وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَالْمُحِبُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَقُّهَا مِنَ الْجَنَّةِ
حَقًّا حَقًّا»^۱.

ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

«من به درختی مانم که فاطمه باردان آن و علی
بارورسازنده آن، حسن و حسین میوه آن و
دوستداران خاندانم برگ های آن درخت اند که آن
درخت و توابعش از بهشت اند».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۸۴؛ کنانی، تنزیه الشریعه، ج ۱، ص ۴۱۴؛
ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۶۸.
و عبدالرحمن بن عوف از رسول خدا ﷺ این گونه روایت کرده است که
حضرت فرمود:

«من درختم، و فاطمه تنه و فرع آن، و علی موجب باروری آن است و حسن
و حسین میوه آن، و شیعیان ما برگ آنند و اصل آن درخت در بهشت عدن
قرار دارد و باقی مانده اجزایش در دیگر جاهای بهشت است». حاکم
نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۰.



علی علیه السلام حجت خدا بر بندگان

عَنْ أَنَسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«أَنَا وَعَلِيٌّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ»^۱.

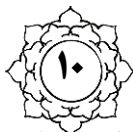
انس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

«من و علی حجت خدا بر بندگان می‌باشیم».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت

۱ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۷۶؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۶۷.
و از انس روایت آورده که گفت: در حضور رسول خدا ﷺ بودم، ناگهان علی را دیدم که از روبرو می‌آید حضرت فرمود: «انس!». عرضه داشتم: بلی یا رسول الله. فرمود: «این که از مقابل می‌آید حجت من است بر ائمتم در رستاخیز». ابن دمشق، جواهر المطالب، ج ۱، ص ۱۹۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰۹؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۲۷؛ قندوزی، ینایع الموده، ج ۲، ص ۱۷۰.



افتخار به علی علیه السلام

عَنْ جَابِرٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبَاهِي بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كُلَّ يَوْمٍ عَلَى
الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ حَتَّى يَقُولَ: بَخٍ هَنِئًا لَكَ يَا
عَلِيٌّ»^۱.

جابر از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

«خداوند با عزّت و جلال هر روز بر فرشتگان

مقربش به علی بن ابی طالب افتخار می کند». تا آنجا

که می گوید: «به به! ای علی گوارا باد بر تو».

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۱۹۱؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۳۰.



بشارت به علی علیه السلام

عَنْ شَرَّاحِيلَ بْنِ مُرَّةَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ:

«أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ حَيَاتُكَ مَعِيَ وَمَوْتُكَ مَعِيَ»^۱.

شراحیل فرزند مره گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

«ای علی! بشارت باد که زندگی و مرگ تو با

من است».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۶۶ - ۳۶۷؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۷۶؛ همو، المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۳۰۸؛ قندوزی، ینایع الموده، ج ۱، ص ۲۴۶.



جواز عبور از صراط

عَنْ أَبِي بَكْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

«لَا يَجُوزُ أَحَدُ الصِّرَاطِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ لَهُ عَلَى الْجَوَازِ»^۱.

ابوبکر گوید: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود:

«احدی از پل صراط نمی گذرد جز کسی که از علی

جواز عبور داشته باشد».



۱. ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۶؛ قندوزی، ینابیع الموده،



همراه با پیامبر (ص) در بهشت

عَنْ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعَلِيٍّ:
 «يَا عَلِيُّ يَدُكَ فِي يَدِي تَدْخُلُ مَعِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَيْثُ
 أَدْخُلُ».^۱

از عمر بن خطاب نقل است که گفت: شنیدم پیامبر اکرم (ص) به
 علی فرمود:

«ای علی! روز قیامت درحالی که دست تو در دست
 من باشد وارد بهشت می شوی و من هر کجا که
 داخل شدم، وارد خواهی شد».



۱. ابن دمشق، جواهرالمطالب، ج ۱، ص ۲۲۷؛ متقی هندی، کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۶۲۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۸، ص ۳۹۳؛ ج ۲۳، ص ۲۰۲؛ ج ۳۵، ص ۴۲۸؛ ج ۴۲، ص ۳۲۸؛ ج ۵۳، ص ۳۴۹؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص ۸۹؛ همو، الرياض النضرة، ج ۳، ص ۱۸۲.



دشمنی علی علیه السلام و خاندان رسول خدا ﷺ

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ:

«ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُ: بُغْضُ عَلِيٍّ،

وَبُغْضُ أَهْلِ بَيْتِي، وَمَنْ قَالَ: الْإِيمَانُ كَلَامٌ»^۱.

جابر بن عبدالله از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

«سه چیز است در هر که باشد از من نیست و من از

او بیزارم: دشمنی علی، بغض خاندانم و هرکس

معتقد است که ایمان صرف گفتار می باشد».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۱۳۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۴؛ خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۹۷. (با اختلاف در عبارت)



بهشت آرزوی دیدار علی علیه السلام را دارد

عَنْ أَنَسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«ثَلَاثَةٌ تَشْتَاقُ إِلَيْهِمُ الْجَنَّةُ: عَلِيٌّ وَعَمَارٌ وَسَلْمَانٌ»^۱.

انس از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود:

«بهشت در آرزوی دیدار سه تن به سر می‌برد: علی،

عمار و سلمان».



۱. ابویعلی موصلی، مسند، ج ۵، ص ۱۶۴؛ دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۱۵۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲۱، ص ۴۱۱؛ ج ۴۳، ص ۳۸۵ - ۳۸۶؛ ابن دمشقی، جواهرالمطالب، ج ۱، ص ۲۲۷؛ جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۲۹۳؛ مزی، تهذیب الکمال، ج ۲۱، ص ۲۲۲.

انس درضمن حدیثی روایت کرده که رسول اکرم ﷺ به علی علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند تو نخستین آنهایی» و این را سه مرتبه بیان فرمود. علی سؤال کرد: پدر و مادرم به فدایت آن سه تن کیانند؟ جواب داد: «مقداد و سلمان و ابوذر». هبشی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۷.

و از ابن عباس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود: «از هیچ آسمانی نگذشتم جز آنکه اهل آن را در آرزوی دیدار علی بن ابی طالب یافتم و هیچ پیامبری در بهشت نیست جز آنکه مشتاق علی بن ابی طالب است». ابن دمشقی، جواهرالمطالب، ج ۱، ص ۲۵۷.



حق علی علیه السلام بر عهده مسلمانان

عَنْ جَابِرٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«حَقُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ»^۱.

جابر از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

«حق علی بن ابی طالب بر مسلمانان چون حق پدر

است بر فرزندش».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۲۱۰؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۱۸۰؛ قندوزی، منابع الموده، ج ۲، ص ۲۳۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰۷؛ رک: ابن مغازلی، مناقب، ص ۶۰.
 عمّار بن یاسر و ابویوب انصاری گفته‌اند: رسول خدا ﷺ فرمود: «حق علی بر مسلمانان همان حق پدر است بر فرزند». ابن دمشقی، جواهرالمطالب، ج ۱، ص ۹۱؛ طبری، الرياض النضرة، ج ۳، ص ۱۳۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰۸؛ قندوزی، منابع الموده، ج ۱، ص ۳۶۹.



محبت علی علیه السلام، نابودکننده گناهان

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ الذُّنُوبَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ
الْحَطَبَ»^۱.

از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم ﷺ فرمود:

«دوستی علی بن ابی طالب گناهان را می خورد
چنانچه آتش، هیزم را».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۲۲۶؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۵۲؛ ابن دمشقی، جواهرالمطالب، ج ۱، ص ۲۵۲؛ کنانی، تنزیه الشریعه، ج ۱، ص ۳۵۵؛ شوکانی، الفوائد المجموعه، ص ۳۶۷.



دوستی علی علیه السلام برائت از آتش

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«حُبُّ عَلِيٍّ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ»^۱.

از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«محبت علی مایه دوری از آتش دوزخ است».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۲۲۶؛ ابن جبر، نهج الایمان، ص ۴۵۲؛

قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۷۵.



محبت علی علیه السلام عمل صالح است

عَنْ مَعَاذِ بْنِ جَبَلٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ،
وَبُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ»^۱.

معاذ بن جبل از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که حضرت فرمود:

«محبت علی بن ابی طالب حسنه‌ای است که با
وجود آن، گناه زیان نمی‌رساند، و دشمنی او گناهی
است که با وجود آن، هیچ عمل نیکی سودی
نمی‌بخشد».

[توضیح: زمخشری در توضیح این گونه احادیث می‌نویسد:

زیرا دوستی علی علیه السلام ایمان کامل است و با ایمان کامل گناهان
ضرری نمی‌زنند.]



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





علی علیه السلام دوست رسول خدا ﷺ

عَنْ عَائِشَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ فِي بَيْتِي لَمَّا حَضَرَهُ الْمَوْتُ:

«ادْعُوا لِي حَبِيبِي، فَدَعَوْتُ أَبَا بَكْرٍ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ وَضَعَ رَأْسَهُ، ثُمَّ قَالَ: ادْعُوا لِي حَبِيبِي. فَقُلْتُ: وَيَكُفُّمْ ادْعُوا لَهُ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، فَوَاللَّهِ مَا يُرِيدُ غَيْرَهُ، فَلَمَّا رَأَاهُ اسْتَوَى جَالِسًا، وَخَرَجَ الثُّوبُ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَدْخَلَهُ فِيهِ، فَلَمْ يَزَلْ يَخْتَضِمُهُ حَتَّى قُبِضَ وَيَدُهُ عَلَيْهِ»^۱.

۱. خوارزمی، المناقب، ص ۶۸. این حدیث را ابن مردویه اصفهانی (مناقب، ص ۷۰) طبق آنچه شهاب الدین ایجی شافعی در توضیح الدلائل (ص ۱۷۸) آورده، نقل نموده است.

و نیز محب الدین طبری در ذخائر العقبی (ص ۷۲) از عائشه نقل می کند که چون رحلت رسول خدا ﷺ نزدیک شد فرمود: «حبيب مرا به نزد من بیاورید». ابوبکر را حاضر کردند حضرت به او نگریست، دوباره سر خود را بر بالین نهاد، و بار دیگر همان را تکرار فرمود. عمر را فرا خواندند. همین که رسول خدا ﷺ او را مشاهده کرده سر بر زمین نهاد و باز فرمود: «حبيب مرا بگویند بیايد». علی را دعوت کردند. چون رسول خدا ﷺ او را دید همراه با خود او را داخل پارچه ای کرد که رویش انداخته بودند، همچنان او را در آغوش داشت تا جان به جان آفرین تسلیم کرد.

و نیز این حدیث در تاریخ مدینه دمشق (ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۹۳) و



از عایشه نقل است که رسول خدا (ص) در مرضی که بدان وفات یافت در خانه من بود که فرمود:

«حبیب مرا به نزدم بیاورید». من (پدرم) ابوبکر را دعوت کردم. پیامبر (ص) بدو نگریست و آن‌گاه سر خود را بر بالین نهاد و همان سخن را تکرار کرده و فرمود: «حبیب مرا به نزدم بیاورید». به حاضران گفتم: وای بر شما علی بن ابی طالب را نزد او آورید که به خدا سوگند جز او کسی را نمی‌طلبم! چون علی را مشاهده کرد از بستر جدا شد و پوششی را

جواهرالمطالب (ابن دمشقی، ج ۱، ص ۱۷۵) نقل شده است. از عبدالله بن عمر روایت است که رسول اکرم (ص) هنگام بیماریش فرمود: «برادرم را نزد من فرا خوانید». ابوبکر را گفتند، حضرت از او روی برگرداند. آن‌گاه فرمود: «بگویید برادرم بیاید». عمر را گفتند آمد. رسول خدا (ص) از او نیز روی گردانیده، آن‌گاه فرمود: «برادرم را بگویید بیاید». عثمان را گفتند، آمد پس حضرت از او نیز روی برگرداند. پس علی را فراخواندند. پیامبر (ص) پارچه‌ای را که رویش بود برداشت و علی را در زیر آن پارچه داخل نمود، هنگامی که علی از حضور پیامبر خارج شد. از ایشان سؤال شد رسول خدا چه چیزی در زیر پارچه به تو فرمود؟ گفتند: «رسول خدا مرا هزار باب آموخت که از هر بابی، هزار باب گشوده می‌شود».

ر.ک: ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۸۵؛ گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۲۶۲ - ۲۶۳؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۲۴؛ همو، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۸۲ - ۴۸۳؛ همو، تاریخ الاسلام، ج ۱۱، ص ۲۲۴ - ۲۲۵.

که بر رویش بود عقب زد و علی را در زیر آن برد و
همچنان او را در آغوش داشت تا از دنیا رحلت کرد
درحالی که دستش بر بدن علی بود».



علی بن ابی طالب
دوست رسول خدا ﷺ



محبوب‌ترین مردم نزد رسول اکرم (ص)

عَنْ مَعَاذَةَ الْغِفَارِيَّةِ: كُنْتُ أُنِيسًا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَخْرَجَ مَعَهُ فِي الْأَسْفَارِ، أَقْوَمُ عَلَى الْمُرْضَى، وَأُدَاوِي الْجَرْحَى. فَدَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَيْتَ عَائِشَةَ وَعَلِيٌّ خَارِجٌ مِنْ عِنْدَهَا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ لِعَائِشَةَ:

«إِنَّ هَذَا أَحَبُّ الرِّجَالِ إِلَيَّ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيَّ، فَأَعْرِفِي لِي حَقَّهُ، وَأَكْرِمِي مَثْوَاهُ»^۱.

از معاذه غفاری روایت است که گفت:

من انیس و همدم رسول خدا (ص) بودم به طوری که با ایشان به سفرها می‌رفتم، و از سوی آن جناب بر بالای سر مریض‌ها حاضر می‌شدم، و جراحت زخم‌خوردگان را مداوا می‌کردم. روزی به دیدار پیامبر که در بیت عایشه بود رفتم؛ در این هنگام علی در خارج از منزل حضور داشت. شنیدم حضرت، سفارش علی را به عایشه می‌کرد و



۱. ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۸، ص ۳۰۸ (ترجمة لیلی الغفاریه)؛ ابن اثیر جزری، اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۴۷ - ۵۴۸؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۶۹ - ۷۰.

فرمود: «این محبوب‌ترین مردان نزد من و
گرامی‌ترین آنها برای من است، پس به‌خاطر من
حقّ او را بشناس و جایگاه او را گرامی بدار».





کامروایان رستاخیز

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

«عَلِيٌّ وَشِيعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱

از ام سلمه روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«علی و پیروانش در روز قیامت رستگاران اند».

[نکته: از این گونه احادیث که کلمه «شیعه» به زبان مبارک

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۸؛ قندوزی، ینابع الموده، ج ۲، ص ۲۴۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۸۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۳۳.

از جابر بن عبدالله روایت شده ما در خدمت پیامبر اکرم ﷺ نشسته بودیم که علی از روبرو به سوی ما آمد، هنگامی که چشم پیامبر ﷺ به او افتاد فرمود: «قسم به آن کسی که جانم در دست قدرت اوست این و شیعیانش روز رستاخیز پیروزمند و رستگارند». و آیه ۷ سوره بینه نازل شد: «کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان بهترین مردم هستند». هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۱.

و گنجی با اسناد خود از ابوسعید خدری روایت کرده که پیامبر ﷺ به علی نگاه کرد و فرمود: «این و پیروانش رستگاران روز رستاخیز هستند». در ادامه می فرماید: من این حدیث را از گروه بسیار و طرق گوناگون شنیدم. گنجی شافعی، کفایه الطالب، ص ۳۱۳ - ۳۱۴.

و مناوی این حدیث را این گونه نقل کرده است: «شیعیان علی رستگارانند». مناوی، کنوزالحقائق، ج ۱، ص ۲۵۱۵، ح ۱۷.

پیامبر اعظم ﷺ صادر شده، می توان فهمید که نخستین کسی که
بذر تشیع را در سرزمین اسلام پاشیده، شخص رسول خدا ﷺ
بوده است.]



کامروایان رستاخیز



مَحْرَمِ اسرارِ پیامبر ﷺ

عَنْ سَلْمَانَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«صَاحِبُ سِرِّي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»^۱.

از سلمان روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«صاحب سِرِّ من علی بن ابی طالب است».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۵۶۱: ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق،



بهترین راست گویان (صدیق اعظم)

عَنْ دَاوُدَ بْنِ بَلَالٍ بْنِ أَجْنَحَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :
«الْصَّدِيقُونَ ثَلَاثَةٌ: حَبِيبُ النَّجَّارِ، وَحَزَقِيلُ الْمُؤْمِنِ آلِ
فِرْعَوْنَ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَالثَّالِثُ أَفْضَلُهُمْ»^۱.

داود بن بلال بن اجنحه روايت کرده که رسول اکرم ﷺ فرمود:

«صدیقین سه نفرند: حبیب نجار، حزقیل مؤمن آل

فرعون، علی بن ابی طالب که از همه آنها

بافضیلت تر است».

[توضیح: حبیب، فردی است که از جای دوردست شهر با
شتاب آمد و مردم انطاکیه را پند داد که از فرشتگان خدا پیروی
کنید. داستان در سوره مبارکه یس است.]

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۵۸۱؛ سبکی، جمع الجوامع، ص ۱۱۰۸۳؛
مناوی، فیض القدر، ج ۴، ص ۳۱۳، ح ۵۱۴۸؛ از ابن عباس و ح ۵۱۴۹؛
قرطبی، تفسیر، ج ۱۵، ص ۳۰۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۱؛
خوارزمی، المناقب، ص ۳۱۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۳؛
سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۶۲؛ همو، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۱۵؛
ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۵؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲،
ص ۲۳۵ (با اختلاف عبارت).

نیز رک: سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۵۴؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۲۷، ص ۱۳۲،
در تفسیر آیه: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ و احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۲،
ص ۶۲۷، ۶۵۵، ح ۱۰۷۲ و ۱۱۱۷.

مؤمن آل فرعون همان است که ایمانش را از فرعونیان پنهان
می داشت و آنان را از مخالفت با موسی علیه السلام باز می داشت و
می گفت: آیا مردی را می کشید که می گوید پروردگارم خداست؟]



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





حامل لواي حمد

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ الدَّهْلِيِّ - فِي حَدِيثٍ - : قَالَ النَّبِيُّ ﷺ
لِعَلِيٍّ :

«أَلَا وَإِنِّي أَخْبَرُكَ يَا عَلِيُّ! أَنَّ أُمَّتِي أَوَّلُ الْأُمَمِ يُحَاسِبُونَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ، ثُمَّ أُبَشِّرُكَ بِأَنَّكَ أَوَّلُ مَنْ يُدْعَى لِقَرَابَتِكَ مِنِّي
وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدِي فَيُدْفَعُ إِلَيْكَ لَوَائِي لَوَاءُ الْحَمْدِ، وَهُوَ أَوَّلُ
لَوَاءٍ يُسَارَى بِهِ بَيْنَ السَّمَاوَيْنِ؛ أَدَمُ وَجَمِيعُ خَلْقِ اللَّهِ يَسْتَظِلُّونَ
بِظِلِّ لَوَائِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^١.

محدوج بن زيد ذهلی درضمن حدیثی نقل می کند که رسول خدا
- که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، به علی علیه السلام فرموده است:

«آگاه باش ائمت نخستین امت هاست که در رستخیز
محاسبه می شوند، بشارت باد که تو به لحاظ قرابت
و خویشاوندی که با من داری و به جهت موقعیت
و منزلتی که پیش من داری، اولین کس هستی که
خوانده می شوی و پرچم حمد من در اختیارت



۱. ابن دمشق، جواهر المطالب، ج ۱، ص ۱۸۱؛ رک: طبری، الرياض النضرة،
ج ۳، ص ۱۷۱؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۴۰.

گذاشته می‌شود و آن نخستین پرچی است که در
بین دو گروه به اهتزاز در می‌آید. همهٔ آفریدگان،
روز رستاخیز در سایهٔ پرچم من‌اند.



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





منزلت علی علیه السلام نزد پیامبر ﷺ

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حَصِينٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«عَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي»^۱.

از عمران بن حصین روایت شده است که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«علی از من است و من از او هستم، و او سرپرست

هر مؤمنی بعد از من است».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۸؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۴۳۷ - ۴۳۸؛ ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۲۹۶ - ۲۹۷؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۸، ص ۱۲۸ - ۱۲۹؛ نسائی، خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۹۷ - ۹۸. ابن اثیر جزری (اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۷) حدیث را این گونه روایت کرده است: «همانا علی از من است و من از علی و اوست سرپرست هر مؤمنی پس از من است». ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۵۹۹ - ۶۰۷ - ۶۰۸.



همانند هارون نسبت به موسی علیه السلام

عَنْ عُمَرَ وَأَنْسَ وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَغَيْرِهِمْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«عَلِيٌّ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ (بَعْدِي)».^۱

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۸؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۴۸؛ ج ۲، ص ۲۴۷؛ ج ۴، ص ۱۸۴؛ ج ۲۴، ص ۱۴۶ - ۱۴۷؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۷.

ابن عبدالبر در الاستیعاب (ج ۳، ص ۱۰۹۷) در ترجمه امام علی بن ابی طالب علیه السلام می نویسد: این کلام رسول خدا ﷺ که به علی فرمود: «تو نسبت به من همچون موسی هستی نسبت به هارون (پیامبر)» را جمعی از یاران رسول اکرم ﷺ روایت کرده اند و این از حیث سند از جمله بهترین آثار ثبت شده و صحیح ترین آنهاست.

خوارزمی در کتاب مقتل الحسین علیه السلام (ج ۱، ص ۴۸) گفته است: این حدیث را جماعتی از صحابیان روایت کرده اند که عبارتند از: علی، عمر، عامر بن سعد، سعد بن ابی وقاص، ام سلمه، ابوسعید، ابن عباس، جابر، ابوهریره، جابر بن سمره، جشی بن جناده، انس، مالک بن جویرث، ابویوب، یزید بن ابی اوفی، ابورافع، زید بن أرقم، براء، عبدالله بن ابی اوفی، معاویه بن ابی سفیان، ابن عمر، بریده بن حصیب، خالد بن عرفطه، حذیفه بن اسید، ابوالطفیل، اسماء بنت عمیس، فاطمه دخت پیامبر اکرم ﷺ و فاطمه دخت حمزه بن عبدالمطلب.

از عمر و انس و جابر بن عبدالله و غیر آنان روایت است
که پیامبر ﷺ فرمود:

«نسبت علی به من همان نسبتی است که هارون به
موسی داشت منهای نبوت».

گنجی شافعی در *کفایة الطالب* (باب ۷۰، ص ۲۸۳) می نویسد: حاکم نیشابوری
گفته است: این حدیث در حد تواتر است.

حاکم حسکانی در *شواهد التنزیل* (ج ۱، ص ۱۹۵) می نویسد: این همان حدیث
منزلت است که شیخ ما ابو حازم درباره آن می گوید: آن را با پنج هزار سند
تخریج نموده ام.

سیوطی در *الدر المنثور* (ج ۳، ص ۲۶۶)؛ ابن عساکر در *تاریخ مدینة دمشق*
(ج ۴۲، ص ۱۱۲ - ۱۱۷)؛ و ابن حجر عسقلانی در *الاصابه* (ج ۴، ص ۴۶۸)؛ از
سعد بن ابی وقاص نقل کرده اند: علی بن ابی طالب همراه رسول خدا ﷺ از
مدینه بیرون رفت. وقتی به حجة الوداع رسید و پیامبر ﷺ عازم تبوک بود
گریست و به پیامبر ﷺ چنین گفت: «مرا میان زنان و اطفال نهاده و خود به
تبوک می روید».

رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا راضی نیستی موقعیت نسبت به من همچون
موقعیت هارون به موسی باشد جز در نبوت؟!».

نیز رک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۷۱ - ۱۷۲؛ هیثمی،
مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۰.



عینیت با پیامبر ﷺ

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«عَلِيٌّ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ رَأْسِي مِنْ بَدَنِي»^۱.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«علی، به منزله سر از جسد من است».

[علامه مناوی در شرح آن می‌نویسد: این سخن مبالغه در شدت

اتصال و پیوند آنها با یکدیگر است.]



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۹ مناوی، فیض‌القدير، ج ۴، ص ۴۷۱؛
ابن حجر عسقلانی، زهرالفردوس، ج ۲، ص ۳۱۶ به گونه مسند؛ خوارزمی در
المناقب (ص ۱۴۴) و ابن مغازلی در مناقب (ص ۹۸) از رسول خدا ﷺ نقل
کرده که فرمود: «علی نسبت به من همچون سر است نسبت به بدنم». و با
سند دیگری از رسول اکرم ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «علی نسبت به
من مانند سرم است به تنم».

نیز ر.ک: سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۷؛ متقی هندی، کنز العمال،
ج ۱۱، ص ۶۰۳.



چون ستاره صبح می درخشد

عَنْ أَنَسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَزْهَرُ فِي الْجَنَّةِ كَكَوْكَبِ الصُّبْحِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا»^۱.

از انس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«علی بن ابی طالب در بهشت می درخشد چنان که

ستاره صبحگاهی بر اهل دنیا می درخشد».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۹۰؛ ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۵؛ مناوی، فیض القدیر، ج ۴، ص ۴۷۲؛ ابن حجر عسقلانی، زهر الفردوس، ج ۲، ص ۳۱۵؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۴، ۶۱۱؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۴۱.



علی (ع) در آموزش الهی

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

«عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَابُ حِطَّةٍ، مَنْ دَخَلَ مِنْهُ كَانَ مُؤْمِنًا،
وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا»^۱.

از ابن عباس روایت است که رسول خدا (ص) فرمود:

«علی بن ابی طالب باب حطه بنی اسرائیل است،

کسی که از آن در وارد شود مؤمن است و کسی که

از او خارج گردد کافر است».

[توضیح: لفظ حطه دو بار در قرآن به کار رفته است: سوره

بقره، آیه ۵۸ و سوره اعراف، آیه ۱۶۱ و هر دو درباره بنی اسرائیل

است. باب حطه آن دری بود که بنی اسرائیل با وارد شدن از آن،

در امان بودند. شاید وجه شبهه در حدیث چنین باشد که آن باب

مظهر فروتنی در مقابل ذات لایزال الهی و قوانین اوست. انقیاد از

علی (ع) هم، چنین است.

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۹۰؛ مناوی، فیض القدير، ج ۴، ص ۴۶۹،

متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳؛ ابن حجر عسقلانی، زهر الفردوس، ج

۲، ص ۳۱۵ به نقل از ابن عمر؛ سیوطی، الجامع الصغير، ج ۲، ص ۱۷۷؛ صالحی

شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۲۹۷.

مقصود از «خَرَجَ مِنْهُ»، «خَرَجَ عَلَيْهِ» است. یعنی کسی که بر او

خروج کند.



علی علیه السلام در آموزش الهی



تقسیم گر آتش دوزخ

عَنْ حُذَيْفَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«عَلِيٌّ قَسِيمُ النَّارِ»^۱.

از حذیفه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«علی تقسیم گر آتش دوزخ است».

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۹۰؛ نیز رک: ابویعلی، طبقات الحنابله، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰۱.
دارقطنی در *العلل الواردة* (ج ۶، ص ۲۷۲) از ابوذر روایت کرده که رسول اکرم ﷺ فرمود: «علی تقسیم گر آتش دوزخ است، دوستانش را به بهشت و دشمنانش را به دوزخ می افکند».

در *طبقات الحنابله* (ابویعلی، ج ۱، ص ۳۲۰) محمد بن منظور طوسی می گوید: نزد احمد بن حنبل بودیم که مردی به وی گفت: ای اباعبدالله! چه گویی درباره این حدیثی که علی گفته است: «من تقسیم کننده آتش دوزخم». احمد گفت: چه انکاری در این حدیث دارید؟ مگر برای ما از پیامبر روایت نشده که به علی فرمود: «جز مؤمن تو را دوست نمی دارد، و جز منافق تو را دشمن نمی دارد؟» گفتیم: [چرا.] گفت: [جای] مؤمن کجاست؟ گفتیم: بهشت گفت: [جای] منافق در کجاست؟ پاسخ دادیم، در آتش. گفت بنابراین علی، تقسیم گر آتش دوزخ است.





نخستین گروه بهشتی

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :
 «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ
 وَالْحُسَيْنُ».

فَقُلْتُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمُحِبُّونَا؟»
 قَالَ: «مِنْ وَرَائِكُمْ»^۱.

از علی علیه السلام نقل است که فرمود: رسول خدا ﷺ به من فرمود:

«همانا نخستین گروهی که به بهشت در آیند من و

فاطمه و حسن و حسین می باشیم».

پرسیدم: «دوستانان ما چه موقعیتی دارند؟».

فرمود: «ایشان به دنبال سر شما وارد بهشت می شوند.»



۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۹۸؛ به نقل از المستدرک حاکم نیشابوری (ج ۳، ص ۱۵۱) و الصواعق المحرقة (ابن حجر هیتمی، ص ۱۵۳) و ذخائر العقبی (طبری، ص ۱۲۳) و کتاب های دیگر.



خدایا! دوستش بدار

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَهْدَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طَيْرًا فَقَالَ:
 «اللَّهُمَّ اقْنِئْ بِي رَجُلٍ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَيُحِبُّهُ رَسُولُهُ». قَالَ أَنَسُ:
 فَاتَى عَلِيٌّ فَقَرَعَ الْبَابَ، فَقُلْتُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ -
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مُشْغُولٌ وَكُنْتُ أُحِبُّ أَنْ يَكُونَ رَجُلًا
 مِنَ الْأَنْصَارِ، ثُمَّ، إِنَّ عَلِيًّا فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ أَتَى الثَّالِثَةَ،
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - «يَا أَنَسُ! أَذْخِلْهُ
 فَقَدْ عَنَيْتُهُ»، فَلَمَّا أَقْبَلَ قَالَ: «اللَّهُمَّ وَالِ، اللَّهُمَّ وَالِ».^۱

۱. ابن اثیر جزری، اسد الغابہ، ج ۴، ص ۳۰. در آن آمده است این حدیث را
 بیش از یک راوی از انس روایت کرده‌اند. ابن کثیر، البدایة و النہایہ، ج ۷،
 ص ۳۸۷ - ۳۸۸؛ ابن جوزی، العلل المتناهیہ، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۳۶ (۳۶۱ -
 ۳۷۷)؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۴۹ و در موارد متعدّد دیگر
 این کتاب این حدیث نقل شده است.

خوارزمی در *مقتل الحسین* (ج ۱، ص ۴۶) می‌نویسد: حافظ ابن مردویه این
 حدیث را با صد و بیست سند روایت کرد.

و ابو عبدالله حافظ گوید: حدیث طیر را اگر چه مسلم و بخاری در کتاب خود
 نیاورده‌اند، صحیح است. اگر خواهان اطلاعات گسترده‌تر در این زمینه هستید
 به کتاب *عقبات الانوار* (لکنهوی هندی، ج ۱۳، ص ۳۲۴، ۳۸۰، ۴۰۵، ۴۱۹)
 مراجعه فرمایید.



از انس بن مالک روایت شده: پرنده کباب‌شده‌ای برای رسول
خدا ﷺ هدیه آوردند، حضرت فرمود:

«خدایا مردی را برسان که خدا او را دوست
می‌دارد و پیامبر نیز او را دوست می‌دارد تا با من
در خوردن این مرغ بریان شریک شود».

انس گوید: ناگهان علی در را کوفته تا بر
پیامبر ﷺ وارد شود. گفتم: رسول خدا ﷺ
سرگرم کاری است و دوست داشتم شخصی که
می‌آید از انصار (مردم مدینه) باشد. طولی نکشید
بار دیگر علی در را به صدا درآورد، سومین بار نیز
علی در را زد. در این هنگام پیامبر فرمود: «در را
باز کن که من در دعایم او را قصد کردم». چون
علی به نزد رسول خدا رسید، پیامبر فرمود:
«خداوندا! دوستش بدار، خداوندا! دوستش بدار».





بیشوای اهل تقوا

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَكِيمٍ الْجُهَنِيِّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: **«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ فِي عِلِّيِّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي: إِنَّهُ سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ»**.^۱

۱. طبرانی، المعجم الصغير، ج ۲، ص ۸۸؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۱؛ و در *کنز العمال* (متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۱۹) آمده: رسول خدا ﷺ به علی فرمود: «مرحبا به آقای مسلمانان، و امام پروايشگان».

ابونعیم اصفهانی در کتاب *حلیۃ الاولیاء* (ج ۱، ص ۶۳) از انس نقل روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «انس! آب جهت وضو ساختن برایم بیاور». آن گاه برخاست و دو رکعت نماز گزارد. سپس فرمود: «ای انس! نخستین کسی که از این در، در آید، امیرمؤمنان و آقای مسلمانان و پیشوای سفیدرویان درخشان چهره و خاتم وصیان است».

انس گفت: عرضه داشتم: خدایا! مردی از انصار باشد؛ و این خواسته را از رسول خدا ﷺ پوشیده داشتم. آن گاه علی آمد. پیامبر سؤال کرد: «انس! کیست؟». گفتیم: «علی». پیامبر با شادمانی برخاست و او را در آغوش گرفت، سپس بنا کرد عرق چهره اش را به صورت علی مالید و عرق چهره علی را به رخسار خود می مالید.

علی گفت: «ای رسول خدا ﷺ! کاری کردید که پیش از این با من نمی کردید؟!». حضرت فرمود: «چرا نکنم درحالی که تو آنچه بر من است ادا خواهی کرد و



از عبدالله بن حکیم جهنی روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«خداوند، در مورد علی در شب معراج سه نکته را

وحی فرمود: اینکه او سید و سرور مؤمنان و

پیشوای پرواپیشگان و فرمانده سپیدجینان است».



آوای مرا به ایشان می‌رسانی و آنچه را که بعد از من در آن اختلاف کنند، حق را برای آنان بیان می‌کنی».

ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۴۲، ص ۳۰۲؛ و در *المستدرک* (حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۳۷ - ۱۳۸) چنین ثبت شده است: به من سه چیز درباره علی وحی شده است: او سید مسلمانان و ... است.

حاکم می‌نویسد: این حدیث دارای اسناد صحیحی می‌باشد ولی مسلم و بخاری آن را نیاورده‌اند.



علی علیه السلام در بهشت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«فَاطِمَةُ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدُسِ فِي قُبَّةٍ
بَيْضَاءَ سَقَفُهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ»^۱.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«فاطمه و علی و حسن و حسین در حظیره قدس
(جایگاه قدس) در گنبد سفیدرنگی که سقفش به
عرش خداوندی منتهی می شود جای داده شده اند».



۱. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۳، ص ۲۲۹؛ ر.ک: دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۱۶۲ از عمر؛ و سیوطی در اللآلی المصنوعة برای آن طریق دیگری ذکر کرده است (یعنی غیر از طریقی که تضعیف کرده اند؛ گرچه تضعیفشان هم چون به دلیل آن است که راوی از محبان اهل بیت علیهم السلام بوده، این تضعیف بی وجه است. و آن را طبرانی از ابن موسی نقل کرده که او گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «من و علی و فاطمه و حسن و حسین در قیامت در قبه ای تحت عرش قرار داریم. و این طریق هم بدون اشکال نیست و مؤید طریق دیگر خواهد شد».



سهم علی علیه از حکمت الهی

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«قُسِّمَتِ الْحِكْمَةُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَأُعْطِيَ عَلِيٌّ تِسْعَةً وَأُعْطِيَ النَّاسُ جُزْءًا وَاحِدًا»^۱.

از ابن مسعود روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«حکمت به ده بخش تقسیم شده که نه جزء آن به

علی اختصاص یافته است و یک بخش باقی مانده به

بقیه مردم موهبت گردیده است».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۲۷۷؛ و ابونعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء (ج ۱، ص ۶۴-۶۵) آن را تخریج کرده؛ ر.ک: سیوطی، الجامع الکبیر، ج ۲، ص ۵۵۰؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۸۴؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۱۵؛ ج ۲، ص ۲۴۵.



علی علیه السلام و قرآن

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرْدَا عَلِيَّ الْخَوْصَ»^۱.

امّ سلمه نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«علی با قرآن است، و قرآن با علی است، و از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. دیملی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۲۸۲؛ عینی، مناقب سیدنا علی، ص ۳۸؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۴. همچنین رجوع شود به خوارزمی، المناقب، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ ایچی، توضیح الدلائل، ص ۲۰۹؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۷؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۱۳۵؛ همو، المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۲۵۵.



معیار ایمان و نفاق

عَنْ أَبِي ذَرٍّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«عَلِيٌّ بَابُ عِلْمِي، وَمُبَيِّنٌ لِأَمْتِي مَا أُرْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعْدِي.

حُبُّهُ إِيْمَانٌ، وَبُغْضُهُ نِفَاقٌ، وَالنَّظَرُ إِلَيْهِ رَأْفَةٌ وَمَوَدَّتُهُ عِبَادَةٌ»^۱.

از ابوذر روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«علی دروازه دانش من است، و پس از من،

تبیین کننده رسالتم (دین خدا) برای امتم خواهد

بود؛ دوستی اش ایمان و دشمنی اش نفاق و دورویی

است، و نگرستن به رخسارش از روی رأفت و

مودت، عبادت است».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۹۱؛ ابن حجر عسقلانی، زهر الفردوس، ج ۲، ص ۳۱۶ - ۳۱۷، به صورت مسند؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۴-۶۱۵؛ ابن تیمیه، القول الجلی، ح ۳۸ و غیر آنها. و مانند آن چیزی است که روایت کرده اند در المستدرک، ۳۶؛ مناوی، کنوز الحقائق، ص ۱۸۸؛ ابونعیم اصفهانی، حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۶۳؛ صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۲۹۳؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۴۰.



پیامبر و علی (ع) از یک نورند

عَنْ سَلْمَانَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

«كُنْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ نُورًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُعَلَّقًا، يُسَبِّحُ اللَّهَ ذَلِكَ النُّورُ وَيُقَدِّسُهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِأَرْبَعَةِ (عَشَرَ) أَلْفِ عَامٍ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ رَكَّبَ ذَلِكَ النُّورَ فِي صُلْبِهِ، فَلَمْ تَزَلْ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ حَتَّى افْتَرَقْنَا فِي صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَجُزْءٌ أَنَا وَجُزْءٌ عَلِيٌّ»^۱.

از سلمان فارسی روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود:

«من و علی در پیشگاه الهی به صورت نوری معلق بودیم؛ آن نور، تسبیح و تقدیس خدا را می کرد.^۲ چهار (ده) هزار سال پیش از آنکه آدم را بیافریند. چون حضرت آدم را خلق کرد، آن نور را در صلب

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۳۳۲. نیز رک: عینی، مناقب سیدنا علی، ص ۲۱؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۰۷؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۴۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۶۷؛ گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۳۱۵؛ ابن مغازلی، مناقب، ص ۹۳ - ۹۴.
۲. [تسبیح یعنی تنزیه و گفتن سبحان الله. تقدیس یعنی خدا را بدون هر عیب و نقص دانستن].

او قرار داد، ما پیوسته باهم در یک چیز بودیم تا آنکه در پشت عبدالمطلب از یکدیگر جدا شدیم؛ یک جزء آن من و جزء دیگر آن علی شد. [من در نبوت بروز کردم و علی در خلافت].»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نامیده شدن علی (علیه السلام) به امیر مؤمنان

عَنْ حُذَيْفَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَتَى سُمِّيَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْكَرُوا فَضْلَهُ، سُمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَآدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: بَلَى. فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «أَنَا رَبُّكُمْ وَمُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَعَلِيٌّ أَمِيرُكُمْ»^۱.

از حذیفه روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«اگر مردم می دانستند از چه وقت علی، امیر مؤمنان نام گذاری شده است، فضل و برتری اش را انکار نمی کردند». پس افزود: «او امیرالمؤمنین نامیده شد درحالی که آدم در هنگامه دمیدن روح در جسدش بود».

خداوند فرمود: «و چون پروردگارت از پشت فرزندان آدم، پیمان گرفت و آنان را بر خودشان

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۳۳۹؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۴۸.

گواه کرد که: آیا من پروردگار شما نیستم؟^۱.

فرشتگان گفتند: بلی.

پس خداوند متعال فرمود: «من پروردگار شما و

محمد پیامبرتان و علی امیر شماست».





برتری ایمان علی علیه السلام بر هر ایمانی

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَضَعَتَا فِي كِفَّةٍ وَلِإِيْمَانُ عَلِيٍّ فِي كِفَّةٍ
لَرُجِحَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ»^۱.

از عمر بن خطاب روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«اگر آسمان‌ها و زمین را در یک کفه ترازو بگذارند

و ایمان علی را در کفه دیگر، بی شک ایمان علی از

آن سنگین تر خواهد بود».

[توضیح: ایمان امیرالمؤمنین علیه السلام در حدی است که خود

فرموده: «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِيْنًا»^۲.



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۰۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۷؛

خوارزمی، المناقب، ص ۱۳۱؛ و نزدیک به آن را ابن عساکر، در تاریخ مدینه دمشق (ج ۴۲، ص ۳۴۱) نقل کرده است. ر.ک: طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۰۰.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۵۳؛ ج ۱۰، ص ۱۴۲؛ ج ۱۱، ص ۲۰۲؛ ابن دمشقی، جواهر المطالب، ج ۲، ص ۱۵۰؛ قندوزی، ینابیع الموده،

ج ۱، ص ۲۰۳.



عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علیه السلام اثری ندارد

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ، وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أَحَدِ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَمُدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يَحْجَ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ، ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرَوَةِ مَظْلُومًا، ثُمَّ لَمْ يُؤَالِكَ يَا عَلِيُّ، لَمْ يَشْمَنَّ رَائِحَةُ الْجَنَّةِ وَلَمْ يَدْخُلْهَا»^۱.

از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«هرگاه بنده‌ای خدا را به مدت عمر نوح که در میان قومش قیام کرد [نهمصد و پنجاه سال] به عبادت خدا بپردازد، و به مقدار کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند، و بر فرض به قدری عمر کند تا بتواند با پای پیاده هزار سال حجّ به جا آورد، و بعد (در بهترین مکان) بین صفا و مروه به ناحق کشته شود، اما ولایت تو را قبول نداشته باشد، بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد و داخل آن نمی‌شود».

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۰۹ - ۴۱۰؛ کنانی، تنزیه الشریعه، ج ۱،

ص ۳۹۸؛ خوارزمی، المناقب، ص ۶۷ - ۶۸.



پیام‌رسان برائت

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (فِي قِصَّةِ
إِعْلَانِ الْبَرَاءَةِ):

«يَا عَلِيُّ! إِنَّهُ لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ أَنْتَ»^۱.

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر اکرم ﷺ (در ارتباط
با اعلام برائت از مشرکان) فرمود:

«ای علی! (آنچه وظیفه بر عهده من است) را ادا
نمی‌کند جز خودم یا تو».

[توضیح: پیامبر ﷺ در سال نهم هجرت برای منع مشرکان از
ورود به مسجدالحرام و رفع هر نوع پیمان از آنها، ابوبکر را با
شانزده آیه از آغاز سوره برائت به مکه اعزام کرد تا در موسم حج
آیات را بر حاضران بخواند. ابوبکر در نیمه راه بود که جبرئیل بر
پیامبر نازل شد و فرمود: «امر الهی آن است که این آیات را یا
خودت یا مردی از اهل بیت تو بر مردم ابلاغ کند».]



۱. سیوطی، الدرالمشور، ج ۳، ص ۲۰۹ - ۲۱۰؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب،
ص ۲۵۲؛ شوکانی، فتح القدير، ج ۲، ص ۳۳۴؛ احمد بن حنبل، فضائل الصحابه،
ج ۲، ص ۵۶۲، ح ۹۶۴.



سفارش پیامبر ﷺ به ولایت‌پذیری

عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«أَوْصِي مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَمَنْ تَوَلَّاهُ فَقَدْ تَوَلَّانِي وَمَنْ تَوَلَّانِي فَقَدْ تَوَلَّى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَعَالَى وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^۱.

از عمار بن یاسر نقل است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«به آن‌کس که به من ایمان آورده و مرا تصدیق نموده سفارش می‌کنم به ولایت علی بن ابی‌طالب. هرکس ولایت او را بپذیرد درحقیقت ولایت مرا پذیرفته و معتقد به ولایت من، ولایت الهی را پذیرفته، و هرکس او را دوست بدارد درحقیقت مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست داشته

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۱۷۵۱؛ شجری، امالی، ج ۱، ص ۱۳۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۰؛ هاشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۸ - ۱۰۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۹ - ۲۴۰؛ ج ۵۲، ص ۷ - ۸؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۴۶.

باشد درحقیقت، خدا را دوست داشته، و هرکس او
را دشمن بدارد حقیقتاً مرا دشمن داشته و هرکس
با من دشمنی ورزد در واقع با خداوند، دشمنی
ورزیده است».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





علی علیه السلام کفو (همتای) فاطمه علیها السلام

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«لَوْ كُنْتُمْ تُخْلَقُونَ عَلَيَّ مَا كَانَتْ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ»^۱.

از امّ سلمه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«اگر خداوند علی را برای فاطمه نیافریده بود کفو

(همتایی) برای فاطمه ﷺ نبود».

[توضیح: به طور مسلم مقصود از کفویت و همتایی مهین دخت رسول اکرم ﷺ که سیده نساء عالمین است با امیرالمؤمنین ﷺ که سیدِ وصیین است، در عصمت و دانش و

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۱۸؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۴۴، ۲۸۶.

ابن مردویه با اسناد خود از امّ ایمن نقل کرده که رسول خدا ﷺ [صبحگاه عروسی فاطمه و علی] به او فرمود: «ای امّ ایمن، برادرم را بگو بیاید». امّ ایمن گفت: مرادتان کیست؟ فرمود: «علی». امّ ایمن با تعجب پرسید: چگونه علی برادر توست درحالی که دخترت را به عقد او در آورده‌ای؟!

حضرت فرمود: «این چنین است به خدا قسم فاطمه را به ازدواج هم‌شانی در آوردم که در این سرا و سرای دیگر شرافتمند است».

ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۱۰۱؛ و نزدیک به آن را در المستدرک (حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۹) می‌توان دید.

بینش و نکات والای اخلاقی و مقام قرب و فنا و آگاهی از
اسرار قدسی و اسما و صفات خداوند است نه همتایی از جهت
خویشاوندی و امثال آن.]



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





اگر در دل همه، مهر علی باشد بود

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ»^۱.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«اگر مردم بر محبت علی بن ابی طالب اتفاق داشتند

خدای بزرگ، آتش دوزخ را نمی آفرید».

[توضیح: علی بن عیسی اربلی در شرح این روایت می نویسد:

راز مطلب این است که محبت علی علیه السلام فرع محبت پیامبر است و

محبت پیامبر ﷺ فرع محبت خدا و توحید او و عمل به تکالیف

و اطاعت از اوامر و نواهی الهی و التزام به کتاب و سنت نبوی

است. بدیهی است اگر مردم همگی بر این فطرت مبارک پایبند

بودند، خداوند دوزخ را نمی آفرید»^۲.

عالم دیگری در ذیل حدیث فوق می گوید: از این حدیث

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۱۹؛ خوارزمی، المناقب، ص ۶۷؛

قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۷۲ - ۲۷۶؛ ج ۲، ص ۲۹۳.

۲. اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۹۸.

شریف فهمیده می‌شود که عذاب و آتش فقط برای مخالفان

(یعنی دشمنان امیر و فرزندان علیه السلام، آفریده شده است).



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





علیؑ جداکننده بین حق و باطل

عَنْ أَبِي ذَرٍّ وَسَلَمَانَ: أَخَذَ النَّبِيُّ ﷺ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ:
 «إِنَّ هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَهَذَا أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ، وَهَذَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، وَهَذَا فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ
 يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَهَذَا يَعْصُوْبُ الْمُؤْمِنِينَ،
 وَالْهَالِ يَعْصُوْبُ الظَّالِمِينَ»^۱.

از ابوذر و سلمان روایت شده که رسول خدا ﷺ دست
 علیؑ را گرفت و فرمود:

«به درستی که این مرد اولین کس از امت است که به
 من ایمان آورد؛ و نخستین کس است که در روز
 رستاخیز با من مصافحه کند و اوست صدیق اکبر
 (بزرگ‌ترین راستگو) و فاروق امت که حق و باطل



۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۶؛ هبشی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۲؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۲، ص ۴۱۴. نیز ر.ک: ابن مغازلی، مناقب، ص ۸۰. او به اسناد خود نقل می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمود: «ای علی! تو آقای مسلمانان، پیشوای پروايشگان و رهبر نامدار روسپیدان و خسرو دینی». ر.ک: ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق (ج ۴۲، ص ۴۱) و آنچه پیرامون حدیث نقل کرده‌اند.

را از هم جدا و متمایز می‌سازد؛ و این است خسرو
مؤمنان و مال، خسرو ستمکاران می‌باشد».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





ارزش مبارزه علی علیه السلام

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَيْدَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«لِمُبَارَزَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِعَمْرٍو بْنِ عَبْدِ وَدٍّ يَوْمَ
الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱.

از معاویه بن حیده روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«بی شک مبارزه علی بن ابی طالب با عمرو بن

عبدود در روز (احزاب) و جنگ خندق از اعمال

امتم تا روز رستاخیز برتر است».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۵۰۴؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۳۲؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۰۷؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۳؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۴.



دشمن علی علیه السلام غیر مسلمان است

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَيْدَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«مَنْ مَاتَ وَفِي قَلْبِهِ بُغْضٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا
أَوْ نَصْرَانِيًّا»^۱.

از معاویة بن حیده روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۱۵۳. از جابر و او از رسول اکرم ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «ای علی! چنان که ائم با تو دشمنی ورزید، خداوند آنان را با نوک بینی شان در آتش می اندازد». کنانی، تنزیه الشریعه، ص ۳۶۰؛ سیوطی، اللآلی المصنوعه، ج ۱، ص ۱۹۰.
و در کتاب فردوس الاخبار (دیلمی، ج ۵، ص ۴۰۸) و زهر الفردوس (ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۳۱۲) به صورت مسند از بهز بن حکیم از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: «ای علی! باکی ندارم هرکس با دشمنی تو دنیا را ترک گوید، یهودی بمیرد یا نصرانی». این حدیث را ابن مغازی در مناقب (ص ۶۳) از معاویة بن حیده نقل کرده است.

و از ابی هارون نقل شده که گفت: با ابن عمر در جایی نشسته بودیم که نافع بن ازرق به ما نزدیک شد و بالای سر ابن عمر ایستاد و سوگند یاد کرد و گفت: به خدا سوگند که بغض علی را در دل نهفته دارم. راوی گوید: ابن عمر سر بلند کرد و گفت: خدایت دشمن بدارد، بغض شخصیتی را در دل می گیری که یکی از سوابقش از دنیا و هرچه در آن است برتر و بهتر است.
ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف، ج ۷، ص ۵۰۵؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹-۳۰، ح ۱۲.



«هر که بدرود حیات گوید و در دلش دشمنی علی
بن ابی طالب باشد پس بایست یهودی یا نصرانی از
دنیا رخت بربندد».



دشمن علی علیه السلام است



سزای توهین به علی علیه السلام

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي، وَمَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ

سَبَّ اللَّهَ أَذْخَلَهُ اللَّهُ نَارَ جَهَنَّمَ وَلَهُ عَذَابٌ مُقِيمٌ»^۱.

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۵۴۲، ح ۵۶۸۹؛ مناوی، فیض القدير، ج ۶، ص ۱۹۰؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۶، ص ۳۲۳؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۲۱؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۰؛ سیوطی، الجامع الصغير، ج ۲، ص ۶۰۸، متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۲. خوارزمی در کتاب المناقب (۱۳۶-۱۳۷) از سعید بن جبیر نقل کرده که گفت: ابن عباس مطلع شد جمعی به بدگویی علی علیه السلام مشغولند. به فرزند خود (علی بن عبدالله) گفت: «دستم را بگیر و مرا به مجمع آنها ببر». فرزندش اطاعت کرد. وقتی به آنها رسید گفت: کدام یک از شما داشت به خدا ناسزا می گفت؟ همه با تعجب گفتند: سبحان الله! کسی که به خدا ناسزا بگوید مشرک است.

پس پرسید: کدام فرد از شما داشت به رسول خدا ﷺ ناسزا می گفت؟ باز گفتند: این چه حرفی است هرکس به رسول خدا ﷺ ناسزا بگوید کفر ورزیده است. پس از آن گفت: کدام یک از شما علی را دشنام می داد؟ گفتند: این را گفتیم.

ابن عباس به آنان گفت: گواه باشید از رسول اکرم ﷺ شنیدم فرمود: «هرکس علی را ناسزاگوید به من دشنام داده و هرکس مرا دشنام دهد به خدا ناسزاگفته و هرکس به خدا ناسزا بگوید خدا وی را با صورت درآتش سرنگون خواهد فرمود». این مطلب را محب الدین طبری در *الریاض النضره* (ج ۳، ص ۱۲۲ - ۱۲۳) نقل نموده است.

از ابن عباس روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«کسی که به علی دشنام دهد، به من دشنام داده است و کسی که به من دشنام دهد، درحقیقت به خدا دشنام داده است و هرکس به خدا ناسزا گوید خداوند او را در آتش دوزخ می‌افکند و همواره دچار عذاب خواهد بود».





نام علی (علیه السلام) بر سر در بهشت

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ [لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ]، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ [اللَّهُ] السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْفَنِيِّ عَامٍ»^۱.

از جابر بن عبدالله روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:
«بر سر در بهشت نوشته شد: [خدایی جز الله نیست] محمد فرستاده خداست، و علی برادر فرستاده خداست پیش از دوهزار سال از آنکه خداوند آسمان و زمین را بیافریند».

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۴۱۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۴؛ ایجی، توضیح الدلائل، ص ۲۰۸؛ ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۷، ص ۲۵۶؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۳۹۸.
- ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «شبی که به معراج برده شدم، مشاهده کردم بر سر در بهشت نگاشته شده: خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد فرستاده پروردگارت و علی حبیب او و حسن و حسین برگزیده اش، و فاطمه، منتخبش، و لعنت حق نثار دشمنانشان».
- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۳۹۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲، ص ۵۹؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۴۴؛ و در مجمع الزوائد (هشمی، ج ۹، ص ۱۱۱) چنین آمده است: «خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد فرستاده خدا و علی برادر پیامبر است دوهزار سال قبل از آفریدن آفرینش».



علی علیه السلام همانند سوره اخلاص است

عَنْ حُذَيْفَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«مَثَلُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي النَّاسِ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فِي الْقُرْآنِ»^۱.

از حذیفه نقل شده که رسول اکرم ﷺ فرمود:

«مَثَلُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي النَّاسِ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فِي الْقُرْآنِ».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۴۲۲؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰.



نظر به ماه رخسار علی (ع) عبادت است

عَنْ عَائِشَةَ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَابْنِ مَسْعُودٍ وَتُوبَانَ
وَأَبِي ذَرٍّ وَجَابِرٍ وَأَنْسٍ وَمَعَاذِ بْنِ جَبَلٍ وَعِمْرَانَ بْنِ

الْحَصِينِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«النَّظَرُ إِلَيَّ وَجْهٌ عَلَى عِبَادَةٍ»^۱.

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۰، ص ۹؛ ج ۴۲، ص ۳۵۰ - ۳۵۵؛ ابن اثیر، النهایه، ج ۵، ص ۷۷ (ماده نظر). ابن اثیر در این کتاب حدیث را چنین ترجمه کرده است: هرگاه علی در جمع مردم ظاهر می شد مردم شگفت زده می گفتند: لا اله الا الله، چه رخسار نیکو و نورانی دارد؛ و لا اله الا الله چقدر این جوانمرد دانا است؛ لا اله الا الله چه مقدار این جوانمرد گرامی و بزرگوار است؛ یعنی چقدر پروا پیشه است؛ لا اله الا الله چقدر این جوانمرد دلاور است، از این رو این دیدار، مردم را به زبان راندن کلمه توحید وا می داشت.

نیز ر.ک: به ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۱۸۳؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۹؛ خطیب بغدادی در تاریخ بغداد (ج ۲، ص ۴۹) از ابوهریره نقل کرده گفت: دیدم معاذ بن جبل نگاه کردن به رخسار علی بن ابی طالب را ادامه می دهد، در یکی از اوقات به او گفتم: سبب چیست نگاهت را به سیمای علی طولانی می کنی و چنان نگاهش می کنی که گویی تا به حال او را ندیده ای؟ او حدیث یاد شده را خواند.

این حدیث را ابن مردویه اصفهانی (مناقب، ص ۷۵) طبق نقل سیوطی که در *اللاکلی المصنوعه* (ص ۳۴۵) آورده، روایت کرده است و حاکم نیشابوری، در

از عایشه و ابوبکر و عمر و عثمان و ابن مسعود و ثوبان و أبوذر
و جابر و انس و عمران بن حصین روایت شده که رسول
خدا ﷺ فرمود:

«نگاه کردن به سیمای علی، عبادت است».

المستدرک (ج ۳، ص ۱۴۱ - ۱۴۲) و خوارزمی در **المناقب** (ص ۳۶۱ - ۳۶۲) و ابن مغازی در **مناقب** (ص ۱۷۲ - ۱۷۶) و سیوطی در **تاریخ الخلفاء** (ص ۱۸۹) و ابن حجر عسقلانی در **الاصابه** (ج ۸، ص ۳۰۸) در ترجمه لیلی غفاریه، و ابونعیم اصفهانی در **حلیة الاولیاء** (ج ۲، ص ۱۸۳) و ابن کثیر در **البدایة و النهایة** (ج ۷، ص ۳۹۴)؛ و ابن حجر هیثمی در **الصواعق المحرقة** (ص ۱۳۳، ۱۷۷) این را روایت کرده که بسیاری از صحابیان نقل کرده‌اند که برخی از آنها سند نقل را به ۱۲ تن از صحابه منتهی کرده‌اند. هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۹ (باب نگاه افکندن به سیمای علی). در این کتاب مؤلف از طلیق بن محمد روایت کرده که گفت: عمران بن حصین را دیدم دقیق به سیمای علی می‌نگرد. در این خصوص از او سؤال شد. گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: «نظر به رخسار علی، عبادت است».



افضل امامان علیهم السلام

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «هَبَطَ عَلِيٌّ الْمَلِكَانِ لَمْ يَهْبِطَا مُنْذُ كَانَتِ الْأَرْضُ، فَبَشَّرَانِي أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا أَهْلِ الْجَنَّةِ. فَقُلْتُ: أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا»^۱.

انس بن مالک نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «دو ملک بر من نازل شدند که از آغاز آفرینش زمین تا آن زمان، فرود نیامده بودند. آن دو به من بشارت دادند که حسن و حسین سرور و آقای بهشتیان‌اند. من افزودم: پدرشان از آن دو، بهتر است».

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۷۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۲۲؛ ابن حجر عسقلانی، زهر الفردوس، ج ۴، ص ۱۳۴.



حدیث جواز

عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَنَصَبَ
الصِّرَاطَ عَلَى جِسْرِ جَهَنَّمَ، مَا جَاَزَهَا أَحَدٌ حَتَّى كَانَ مَعَهُ
بِرَاءَةٌ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»^۱.

از علی علیه السلام نقل است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«چون خداوند، اولین و آخرین را در روز رستاخیز

جمع آورد و صراط را بر روی پل دوزخ، نصب

۱. ابن دمشق، جواهرالمطالب، ج ۱، ص ۸۸؛ ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار
اصبهان، ج ۱، ص ۳۴۱ - ۳۴۲. حدیث را ابوالخیر احمد بن اسماعیل طالقانی
در باب ۳۳، ح ۴۰ از کتابش *الأربعین الممتقی* که در مجله وزین تراشا (ش ۱،
ص ۱۱۹) منتشر شده، آورده است.

ابن مغازلی در *المناقب* (ص ۱۲۰) از ابن عباس روایت کرده که رسول
خدا ﷺ فرمود: «در روز رستاخیز علی علیه السلام مشرف بر حوض کوثر ایستاده
است. احدی به بهشت در نیاید جز آنکه پروانه‌ای از علی بن ابی طالب با او
باشد». نیز این مطلب را از انس (ص ۱۲۰) نقل کرده است.

برای این حدیث منابع فراوانی وجود دارد که آنها را در *فراندا السمطین* (جوینی،
ج ۱، ص ۲۸۹ - ۲۹۰، ح ۲۲۸)؛ *غایة المرام* (بحرانی، ج ۳، ص ۹۷)؛ *الریاض النضره*
(طبری، ج ۲، ص ۱۳۷)؛ *ذخائر العقبی* (طبری، ص ۷۱)، می‌توان دید.

کند، احدی از آن عبور نکند مگر کسی که سند
رہایی از آتش به واسطه ولایت علی بن ابی طالب
را در دست داشته باشد».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





اسلام و ایمان علی

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«يَا عَلِيُّ، أَنْتَ أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ إِسْلَامًا، وَأَنْتَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱.

از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای علی! تو اولین فردی که اسلام را پذیرفتی و

تو نخستین فرد از مؤمنان می باشی».



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۰۶؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق،

ج ۴۲، ص ۱۶۷؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۵۰.

ابن عساکر از حبه بن جوین عرنی نقل کرده، که گفت: شنیدم علی بن

ابی طالب می گوید: «نخستین کس هستم که به رسول خدا ﷺ گروید یا با او

نماز گزارد». (تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰ - ۳۱). و مفاد حدیث یاد

شده به تواتر ثابت است.



مواسات علی علیه السلام

لَمَّا قَتَلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ أُحُدٍ أَصْحَابَ الْأَلْوِيَةِ، قَالَ
جَبْرِئِيلُ:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ هَذِهِ لَكِهِيَ الْمَوَاسَاةُ».

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ».

قَالَ جَبْرِئِيلُ: «وَأَنَا مِنْكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ!»^۱.

هنگامی که علی در جنگ احد پرچم داران سپاه کفر را به قتل
رساند، جبرئیل علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین گفت:
«حقاً این است معنای مواسات».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آخر او از من است و من
از اویم».

جبرئیل علیه السلام گفت: «من هم از شمایم ای رسول خدا».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۴۳ - ۱۴۴، به نقل از طبرانی، به نقل از
مسند رافع بن خدیج. ر.ک: طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۱۸؛ طبری،
ذخائر العقبی، ص ۶۸.



امارت امیر مؤمنان علیه السلام

عَنْ بُرَيْدَةَ: قَالَ:

أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنْ نُسَلِّمَ عَلَى عَلِيٍّ -

عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِ «إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ»^۱.

از بریده نقل است که گفت:

«پیامبر اکرم ﷺ به ما امر کرد به علی علیه السلام به عنوان

فرمانده اهل ایمان و امیر مؤمنان سلام کنیم».

۱. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰۳.

از سالم غلام حذیفه نقل است که پیامبر اکرم ﷺ امر کرد تا به علی بن ابی طالب این گونه سلام دهیم: «یا امیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته». عینی، مناقب سیدنا علی، ص ۱۸ و در صفحه ۶۱ آن از انس نقل روایت شده که انس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «ای انس! اولین شخصی که از این در بر تو درآید امیر مؤمنان و آقا و سرور مسلمانان و خاتم وصیین است».

این مطلب را ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق (ج ۴۲، ص ۳۰۳)، در ضمن حدیثی از انس چنین نقل کرده: «ای انس! نخستین کسی که از این در درآید امیر مؤمنان و پیشوای نامی روسپیدان، و سرور مؤمنان علی است».

نیز ر.ک: به خوارزمی، المناقب، ص ۳۲۲ - ۳۲۳.

تفتازانی در شرح المقاصد (ج ۵، ص ۲۵۹؛ المبحث الرابع من الفصل الرابع) این گونه آورده: قول پیامبر ﷺ که فرمود: «سَلِّمُوا عَلَيْهِ» (یعنی بر علی) بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ.



دوستدار علی علیه السلام دوستدار رسول خدا صلی الله علیه و آله است

عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله:

«يَا عَلِيُّ، مُحِبُّكَ مُحِبِّي، وَمُبْغِضُكَ مُبْغِضِي»^۱.

سلمان فارسی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای علی! محبّ تو دوستدار من است و دشمن تو

دشمن من خواهد بود».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۰۸؛ ابن مغازلی، مناقب، ص ۱۸۹؛ عجلونی، کشف الخفاء، ج ۲، ص ۳۸۴؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۶۹؛ صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۲۹۳.



دور ساختن منافقان از حوض کوثر

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«يَا عَلِيُّ، مَعَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَصَا مِنْ عُصِي الْجَنَّةِ تَذُودُ بِهَا
الْمُنَافِقِينَ عَنْ حَوْضِي»^۱.

ابوسعید گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای علی! در رستاخیز عصایی از عصاهای بهشتی

در اختیار داری که به وسیله آن منافقان را از حوض

خواهی راند.»

۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۰۸؛ قندوزی، ینایع الموده، ج ۲، ص ۳۷۵؛
هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۵؛ طبرانی، المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۸۹ و
طبرانی در **المعجم الاوسط** (ج ۵، ص ۲۲۵) از عبدالله بن اجاره بن قیس نقل
کرده که گفت: شنیدم علی بر فراز منبر می گفت: «با دستان کوتاه خویش کفار
و منافقان را از حوض رسول خدا ﷺ دور می سازم آن سان که آب دهندگان
شتر (ساریانان)، شترهای بیگانه را از حوض هایشان دور می کنند».

و در **المعجم الکبیر** (ج ۱، ص ۳۱۹) از ابورافع نقل شده که رسول خدا ﷺ به
علی علیه السلام فرمود: «تو و پیروانت در حالی بر من در کنار حوض در آید که از
آب بهره ور شده و سیراب گشته اید و رویتان سپید است. اما دشمنان در
حالی بر من وارد آیند که تشنه کام و سیمایشان زشت و بدمنظر است».

نیز ر.ک: هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳،
ص ۱۵۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۱۳۹ - ۱۴۰؛ ابن دمشقی،
جواهر المطالب، ج ۱، ص ۲۳۳.



راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه السلام حرام است

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَجَعَلَ صِدَاقَهَا

الْأَرْضَ، فَمَنْ مَسَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَكَ يَمْشِي حَرَامًا»^۱.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«یا علی! به درستی که خداوند با عز و جلال فاطمه

را به ازدواج تو درآورد و زمین را مهریه او قرار

داد؛ پس هرکسی که روی زمین راه برود

درحالی که دشمن تو باشد و بغض تو را داشته

باشد، این راه رفتن او حرام است».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۰۹؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۴۱؛

خوارزمی، المناقب، ص ۳۲۸؛ کنانی، تنزیه الشریعه، ج ۱، ص ۴۱۱.



هدیه فرشتگان به شیعیان علی علیه السلام

عَنْ أَبِي بَكْرٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مِنْ نُورِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مَلَائِكَةً يُسَبِّحُونَ
وَيُقَدِّسُونَ وَيَكْتُبُونَ ثَوَابَ ذَلِكَ لِمُحِبِّهِ وَمُحِبِّي وَلَدِهِ»^۱.

از ابوبکر نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«همانا خدا از نور علی بن ابی طالب فرشتگانی
آفرید که خداوند را تسبیح گویند و تقدیس نمایند
و ثواب آن را برای دوستان علی و دوستان
فرزندانش ثبت و ضبط کنند».



۱. خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۹۷؛ ابن عقده کوفی، فضائل
امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۳۲. خوارزمی مانند آن را از عمر بن خطاب نقل کرده
است (المناقب، ص ۳۲۹).



آزردن علی (ع) اذیت پیامبر (ص) است

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ: قَالَ: كُنْتُ أَجْمُو عَلِيًّا، فَلَقِيَني رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ:

«إِنَّكَ أَذَيْتَنِي يَا عُمَرُ!»

فَقُلْتُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَدَى رَسُولِهِ!

قَالَ: «إِنَّكَ قَدْ أَذَيْتَ عَلِيًّا، وَمَنْ أَدَى عَلِيًّا فَقَدْ أَذَانِي»^۱.

از عمر بن خطاب نقل است که گفت: همواره به علی جفا و اذیت روا می‌داشتم. روزی پیامبر (ص) مرا دید و فرمود: «ای عمر! مرا آزار دادی».

گفتم: به خدا پناهنده می‌شوم از کسی که رسولش را بیآزارد.

۱. ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۸۱؛ ابن سید الکمل، الأنباء المستطابه، ص ۶۴؛ رافعی قزوینی، التدوین فی اخبار قزوین، ج ۳، ص ۳۸۹.
و از حسین بن علی (ع) نقل است که پدرم (علی بن ابی طالب) درحالی که با دست، یک تار موی او را گرفته بود، این حدیث را برایم ذکر کرد که جدم رسول خدا (ص) درحالی که با دست یک تار موی او را گرفت فرمود: «هرکس به یک تار موی آزار رساند، مرا آزرده است. هرکس مرا آزرده باشد، درحقیقت خدا را آزرده، و هرکس خدا را آزار دهد خدا به حجم زمین و آسمان به او لعنت فرستد». ایجی، توضیح الدلائل، ص ۱۹۳.

فرمود: «تو علی را اذیت کردی و هرکس علی
را آزرده و اذیت کند، درحقیقت مرا اذیت
نموده است».



آزردن علی علیه السلام اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله است



همه درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندید

عَنْ سَعْدِ بْنِ مَالِكٍ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ
الْشَّارِعَةِ فِي الْمَسْجِدِ وَتَرَكَ بَابَ عَلِيٍّ (قَالَ الْهَيْثَمِيُّ: رَوَاهُ
أَحْمَدُ وَأَبُو يَعْلَى وَالْبَزَّازُ وَالطَّبْرَانِيُّ فِي الْأَوْسَطِ، وَزَادَ:
قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَدَدْتَ أَبْوَابَنَا كُلَّهَا إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ؟
قَالَ:

«مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَدَّهَا»^۱.

سعد بن مالک گفت: رسول اکرم ﷺ فرمان داد تمام درهای
خانه‌هایی را که به داخل مسجد، باز می‌شد ببندیم و در خانه علی
را وا نهاد.

هیثمی می‌نویسد: این حقیقت را احمد، و ابویعلی، بزار و
طبرانی در **الأوسط** روایت کرده‌اند و افزوده که ایشان گفتند: ای
رسول خدا! درهای ما را بستی و در خانه علی علیه السلام را وا نهادی.



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۴ (باب فتح باب به فی المسجد)؛
طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۱۸۶.
گفتنی است که حدیث فتح باب و سدّ ابواب، حدیثی مشهور و ثابت است.

حضرت فرمود:

«درهای شما را من نبستم، خداوند آنها را بست».

همه درها جز در خانه علی علیه السلام را بستید



پرچم‌دار رسول خدا ﷺ در هر دو سرا

عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ يَحْمِلُ رَايَتَكَ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ:

«مَنْ يَحْسُنُ أَنْ يَحْمِلَهَا إِلَّا مَنْ حَمَلَهَا فِي الدُّنْيَا؟ عَلِيُّ بْنُ أَبِي
طَالِبٍ»^۱.

از جابر روایت است که گفت: اصحاب از رسول خدا ﷺ

۱. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۴۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۷۵؛ ابن دمشق، جواهر المطالب، ج ۱، ص ۱۸۲؛ خوارزمی، المناقب، ص ۳۵۸. از انس نقل است که رسول خدا ﷺ مکتوب برائت از مشرکان مکه را در اختیار ابوبکر گذاشت و او را به طرف مکه اعزام کرد. چندی بعد او را باز خواند و فرمود: «شایسته نیست این نامه را برساند مگر مردی از وابستگان نزدیک من». آن گاه علی را فرا خواند و نامه یادشده را به او سپرد تا به مکه ببرد.

سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۰۹؛ شوکانی، فتح القدير ج ۲، ص ۳۳۴. و نزدیک به این مضمون در کنز العمال (متقی هندی، ج ۲، ص ۴۱۷، ۴۲۲) و از ابن عباس نقل شده است، که گفت: «علی حامل علم رسول خدا ﷺ در جنگ بدر و کلبه نبردها بود».

ابن دمشق، جواهر المطالب، ج ۱، ص ۱۸۹. نیز رک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۳.

و از ابن عباس نقل است که گفت: دست علی در نبرد أحد، آسیب دید و پرچم از دستش به زمین افتاد. رسول خدا ﷺ فرمود: «بیرق را در دست چپ او بگذارید، زیرا او در هر دو جهان پرچم‌دار من است».

طبری، الریاض النضره، ج ۳، ص ۱۵۶؛ ابن دمشق، جواهر المطالب، ج ۱، ص ۱۹۰.



پرسیدند: آن کس که پرچم شما را در روز قیامت حمل خواهد
کرد کیست؟

حضرت فرمود:

«چه فردی جز همان که آن را در دنیا در دست
داشت، شایستگی حمل آن را خواهد داشت؟ (علی
بن ابی طالب)».





قاتل علی علیه السلام، تیره بخت ترین امت

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ عليه السلام:
**«مَنْ أَشَقَى الثَّمُودِ؟ قَالَ: مَنْ عَقَرَ النَّاقَةَ. قَالَ: فَمَنْ أَشَقَى
 هَذِهِ الْأُمَّةُ؟ قَالَ: اللَّهُ أَعْلَمُ. قَالَ: قَاتِلُكَ»^۱.**

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

«می دانی تیره بخت ترین کسی که در قوم ثمود بود
 کیست؟ گفت: آنکه پای ناقه صالح علیه السلام را قطع
 کرد. حضرت پرسید تیره بخت ترین امت من

۱. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۴۷.

و نیز از عمار نقل است که گفت: من و علی بن ابی طالب در غزوه ذی العشیره با یکدیگر رفیق و همسنگر بودیم، رسول اکرم ﷺ فرمود: «آیا با دو تن از بدبخت ترین مردم شما را آشنا سازم؟».

گفتم: «آری». فرمود: «(مردک سرخ روی) کودن قوم ثمود همان که ناقه صالح را پی کرد؛ و ای علی! دو می کسی است که ضربتی بر فرق سر تو می زند که تا محاسنت به خون، رنگین می شود».

سیوطی، الجامع الکبیر، ج ۱۶، ص ۲۵۵؛ ح ۷۸۶۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۴۰ - ۱۴۱؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۶، به نقل از جابر بن سمره.

نیز رک: خوارزمی، المناقب، ص ۳۸۰؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۵۸ - ۳۵۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۵۵۰.



کیست؟ گفت: خدا داناتر است. فرمود: کسی که
تو را به قتل می‌رساند».

[توضیح: قوم ثمود افرادی سرکش و مغرور بودند؛ پیامبر آنها
حضرت صالح علیه السلام هرچه آنها را نصیحت کرد، اثر نبخشید. از آن
حضرت معجزه خواستند او به اذن خدا در دل کوه ناقه‌ای (شتر
ماده‌ای) بیرون آورد؛ آنها به جای اینکه معجزه الهی را بپذیرند، آن
ناقه را پی کردند و کشتند، آنها برای پی کردن و کشتن ناقه،
فردی شقاوتمند و بی‌رحم به نام «قدار بن سالف» را بدین کار
گماشتند و او با یک ضربت شمشیر، شتر را پی کرد، و به‌عنوان
«شقی‌ترین فرد گذشتگان» لقب گرفت و سه روز پس از این
ماجرا، بر اثر عذاب الهی، به هلاکت رسیدند».





زینت علی علیه السلام

عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ تُزَيَّنْ الْعِبَادُ بِزِينَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهَا، هِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، فَجَعَلَكَ لَا تَزُرُّ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا وَلَا تَزُرُّ الدُّنْيَا مِنْكَ شَيْئًا وَوَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ، فَجَعَلَكَ تَرْضَى بِهِمْ أَتْبَاعًا، وَيَرْضُونَ بِكَ إِمَامًا»^۱.

۱. ابونعیم اصفهانی، حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۷۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۲؛ ابن مغازلی، مناقب، ص ۱۱۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۶؛ صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ و در *اسد الغابه* (ابن اثیر جزری، ج ۴، ص ۲۳) مانند آن ثبت شده است.

و نزدیک به این مضمون در *فردوس الاخبار* (دیلمی، ج ۵، ص ۴۰۹) و *جمع الجوامع* (سبکی، ج ۱، ص ۹۶۸) آمده است. طبرانی در *المعجم الاوسط* (ج ۲، ص ۳۳۷) از عمار بن یاسر نقل کرده که گفت: از پیامبر اکرم ﷺ شنیدم که علی علیه السلام فرمود: «خداوند متعال تو را به زیوری آراسته است که هیچ یک از بندگان را به زیوری مانند آن، نیاراسته. خداوند متعال دوستی بینوایان و در کنار آنان بودن را مورد علاقه تو قرار داده و تو را به پیشوایی آنان برگزیده که تو به آنان خوشودی و برای پیروانی در نظر گرفته که آنان به پیشوایی تو خرسندند. پس خوشا بر آنان که تو را دوست بدارند و تو را می پذیرند و وای بر آنهایی که با تو دشمنی ورزند». رک: همیشه، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۲.



از عمّار بن یاسر روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای علی! خدای متعال تو را به زینتی آراسته است

که هیچ بنده‌ای به زیوری چنین مزین نگشته و خدا

آن را بیش از هر زینت دیگری دوست دارد و آن

زهد در دنیا است که زینت نیکوکاران در نزد خدای

با عزّت و جلال است.

پس تو را طوری قرار داده که نه از دنیا دست تو را

می‌گیرد و نه دنیا چیزی از تو به دست می‌آورد. خدا

در وجود تو علاقه به مساکین را عطا کرد، پس تو را

طوری قرار داده که راضی شدی که رهبر آنها باشی و

آنان نیز به پیشوایی چون تو خشنودند».

و خوارزمی در **المناقب** (ص ۱۱۷)، از عمر بن عبدالعزیز نقل کرده که گفت:

«بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان امت آن حضرت کسی را زاهدتر از علی بن

ابی طالب سراغ نداریم».

نیز ر.ک: ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۴۸۹؛ ابن مردویه اصفهانی،

مناقب، ص ۹۵.



صاحب حوض کوثر

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَا: قَالَ رَسُولُ

اللَّهِ ﷺ:

«عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَاحِبُ حَوْضِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

از ابوهریره و جابر بن عبدالله نقل شده است که گفتند: رسول

خدا ﷺ فرمود:

«در روز قیامت صاحب حوض من علی بن

ابی طالب خواهد بود».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. طبرانی، المعجم الاوسط ج ۱، ص ۶۷؛ مناوی، کنوزالحقائق، ج ۲، ص ۱۷؛
هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۳۶۷؛ خوارزمی، المناقب، ص ۳۱۰.



نخستین مسلمان

عَنْ أَنَسٍ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ :

«صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَعَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَبْعَ سِنِينَ،
وَذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ تَرْفَعْ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى السَّمَاءِ إِلَّا
مِنِّْي وَمِنْ عَلِيٍّ»^۱.

انس نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

۱. خوارزمی، المناقب، ص ۵۳ - ۵۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۶، ۳۹؛ و در کتاب مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۹۱) از ابوذر نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«فرشتگان الهی هفت سال بود که بر من و علی درود نثار می کردند قبل از آنکه فردی به اسلام گرویده باشد». و از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم ﷺ فرمود: «اولین مردی که با من نماز گزارد علی بود».

دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۲۷، ۳۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۶؛ نسائی، خصائص امیرالمؤمنین، ص ۴۲، ۴۴.

و در کتاب اسد الغابه (ابن اثیر جزری، ج ۴، ص ۱۸) از ابویوب انصاری نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمود: «درحقیقت ملائکه هفت سال بر من و علی درود و صلوات فرستادند، زیرا که از مردان جز او همراه من کسی نماز نگزارده بود».

[تعبیر «رجل» در روایت قابل تأمل است گویا از ابتدای اسلام علی تا زمانی که بر او اطلاق رجل شده یعنی پانزده سالگی، غیر از او احدی مسلمان نشده است. نیز ر.ک: شرح سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۵، ۲۵۸.]

«فرشتگان الهی مدت هفت سال بر من و علی بن
ابی طالب درود می‌فرستادند و این در زمانی بود که
هنوز شعار توحید و کلمه لا اله الا الله جز از من و
علی به آسمان بر نمی‌خاست».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





علی علیه السلام برادر پیامبر ﷺ

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«عَلِيٌّ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۱.

۱. صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۲۹۷؛ ترمذی در *الجامع الصحيح* (ج ۵، ص ۳۰۰) از ابن عمر روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ میان اصحابش پیمان برادری بست (علی در این موقع تنها ماند) در این لحظه با دیدگان اشک آلود حضور پیامبر ﷺ رسید و گفت: «یا نبی الله! بین ملازمان و همراهانتان پیوند اخوت ایجاد کردی ولی میان من و کسی پیوند برادری برقرار نفرمودی». حضرت فرمود: «تو برادر من در این جهان و سرای دیگر هستی».

حاکم نیشابوری، در *المستدرک* (ج ۳، ص ۱۴) و سیوطی در *الجامع الصغير* (ج ۲، ص ۱۷۶)، و در کتاب *مناقب سیدنا علی علیه السلام* از زید بن ارقم نقل است که رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: «تو برادر و رفیق منی». و در *فردوس الاخبار* (دیلمی، ج ۳، ص ۱۵، ح ۴۱۸۲) از آن سرور ﷺ نقل است که فرمود: «علی برادر و هموزاده من است».

ابن عساکر از عباس روایت آورده که رسول خدا ﷺ فرمود: «بهترین برادرانم علی، بهترین عموهایم حمزه است». ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۶۱ و رجوع شود به: هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۱ (باب منزلته ومؤاخاته). گفتنی است که حدیث مؤاخات از احادیث مشهور بین فریقین است و ایجاد پیوند برادری بیش از یک نوبت انجام شده است.

در حدیث دیگر از مسند زید بن ابی‌أوفی در باب مؤاخات چنین آمده است: وقتی علی علیه السلام از تأخیر پیوند برادری اش شکوه کرد، نبی مکرم ﷺ فرمود:



از عبدالله بن عمر روایت است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:
«علی برادر من است در این جهان و سرای دیگر».

«قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث فرمود [پیمان] تو را به عقب نینداختم مگر برای اینکه تو را برادر خود کنم. تو برادر منی و نسبت به من چون هارون نسبت به موسایی با این فرق که پس از من پیامبری نخواهد بود و تو برادر و وارث من هستی».

علی گفت: «از تو چه چیزی به ارث می‌برم یا رسول الله؟».

فرمود: «آنچه را پیامبران پیش از من ارث گذاشتند».

پرسید: «انبیای پیشین چه چیزی به ارث گذاشتند؟»

فرمود: «کتاب خدا و سنت پیامبرانشان و تو با منی در قصرم در بهشت با دخترم فاطمه و تو برادر و رفیق منی».

این حدیث را احمد در کتاب مناقب علی آورده است. ر.ک: متقی هندی، کنزالعمال، ج ۱۳، ص ۱۰۵-۱۰۶.

می‌گویم: چقدر شایسته است که دوستدار علی (ع) به هنگام ذکر احادیث «پیوند برادری» که روایاتش متواتر است به ترنم این اشعار که منسوب به امیرمؤمنان (ع) است بپردازد. ترجمه اشعار طبق نقل **کنزالعمال** (متقی هندی، ج ۱۳، ص ۱۱۲) چنین است:

رسول خدا ﷺ برادر و پدر خانم من است و حمزه سیدالشهدا عمویم می‌باشد. و جعفر طیار که (در بهشت) بامداد و شامگاه همراه فرشتگان پرواز می‌کند برادر من است.

و فاطمه دخت محمد ﷺ همسر و آرام جان من است که گوشتش با گوشت و خونم در آمیخته است.

و نواده‌های پیامبر ﷺ (حسنین (ع)) دو فرزند من از فاطمه‌اند، چه کسی از شما را نصیبی همچون نصیب من هست؟

بر تمام شما در ایمان به خدا و پیامبر پیشتازم درحالی که هنوز خرد بودم و به مرز بلوغ جسمی نرسیده بودم.



برادر و وزیر پیامبر ﷺ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«أَخِي وَوَزِيرِي، وَخَيْرُ مَنْ أَتْرُكُ بَعْدِي، يَقْضِي دِينِي، وَيُنْجِزُ وَغْدِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»^۱.

۱. ایجی، المواقف فی علم الکلام، ج ۳، ص ۶۲۵ و در ص ۲۵ آن از نبی اکرم ﷺ آمده است.

و از بریده - همان طور که در منابع آتی نیز خواهد آمد - نقل است که رسول اکرم ﷺ فرمود: «برای هر پیامبر، وصی و وارثی بود و علی وصی و وارث من است».

دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۳۳۶، ح ۵۰۰۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۲؛ خوارزمی، المناقب، ص ۸۴ - ۸۵؛ ابن مغازی، مناقب، ص ۱۶۷؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، ص ۱۱۴.

و در کتاب مناقب سیدنا علی (عینی، ص ۲۹) به نقل از ربیع آمده که رسول خدا ﷺ به علی فرمود: «تو برادر و همراه و وصی منی.» و از سلمان نقل است: عرض کردم: «ای رسول خدا! برای هر پیامبری وصی‌ای بود، وصی شما کیست؟». حضرت جواب مرا نداد. روز بعد که مرا دید فرمود: «یا سلمان! با عجله خود را به حضرت رساندم و عرض کردم: بلی.

حضرت فرمود: «می‌دانی وصی موسی که بود؟».

گفتم: آری، یوشع بن نون.

پرسید: «چرا او وصی موسی بود؟»

عرض کردم: چون در آن روزگار داناترین آنان بود.

فرمود: «وصی و محلّ راز من و بهترین فردی که پس از خود می‌گذارم که

رسول خدا ﷺ فرمود:

«برادر و وزیر، و بهترین شخصی که بعد از خود
می‌گذارم و دین مرا تأدیه کرده و وعده‌هایم را عملی
می‌سازد، علی بن ابی طالب است».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱۲۸

وعده‌های مرا وفا می‌کند و دین مرا می‌پردازد علی بن ابی طالب است».

طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۲۲۱؛ هيثمي، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۳-
۱۱۴ و نیز ر.ک: خوارزمی، المناقب، ص ۶۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱،
ص ۶۱۱؛ عینی، مناقب سیدنا علی، ص ۳۹؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب،
ص ۱۰۴.



راه علی علیه السلام حق است

عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ: سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:
**«عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ
 الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.**

۱. اسکافی، المعیار و الموازنه، ص ۱۱۹.

در **تاریخ مدینه دمشق** (ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۴۴۹) از ابوثابت غلام ابوذر نقل شده که گفت: روزی نزد ام سلمه رفتم دیدم علی را یاد کرده می گریست و می گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «علی با حق و حق با علی است و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در قیامت در کنار حوض بر من وارد آیند».

از عبدالرحمن بن ابی سعید نقل است که گفت: ما به اتفاق گروهی از مهاجران در حضور پیامبر اکرم ﷺ شرفیاب بودیم که علی از آنجا گذشت. پیامبر فرمود: «حق با این است».

این سخن را هیشمی در **مجمع الزوائد** (ج ۷، ص ۲۳۴ - ۲۳۵) و ابن عساکر در **تاریخ مدینه دمشق** (ج ۴۲، ص ۴۴۹) نقل کرده اند: و از ابوموسی اشعری نقل است که رسول اعظم ﷺ به علی علیه السلام فرمود: «تو با حقی و حق با توست».

به روایت جناب عینی در **مناقب سیدنا علی** (ص ۲۹) و ابن ابی الحدید در **شرح نهج البلاغه** (ج ۱۸، ص ۲۴). مانند این کلام از عایشه در کتاب **مناقب سیدنا علی** (عینی، ص ۱۵)، نقل شده است.

و هیشمی در **مجمع الزوائد** (ج ۹، ص ۱۳۴ - ۱۳۵) از ام سلمه نقل کرده که او همواره می گفت: «علی بر محور حق بود، هرکسی که از او تابعیت نمود، از



عمّار بن یاسر گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ فرمود:
«علی با حقّ است و حقّ با علی است؛ این دو از
یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در رستخیز در کنار
حوض کوثر بر من درآیند».

حقّ پیروی نمود و کسی که او را رها ساخت، حقّ را رها کرد. این میثاقی
است که پیش از این گرفته شده است».

نیز ر.ک: ابن قتیبه دینوری، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۷۳؛ حاکم نیشابوری،
المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۴؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۳۰؛ ابن مردویه
اصفهانی، مناقب، ص ۱۱۵.



کینه‌های پنهان

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَخَذُ يَدَيَّ، وَنَحْنُ نَمْشِي فِي بَعْضِ سِكَكِ الْمَدِينَةِ، إِذْ أَتَيْنَا عَلَى حَدِيقَةٍ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أَحْسَنَهَا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. ثُمَّ مَرَرْنَا بِأُخْرَى فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أَحْسَنَهَا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. حَتَّى مَرَرْنَا بِسَبْعِ حَدَائِقَ، كُلُّ ذَلِكَ أَقُولُ: مَا أَحْسَنَهَا! وَيَقُولُ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا.

فَلَمَّا خَلَا لَهُ الطَّرِيقُ اعْتَنَقَنِي، ثُمَّ أَجْهَشَ بَاكِياً. قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا يُبْكِيكَ؟ قَالَ: صَغَائِرُ فِي صُدُورِ أَقْوَامٍ لَا يُبْذَوْنَهَا لَكَ إِلَّا مِنْ بَعْدِي.

قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟
قَالَ: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ.^۱



۱. ابویعلیٰ موصلی، مسند، ج ۱، ص ۴۲۷؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۹۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۲۳؛ احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۵۱؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۸؛ خوارزمی، المناقب، ص ۶۵.

علی علیه السلام می گوید:

«روزی به اتفاق رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که دست مرا در دست خود داشت در بعضی از کوچه های مدینه می رفتیم. از کنار باغی گذشتیم. عرضه داشتم یا رسول الله! این باغ چه زیبا است! فرمود: باغی که در بهشت برای تو مهیا شده از این زیباتر است. سپس قدم زنان به باغ دیگری رسیدیم، گفتم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، این باغ نیز زیبا است!

فرمود: باغ تو در بهشت زیباتر از آن است.

تا اینکه از هفت باغ گذشتیم در همه آنها من همان سخن پیشین را و آن حضرت صلی الله علیه و آله همان پاسخ را تکرار کردیم. هنگامی که به پایان راه رسیدیم پیامبر مرا در آغوش گرفت و سخت بگریست.

عرضه داشتم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، چرا می گریی؟

فرمود: از کینه هایی که در سینه گروهی علیه تو نهفته شده و آشکار نمی کنند مگر پس از آنکه مرا از دست بدهند.

پرسیدم: آیا من بر سلامت دینم خواهم بود؟

فرمود: بله، در سلامت دینت می مانی».





پدرم فدای شهید تنها!

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ التَّزَمَ عَلِيًّا وَقَبَّلَهُ
وَيَقُولُ:

«بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ، بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ»^۱.

از عایشه نقل شده است که گفت: رسول خدا ﷺ را دیدم که
علی را به خود چسبانده و می‌بوسید و می‌فرمود:
«پدرم فدای آن شهید تنها باد، پدرم فدای شهید
تنها باد».



۱. ابویعلیٰ موصلی، مسند ج ۸، ص ۵۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲،
ص ۵۴۹؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۷ - ۱۳۸.



همدرجه پیامبر ﷺ

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ:

«مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَذَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

از علی علیه السلام روایت است که رسول اکرم ﷺ دست حسن و حسین را گرفت و فرمود:

«هرکس مرا و این دو نفر و پدر و مادرشان را دوست داشته باشد، در روز قیامت با من در یک رتبه خواهد بود».

[توضیح: این بدان جهت است که هرکس مردمی را دوست داشته باشد با آنها محشور می‌شود].



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۰۵؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۷۷؛ همو، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۹۳؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۸۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۳، ص ۱۹۶؛ ابن اثیر جزری، اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۹.



پرسش در قیامت

عَنْ أَبِي بَرْزَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةٍ: عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَمَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنْ حُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ».

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ!، فَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ؟

فَضَرَبَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - يَدَهُ عَلَى مَنْكَبِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

ابی برزه روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«هیچ بنده‌ای [روز قیامت] گام از گام بر نمی‌دارد تا از چهار چیز بازخواست شود: از جسدش که در چه راهی آن را فرسوده، از عمرش که آن را در چه راهی صرف نموده، از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده، و از دوستی با ما اهل بیت [که در دل پرورده یا نه؟].»

۱. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۴۸؛ خوارزمی، المناقب، ص ۷۶ - ۷۷؛ هيثمی، مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۲۴۶.

سؤال شد: ای رسول خدا! نشانه دوستی با شما [پس

از شما] چیست؟

پیامبر خدا ﷺ دست خود را بر شانه علی عنه السلام [که

کنارش ایستاده بود] زد.



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی عنه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





دوست علی علیه السلام و دشمنش منافق است

عَنْ أَبِي ذَرٍّ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى حُبِّكَ، وَأَخَذَ مِيثَاقَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى بُغْضِكَ. وَلَوْ صَرَبْتَ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ مَا أَبْغَضَكَ، وَلَوْ نَثَرْتَ الدَّنَائِرَ عَلَى الْمُنَافِقِ مَا أَحَبَّكَ. يَا عَلِيُّ، لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ»^۱.

۱. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۷۷.
و از عمران بن حصین نقل است که رسول خدا ﷺ به علی فرمود: «دوستی تو را جز مؤمن بر نمی‌گزیند و جز منافق، دشمنی تو را به دل ندارد».
- طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۳۷. و از ام سلمه نقل شده که نبی اکرم ﷺ به علی فرمود: «هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی‌دارد و منافق هرگز دوستدار تو نخواهد شد». احمد بن حنبل، مسند، ج ۶، ص ۲۹۲؛ ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۰۶؛ ابن کثیر، البدایة و النهایه، ج ۷، ص ۳۹۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۷۹ - ۲۸۰.
- و از ابوسعید خدری نقل شده که گفت: «ما - گروه انصار - هماره منافقان را به دشمنی آنها نسبت به علی بن ابی طالب می‌شناختیم».
- ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۵ - ۲۸۶؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۱۸۷؛ احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۳۹.
- از ابن مسعود نقل است که گفت: شنیدم نبی مکرم ﷺ می‌فرمود: «کسی که گمان کرده است به من و آنچه آورده‌ام ایمان آورده درحالی که با علی دشمنی می‌کند، دروغ‌گو است و مؤمن نیست». ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۰.

از ابوذر روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ به

علی ﷺ فرمود:



«خداوند به دوستی تو از مؤمنان پیمان گرفته و نیز

بر دشمنی تو از منافقان پیمان گرفته و اگر تو (با

شمشیرت) بر بینی مؤمنی ضربه وارد کنی تو را

دشمن نخواهد داشت و دل آزرده نخواهد شد. و

چنانچه دینارها را به پای منافق بریزی تو را

دوست نخواهد داشت.

ای علی! تو را دوست نمی‌دارد مگر مؤمن (به خدا و

رسول) و با تو دشمنی نمی‌کند مگر دورو و منافق».

پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی ﷺ در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت

نیز مراجعه شود به: مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۱، ص ۶۱؛ ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۰۶؛ ابن ماجه قزوینی، سنن، ج ۱، ص ۴۲؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۸۴؛ همو، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۵۶۳؛ نسائی، سنن، ج ۸، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۷۱ - ۳۰۱.



به دوستی علی علیه السلام فرزندان را بشناسید

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي صِفَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ! امْتَحِنُوا أَوْلَادَكُمْ بِحُبِّهِ، فَإِنَّ عَلِيًّا لَا يَدْعُو إِلَى ضَلَالَةٍ وَلَا يُبْعِدُ عَنْ هُدًى، فَمَنْ أَحَبَّهُ فَهُوَ مِنْكُمْ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَهُوَ كَيْسَ مِنْكُمْ»^۱.

رسول خدا ﷺ در صفت علی علیه السلام فرمود:

«ای مردم! فرزندان را به دوستی علی علیه السلام

۱. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۸.

از محبوب بن ابی الزناد نقل است که گفت: انصار گفتند: ما فرزندان نامشروع را به سبب دشمنی که با علی بن ابی طالب داشتند می شناختیم. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۷ - ۲۸۸.

و از شافعی نقل است که گفت: شنیدم مالک بن انس گفت: «ما میزانی برای شناخت فرزندان نامشروع جز بغض و دشمنی آنان با علی بن ابی طالب در دست نداشتیم».

ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۷۶.

و انس گوید: پس از جنگ خیبر، عادت چنان شده بود که مرد، فرزند خود را به دوش می گرفت و سر راه علی می ایستاد، چون چشمش به آن حضرت می افتاد صورتش را به سوی علی می نمود و با انگشت به سوی او اشاره می کرد و به فرزند خود می گفت: فرزندم! آیا این مرد را که می آید دوست داری؟ اگر کودک می گفت آری، او را در بر می گرفت و می بوسید، و اگر می گفت نه، او را بر زمین گذاشته و می گفت: برو به (قوم) مادرت بپیوند. من فرزندی که علی را دوست ندارد نمی خواهم.

ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۸ - ۲۸۹؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۷۷.

آزمایش کنید، زیرا علی به گمراهی نمی خواند، و
کسی را از هدایت دور نمی نماید، هر فرزندی او
را دوست داشت از شماست (حلال زاده است) و
هر فرزندی او را دشمن داشت، از آن شما نیست
(نامشروع است)».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





راهنمای پیامبر ﷺ

قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«أَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - إِلَى الْأَنْصَارِ فَأَتَوْهُ، فَقَالَ لَهُمْ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ! أَلَا أَذْلكُمْ عَلَى مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ؟».

قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ!

قَالَ: «هَذَا عَلَيَّ، فَأَحِبُّهُ بِحُبِّي وَكَرِّمُوهُ لِكِرَامَتِي، فَإِنَّ جِبْرِيلَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَمَرَنِي بِالَّذِي قُلْتُ لَكُمْ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».^۱

امام حسن علیه السلام فرمود:

۱. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۸۸؛ ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۳؛ ابن دمشق، جواهر المطالب، ج ۱، ص ۱۰۵؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

زید بن ارقم، گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا شما را راهنمایی کنم بر چیزی که اگر درباره آن پرسش کنید به هلاکت نمی افتید؟ همانا ولی شما خداست و امامتان علی بن ابی طالب، پس بر این خیرخواهی کنید و تصدیقش نمایید که جبرئیل چنین فرمانی برایم آورد».

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۶۹؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۱۲۰.

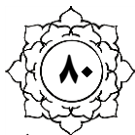


«رسول خدا ﷺ پیکی به سوی انصار فرستاد و آنان را فرا خواند، انصار اجابت کردند. حضرت به آنان فرمود:

ای گروه انصار! آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که اگر به آنان چنگ زنید، هرگز گمراه نشوید؟

گفتند: یا رسول الله بفرمایید.

فرمود: این شخص علی (بن ابی طالب) است، او را به سبب محبت و دوستی با من، دوست بدارید و او را به گرامیداشت من، گرامی بدارید؛ زیرا این گفته را خدای عزوجل به من فرمان داد تا به شما بگویم».



بیت رفیع علی و فاطمه علیهما السلام

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ وَبُرَيْدَةَ:

قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿فِي

بُيُوتٍ أَدْخَلَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ﴾^۱، فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: أَيُّ بُيُوتٍ

هَذِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: «بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ».

فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا؟ -

لَيْتَ عَلَيَّ وَفَاطِمَةَ - قَالَ: «نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِهَا»^۲.

از انس بن مالک و بریده نقل شده است که گفتند:

۱. توبه، ۳۶.

۲. سیوطی، الدرالمشور، ج ۵، ص ۵۰؛ حاکم حسکانی، شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۵۳۴ و در مناقب ابن مردویه (ص ۲۸۴) مردی از ابن عمر تقاضا کرد برایش از علی بن ابی طالب گوید، او گفت: می‌خواهی موقعیت و منزلتش را نزد نبی اکرم ﷺ بدانی؟ به خانه‌اش بنگر که وسط خانه‌های پیامبر ﷺ واقع شده است.

و نسائی در خصائص امیرالمؤمنین (ص ۲۰۴) از سعد بن عبیده نقل کرده که گفت: مردی نزد ابن عمر آمد و از او درباره علی پرسش کرد. وی در پاسخ گفت: درباره علی از من سؤال نکن، به خانه‌اش بنگر که نسبت به بیوت پیامبر ﷺ چه موقعیتی دارد. ر.ک: نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۳۸ - ۱۳۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.



پیامبر اکرم ﷺ این آیه شریفه ﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ﴾ را در جمع یاران تلاوت فرمود، یکی از آن میان برخاست و گفت: کدامین خانه‌ها مورد نظر است یا رسول الله؟ حضرت پاسخ داد: «خانه‌های انبیای الهی».

ابوبکر برخاست و اشاره به خانه علی و فاطمه کرد و گفت: ای رسول خدا! آیا این خانه هم شامل این بیوت می‌باشد؟

حضرت جواب فرمود: «بلی، این خانه جزء شرافتمندترین و بافضیلت‌ترین آن خانه‌ها می‌باشد».



توصیه درباره علی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَمَاتِي وَيَسْكُنَ جَنَّةَ عَدْنٍ
غَرَسَهَا رَبِّي فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا مِنْ بَعْدِي وَلْيُؤَالَ وَلِيِّهِ، وَلْيَقْتَدِ
بِالْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِي، فَإِنَّهُمْ عَثَرَتِي، خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي، رُزِقُوا
فَهْمًا وَعِلْمًا، وَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي، الْقَاطِعِينَ
فِيهِمْ صَلَاتِي، لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي»^۱.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«هر که بدین دلشاد است که چون من زیست کند، و
چون من بمیرد، و در بهشت عدن که پروردگار
درختان آن را غرس کرده است جای گیرد، بایستی
بعد از من از علی هواداری کند و هوادار هواداران او



۱. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۸۶؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۴۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۳ - ۱۰۴؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۷۹ - ۳۸۰؛ ج ۲، ص ۴۸۹؛ و غیر آن مثل فرائد السمطین، کفایة الطالب، مسند احمد، مناقب علی علیه السلام و ...
رک: کتاب دیگر ما به نام امان الأمة من الضلال و الاختلاف (ص ۱۷۷) و در کنز العمال نیز مانند آن از زیاد بن مطرف، (متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۱۱-۶۱۲) نقل شده است.

باشد، و از امامان پس از من پیروی کند؛ زیرا آنان
عترت من هستند، از سرشت من آفریده شده‌اند و
فهم و علم روزی آنان ساخته‌اند. پس بدا بر
تکذیب‌کنندگان از امت من که پیوند مرا دربارهٔ آنان
بگسلد، خداوند شفاعت مرا شامل حالشان نگرداند».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





خداوند، دل علی را به ایمان آزموده است

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ :

«جَاءَ سُهِيلُ بْنُ عَمْرٍو إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّهُ قَدْ خَرَجَ إِلَيْكَ أَنَاسٌ مِنْ أَرْقَائِنَا كَيْسَ بِهِمْ لِلدِّينِ تَعَبٌ فَاذْذُهُمْ عَلَيْنَا.

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ: صَدَقَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَنْ تَنْتَهُوْا يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ! حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ رَجُلًا مَنِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ يَضْرِبُ رِقَابَكُمْ عَلَى الدِّينِ وَأَنْتُمْ مُتَجَفِّلُونَ عَنْهُ إِجْفَالِ النِّعَمِ. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: أَنَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا.

قَالَ عُمَرُ: أَنَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنَّهُ خَاصِفُ النَّعْلِ.

قَالَ: وَكَانَ فِي كَفِّ عِلِّيٍّ نَعْلٌ يَخْصِفُهَا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ»^۱.

از علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۴۴؛ ج ۸، ص ۴۳۲-۴۳۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۴۲؛ ر.ک: نسائی، خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۸۹.



سهیل بن عمرو [همراه عده‌ای از قریشیان مکه] نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد:

یا محمد! گروهی از فرزندان، برادران و بردگان ما نزد تو آمده‌اند. آنان نه به دلیل علاقه به دین و نه برای فهم و اندیشه آمده‌اند (به عبارت دیگر) نسبت به دین، هیچ التزام و تعبدی ندارند آنان را به‌سوی ما بازگردان.

ابوبکر و عمر بر سخنان او صحه گذاشتند، اما نبی اکرم ﷺ فرمود: ای گروه قریش! شما هرگز به اصلاح نمی‌رسید تا آنکه کسی را به سویتان گسیل دارم که خداوند، دلش را به ایمان آزموده است تا شما را بر اساس آموزه‌های دینی گردن زند و شما همچون شترمرغ سرکش از او فرار می‌کنید و طغیان می‌ورزید.

ابوبکر گفت: آیا آن مرد که می‌گویید منم ای پیامبر خدا ﷺ؟

فرمود: خیر.

عمر گفت: آن‌کس منم ای پیامبر خدا؟

فرمود: آن مرد همان اصلاح‌کننده کفش است.

سهیل بن عمر گوید: در دست علی کفش رسول خدا ﷺ بود که آن را وصله می‌کرد.



قَالَ أَبُو سَعِيدٍ الْخَدْرِي: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ قَوْلِ
 اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^۱؟ قَالَ:
 «ذَاكَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»^۲.

از ابوسعید خدری روایت شده که گفت: من درباره آیه شریفه
 ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ (و کسی که علم کتاب نزد اوست)
 از پیامبر اکرم ﷺ سؤال کردم، حضرت فرمود:
 «آن شخص، برادر من علی بن ابی طالب است».

۱. رعد، ۴۳.

۲. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰؛ رک: ایجی، توضیح الدلائل،
 ص ۱۶۱؛ قرطبی، تفسیر، ج ۹، ص ۲۳۶.



حکمت علی (ع)

عَنْ حَمِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدِ الْمَدَنِيِّ: ذَكَرَ عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) قَضَاءُ قَضَى بِهِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، فَأَعْجَبَ النَّبِيُّ (ص)، فَقَالَ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِيْنَا الْحِكْمَةَ أَهْلَ الْبَيْتِ»^۱.

از حمید بن عبدالله بن یزید مدنی روایت شده: علی قضاوتی کرده بود و در نزد رسول خدا (ص) سخن از آن قضاوت رفت، رسول اکرم (ص) بسیار خوشحال شد و فرمود:

«حمد و سپاس ویژه خداوندی است که حکمت را در ما خاندان قرار داد».

۱. احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۵۴؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۶۶ - ۳۶۷.

و در روایت دیگری فرمود: «سپاس خداوندی را که در بین اهل بیت کسی را قرار داد که به طریقه داود (ع) به قضاوت می پردازد».

ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۹۲.

نیز رجوع شود: حمیدی، مسند، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۷۸۵؛ سیوطی، الجامع الکبیر، ج ۱۵، ص ۶۳۶، ح ۴۰۶.



رسول خدا ﷺ در مبارزه است با دشمن علی علیه السلام

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: نَظَرَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى عَلِيٍّ وَحَسَنِ وَحُسَيْنٍ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَقَالَ:

«أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَسَلَمٌ لِمَنْ سَاَلَكُمْ»^۱.

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۴۴۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۹؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۱۴۴؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۰؛ ابن کثیر، البداية و النهایه، ج ۸، ص ۲۲۳؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۹۷. از زید بن ارقم نقل است که گفت: رسول خدا ﷺ در بیماری ای که به رحلتش منجر شد با مهربانی رو به سوی علی و فاطمه و حسن و حسین کرد و فرمود: «من در جنگم با کسی که با شما بجنگد، و در صلح با کسی که با شما از در آشتی درآید». ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۵۷.

نیز رجوع فرمایید به: الجامع الصحیح (ترمذی، ج ۵، ص ۳۶۰) و سنن ابن ماجه (ج ۱، ص ۵۲). از ابوسعید خدری نقل است که گفت: بعد از ازدواج علی با فاطمه، نبی مکرم ﷺ چهل روز صبحگاهان به در خانه فاطمه می آمد و می فرمود: «من سرا پا جنگم با هر که با شما بجنگد و سرا پا دوستم با فردی که با شما دوستی نماید». ابن شاهین، فضائل سیده النساء، ص ۲۹. و در کنز العمال، از زید بن ارقم نقل است که پیامبر اعظم ﷺ به فاطمه و علی و حسن و حسین فرمود:

«من در نبردم با کسی که با شما بستیزد و در صلح و آشتی ام با کسی که با شما در صلح و صفا باشد».

متقی هندی این روایت را از شماری از کتاب های عامه نقل کرده است. رک: کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۴۰.

از ابوهریره روایت است که گفت: رسول خدا ﷺ به علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام - که بر آنان درود خدا باد - نگریست و فرمود:

«من در جنگم با کسی که با شما در جنگ باشد و آشتی هستم با هر که با شما در صلح و سلامت باشد».

پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



اولین از اولوالامر

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«شُرَكَائِي الَّذِينَ قَرَّبَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَيِي وَأَنْزَلَ فِيهِمْ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾^۱ الْآيَةَ، فَإِنْ خِفْتُمْ تَنَازُعًا فِي أَمْرٍ فَأَرْجِعُوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ وَأُولِي الْأَمْرِ.
قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، مَنْ هُمْ؟
قَالَ: أَنْتَ أَوَّلُهُمْ»^۲.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: نبی مکرم ﷺ فرمود:

«شرکای من آنان‌اند که پروردگار به خود و من،
نزدیکشان ساخته و در خصوص ایشان این آیت را
فرو فرستاده (ای ایمان‌آوردگان! از خدا اطاعت



۱. نساء، ۵۹.

۲. حاکم حسکانی، شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۱۸۹.

می‌گویم: ایشان نخستین امام از امامان دوازده‌گانه است و دومین آنها حسن و حسین تا امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام که زمین را آکنده از عدل و داد خواهد کرد پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد.
اثمه دوازده‌گانه همانان هستند که رسول خدا ﷺ در نصوص معتبر به امامتشان تصریح فرموده‌اند. برای دریافت اطلاع گسترده به کتاب *منتخب الاثر*، تألیف نگارنده، ج ۱، مراجعه فرمایید.

کنید و از رسول خدا نیز فرمانبرداری نمایید) تا آخر
آیه. پس اگر از درگیری و کشمکش بیمناک شدید
آن را به خدا و رسول و اولوالامر ارجاع دهید.
گفتم: ای رسول خدا ﷺ اولوالامر کیان اند؟
فرمود: تو اولین شان هستی».





وصی رسول خدا ﷺ

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ:

«يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ! أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ، فَهُوَ بَابُ عِلْمِي وَوَصِيِّي، وَهُوَ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ هُمْ خَيْرُ الْأَرْضِ عُنْصُرًا وَشَرَفًا وَكِرَامًا»^۱.

از ابن عباس، روایت شده که گفت: رسول خدا ﷺ به عبدالرحمن بن عوف فرمود:

«ای عبدالرحمن! شما ملازمان و همراهان من هستید و علی بن ابی طالب از من است و من از او هستم. او باب علم من و وصی من است. او و فاطمه و حسن و حسین بهترین اهل زمین هستند در اصالت و شرافت و کرامت».

۱. قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۳۳؛ خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۶۰. (با اختلاف در عبارات).



پیشی گیرندگان

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ:
«السَّبْقُ ثَلَاثَةٌ: الْأَسَابِقُ إِلَى مُوسَى يُوشَعَ بْنِ نُونٍ، وَالسَّابِقُ
إِلَى عِيسَى، صَاحِبُ يَاسِينَ، وَالسَّابِقُ إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»^۱.

ابن عباس از رسول اعظم ﷺ نقل کرده است که حضرت فرمود:
سبقت جوین خلق [در ایمان به پیامبران] سه نفرند:
کسی که به سوی موسی سبقت گرفت و او یوشع
بن نون است؛ و پیشی گیرنده در امت عیسی
صاحب یاسین است؛ و سبقت گیرنده در امت
محمد ﷺ، علی بن ابی طالب است.

[نکته ۱: مراد از سابقون، کسانی هستند که در پذیرش دین حق
از دیگران پیشی گرفتند.]

نکته ۲: مناوی گفته: راستی این چه فضیلت بزرگی برای
علی (ع) است و چه بسیار صفات برجسته‌ای است که در او
وجود داشت و دیگران از آن برخوردار نبودند.]

۱. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۲، به نقل از: طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۱،
ص ۷۷؛ ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۱.



بهترین انسان‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«خَيْرُ رَجَالِكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَخَيْرُ شَبَابِكُمْ الْحَسَنُ
وَالْحُسَيْنُ، وَخَيْرُ نِسَائِكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ — صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِمْ —»^۱.

رسول خدا ﷺ فرمود: «بهترین مردان شما علی بن
ابی طالب، و بهترین جوانان حسن و حسین هستند،
و بهترین بانوان شما دخت محمد ﷺ است».



۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۵۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق،

ج ۱۴، ص ۱۶۷.



بهترین انسان

عَنْ حُذَيْفَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ، فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ»^۱.

از حذیفه نقل است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«علی، برترین انسان است؛ هر که نپذیرد، کافر است».

۱. ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۱۰۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۷۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۵، و در فردوس الاخبار (ج ۳، ص ۸۹) چنین ثبت شده است: «علی بهترین انسان است، هر کس در این شک نماید کافر است».

ابن عساکر از عطاء نقل کرده است که گفت: از عایشه درباره علی علیه السلام پرسیدم، او گفت: او بهترین بشر است و در آن شک نمی کند مگر کافر. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۷۴.

نیز مراجعه شود به: خطیب بغدادی، موضح اوهام الجمع و التفريق، ج ۱، ص ۳۹۴. كنوز الحقائق، به نقل از ابویعلی: «علی بهترین بشر است، کسی که در آن شک نماید کافر است». و در کفایة الطالب (گنجی شافعی، ص ۲۴۶) از عطاء نقل است که از عایشه از علی پرسیدم، گفت: ذلک خیر البشر لا یشک فیه الا کافر؛ او بهترین بشر است و در آن شک نمی کند مگر کافر.

و محدث بزرگ و امین ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی ساکن ری کتابی مستقل در این زمینه دارد به نام نوادر الاثر فی علی علیه السلام خیر البشر صلوات الله علیه و در این کتاب نزدیک به هفتاد و پنج طریق برای این حدیث نوشته است.



نخستین مسلمان

عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«أَوَّلُكُمْ وَارِدًا عَلَيَّ الْحَوْضِ أَوَّلُكُمْ إِسْلَامًا عَلَيَّ بْنُ أَبِي

طَالِبٍ».^۱

از سلمان فارسی نقل شده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«اولین فردی که در کنار حوض کوثر بر من وارد

می شود نخستین کسی است که اسلام آورد و او

علی بن ابی طالب است».



۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۷۹؛ ابن مغازلی، مناقب، ص ۳۴؛ دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۴۱، ح ۹۳؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰. و از عمر نقل شده که گفت من و ابو عبیده و ابوبکر و گروهی از انصار با یکدیگر بودیم که رسول خدا ﷺ دست بر شانه علی زد و فرمود: «ای علی! تو نخستین گرونده ای که ایمان آورد و نخستین کسی که اسلام را برگزید و تو نسبت به من منزلت هارون نسبت به موسی را داری».

ر.ک: به ابن دمشق، جواهر المطالب ج ۱، ص ۳۸؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۹۱؛ همو، التمهید، ج ۲، ص ۳۰۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۶.



هم‌نشینان پیامبر (ص) در بهشت

عَنْ ابْنِ مُرْدَوِيهِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ تُدْعَى «الْوَسِيلَةَ» فَإِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ فَاسْأَلُوا لِي

الْوَسِيلَةَ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ يَسْكُنُ مَعَكَ فِيهَا؟

قَالَ: «عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ»^۱.

از ابن مردویه نقل است که گفت: نبی مکرم (ص) فرمود:

«در بهشت درجه‌ای «وسيله» نام است. پس وقتی

که از خداوند چیزی برای من می‌خواهید، «وسيله»

را درخواست کنید».

افراد حاضر پرسیدند: چه کسی در جوار شما در

آن درجه سکونت خواهد گزید؟ فرمود: «علی و

فاطمه و حسن و حسین».

۱. ابن‌کثیر، تفسیر، ج ۲، ص ۵۶؛ متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۳؛ ج ۱۳، ص ۶۳۹ - ۶۴۰؛ ابن‌مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۱۸۸؛ خوارزمی، مقتل‌الحسین (ع)، ص ۶۷ - ۶۸. سیوطی در مسند علی بن ابی‌طالب (ع)، (ج ۱، ص ۳۵۰)؛ مسند فاطمه (ع)، (ص ۵۴) و الجامع‌الکبیر (ج ۱۶، ص ۳۰۵، ح ۸۰۷۰) این حدیث را روایت کرده. رک: ابن‌مغازلی، مناقب، ص ۲۰۲.



اطاعت علی علیه السلام، اطاعت پیامبر ﷺ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ،
وَمَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ
عَصَانِي»^۱.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«هر کس از من پیروی نماید درحقیقت از خدا
فرمان بری کرده است و هرکس نافرمانی من کند در
واقع نافرمانی خدا کرده است و هرکس از علی
اطاعت کند، درحقیقت از من پیروی کرده و هرکس
از علی نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است».



۱. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۱. حاکم نیشابوری می گوید: «این حدیث، سندش صحیح است و نویسنده کنزالعمال از ابوذر چنین نقل کرده که رسول اکرم ﷺ فرمود: «هر کس از تو جدا شود، از من جدا شده و هر کس از من جدا شود درحقیقت از خدا جدا شده است». رک: متقی هندی، کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۶۱۴.



خصال سه گانه

عَنْ سَعْدٍ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - يَقُولُ لِعَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - «ثَلَاثُ خِصَالٍ لِأَنْ يَكُونَ لِي وَاحِدَةٌ مِنْهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»، سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ لَيْسَ بِفَرَّارٍ؛ وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيٌّ مَوْلَاهُ»^۱.

از سعد نقل است که گفت:

سه جمله (خصلت) است که اگر یکی از آنها در من بود از دنیا و آنچه در آن است بیشترش ارج می نهادم.

شنیدم پیامبر ﷺ به علی می گوید:

«منزلت تو نسبت به من همان منزلت هارون نسبت

به موسی است با این تفاوت که دیگر بعد از من

نبوت نیست».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۶۲ - ۱۶۳، به نقل از ابن جریر؛

ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۱۱۵ - ۱۱۶.

می گویم: این احادیث از روایات متواتر و قطعی الصدور است.



و شنیدم در روز فتح خیبر درباره او فرمود:

«فردا بیرق جنگ را به کسی خواهم سپرد که
خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم
او را دوست دارند و هیچ گاه به دشمن پشت
نمی کند و نمی گریزد».

و شنیدم فرمود:

«هرکس که من مولای اویم، علی مولای اوست».



حدیث کساء

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«جَعَنَّا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، أَنَا وَفَاطِمَةُ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا، ثُمَّ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي كِسَاءٍ لَهُ، وَأَذْخَلَنَا مَعَهُ، ثُمَّ صَمَّنَا، ثُمَّ قَالَ: ااَللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا.

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَنَا؟ - وَدَنْتَ مِنْهُ - .

فَقَالَ: أَنْتِ مِنْ أُنْتِ مِنْهُ، وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ.

أَعَادَ رَسُولُ اللَّهِ، ثَلَاثًا يَصْنَعُ ذَلِكَ»^۱.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«رسول خدا ﷺ من و فاطمه و حسن و حسین را

در بیت ام سلمه گرد آورد و زیر ردای خود رفت؛

۱. حاکم حسکانی، شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۵۲؛ نیز ر.ک: ابن مغازلی، مناقب، ص ۳۳۴ - ۳۳۸؛ خوارزمی، المناقب، ص ۶۳؛ احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۵۷۷؛ همو، مسند، ج ۴، ص ۱۰۷؛ ج ۶، ص ۲۹۲؛ ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف، ج ۷، ص ۵۰۱؛ ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۰ - ۳۱، ۳۲۸ - ۳۶۱ و غیر آنها.

احادیث این باب بسیار و در حد تواتر می باشد و در غیر مصادر یاد شده در مجامع روایی و تفاسیر و کتب تاریخی نقل شده است.



ما را هم به زیر عبا برد و در آغوش خود جای داده
آن گاه فرمود: خدایا! اهل بیت من اینها هستند؛
رجس و ناپاکی را از ایشان زائل فرما و طهارت و
پاکی را نصیب آنان قرار ده.

امّ سلمه گفت: یا نبی الله! پس من چه؟ - و او
نزدیک رسول خدا واقع شده بود.

پیامبر فرمود: تو از همانی که تو از آنی و تو در
مسیر خیر هستی [اما از ما اهل بیت و این جماعت
پنج تن نیستی]. رسول خدا ﷺ این کار را سه بار
تکرار نمود.



علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي حَدِيثِ زَوْاجِ فَاطِمَةَ وَعَلِيٍّ عليهما السلام، ثُمَّ
التَّرَمُّهُمَا [رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم] فَقَالَ:
«اللَّهُمَّ إِنِّي مَنِّي وَأَنَا مِنْهُمَا، اللَّهُمَّ كَمَا أَذْهَبَتْ عَنِّي الرَّجْسَ
وَطَهَّرْتَنِي فَطَهِّرْهُمَا»^۱.

از ابن عباس درضمن روایت ماجرای ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام
آمده است:

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم زوجین را در بغل گرفت و فرمود:
«بار الها! این دو تن از من هستند و من از ایشان
هستم همچنان که رجس و پلیدی را از من
زدودی، این دو را نیز پاک گردان».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۱۳؛ ج ۲۴، ص ۱۳۴؛ صنعانی، المصنف،
ج ۵، ص ۴۸۹.



فضائل ويزه على ﷺ

عَنْ عَمْرِو بْنِ مَيْمُونٍ: إِنِّي لَجَالِسٌ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ إِذْ أَتَاهُ
تِسْعَةُ رَهْطٍ فَقَالُوا: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، إِمَّا أَنْ تَقُومَ مَعَنَا وَإِمَّا
أَنْ تَخْلُوَ بِنَا مِنْ بَيْنِ هَؤُلَاءِ.

فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: بَلْ أَنَا أَقُومُ مَعَكُمْ، وَهُوَ يَوْمٌ يَزِيدُ صَاحِبِ
قَبْلِ أَنْ يُعْمَى.

قَالَ: فَابْتَدَأُوا فَتَحَدَّثُوا، فَلَا نَذْرِي مَا قَالُوا، قَالَ: فَجَاءَ
يَنْفُصُ ثَوْبَهُ وَيَقُولُ: أَفَّ وَتَفَّ! وَقَعُوا فِي رَجُلٍ لَهُ بَضْعُ
عَشْرَةَ فَضَائِلَ لَيْسَتْ لِأَحَدٍ غَيْرُهُ، وَقَعُوا فِي رَجُلٍ قَالَ لَهُ
النَّبِيُّ ﷺ:

«لَا بُعْثَنَّ رَجُلًا لَا يُخْزِيهِ اللَّهُ أَبَدًا، يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ -
إِلَى أَنْ قَالَ: وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - ثَوْبَهُ
فَوَضَعَهُ عَلَى عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَحَسَنٍ وَحُسَيْنٍ وَقَالَ: ﴿إِنَّمَا
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا﴾»^١.

١. احزاب، ٣٣.

٢. حاكم نيشابوري، المستدرک، ج ٣، ص ١٣٢ - ١٣٣؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ١،
ص ٣٣٠ - ٣٣١؛ نسائي، خصائص امير المؤمنين ﷺ، ص ٦١ - ٦٣؛ ابن عساكر،
تاريخ مدينة دمشق، ج ٤٢، ص ١٠١؛ هيثمي، مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١١٩.



عمرو بن میمون گوید: در حضور ابن عباس بودم که هفت تن^۱ نزد او آمدند و گفتند: یا قیام کن و از مجلس فاصله بگیر (تا در جای خلوت با هم گفتگو کنیم) یا از هم‌نشینان خود کناره گیر و با ما خلوت کن.

ابن عباس گفت: با شما هستم. (راوی گوید) وقوع این جریان در ایامی بود که ابن عباس هنوز نابینا نشده بود.

ابن میمون گوید: آنها به گوشه‌ای رفته و سخن آغاز کردند. ما نفهمیدیم چه سخنانی بین آنان رد و بدل شد. ابن عباس درحالی که ناراحت به نظر می‌رسید و جامه‌هایش را می‌تکاند می‌گفت: اف و تف بر شما! به مردی ناسزا می‌گویند که ده‌ها فضائل ویژه دارد. به شخصیتی بدبین‌اند و بدگویی می‌کنند که رسول خدا ﷺ [در جنگ خیبر که دیگران رفتند و عاجزانه برگشتند] درباره او فرمود:

«کسی را برای مبارزه می‌فرستم که خداوند هرگز او را خوار و ذلیل نکرد؛ او دوستدار خداوند و رسول است تا جایی که ابن عباس گفت: رسول خدا جامه خویش را روی علی و فاطمه و حسن و حسین قرار داد و فرمود:

۱. ظاهراً متشکل از هفت طایفه بوده‌اند.

جز این نیست که خداوند اراده کرده تا آلودگی
را از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک گرداند
پاک گرداندنی...».





خاندان پیامبر (ص)

عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتَنَا وَكُلَّ بَشَرٍ مَلَائِكَةٍ﴾^۱ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا، فَقَالَ: «أَلَلَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي»^۲.

از سعد بن ابی وقاص نقل است که: وقتی آیه ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتَنَا وَكُلَّ بَشَرٍ مَلَائِكَةٍ﴾؛ یعنی بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم و شما فرزندان خود را، نازل شد، پیامبر اکرم (ص) علی و فاطمه و حسن و حسین را صدا زد و به درگاه الهی عرضه داشت: «بارالها! اینان اهل و خانواده من هستند».



۱. آل عمران، ص ۶۱.

۲. مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۷، ص ۱۲۰ - ۱۲۱؛ ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۴، ص ۲۹۳؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۸۵؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۰؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۶۳؛ سیوطی، الدرالمثور، ج ۲، ص ۳۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۱۱۲.
این حدیث از احادیث متواتر است.



معلم و مربی علی

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُذْنِكَ وَلَا أُفْصِكَ وَأَنْ أَعْلَمَكَ، وَأَنْ تَعِيَ وَحَقُّ لَكَ أَنْ تَعِيَ. قَالَ: فَتَرَكْتُ هَذِهِ الْأَيَّةُ: ﴿وَتَعِيَا أُذُنٌ وَاعِيَةً﴾^١»^٢.

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت است که رسول خدا ﷺ به من فرمود:

«خداوند مرا امر کرده که تو را نزدیک کنم و [از خود] دورت نسازم و اینکه بیاموزم تو را، و تو نیز فراگیری و سزاوار توست که بیاموزی و حفظ نمایی. ایشان گفت: پس این آیه نازل شده ﴿وَتَعِيَا أُذُنٌ وَاعِيَةً﴾ [و بدینسان اذن واعیه را گوش تو قرار داد.]»

۱. حاقه، ۱۲. «و گوش های شنوا آن را نگهداری می کنند».

۲. ابونعیم اصفهانی، حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۳۵ - ۱۳۶ و مانند آن در تفسیر طبری، ۳۵/۲۹. نیز الدر المنثور، در تفسیر آیه ۱۲ سوره حاقه (سیوطی، ج ۶، ص ۲۶۰)؛ اسباب النزول (واحدی، ص ۲۹۴)؛ مناقب (ابن مغازلی، ص ۲۴۹) و لباب النقول (سیوطی، ص ۲۰۱)؛ و رجوع شود به الکشاف (زمخشری، ج ۴، ص ۶۰۰) و روح المعانی (آلوسی، ج ۱۵، ص ۵۰)؛ مجمع الزوائد، (هیثمی، ج ۱، ص ۱۳۱)؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۳۵ - ۱۳۶، ۱۷۷؛ رک: حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۳ - ۳۷۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۶۱.



قرین قرآن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي مَرَضٍ مَوْتِهِ:

«أَيُّهَا النَّاسُ! يَوْشِكُمْ أَنْ أُقْبَضَ قَبْضًا سَرِيعًا فَيَنْطَلِقُ بِي، وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ الْقَوْلَ مَعْدِرَةً إِلَيْكُمْ: أَلَا إِنِّي مُخْلَفٌ فِيكُمْ كِتَابَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي ثُمَّ أَخَذَ يَسِدَ عَلِيٍّ فَرَفَعَهَا فَقَالَ: هَذَا عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ فَاسْأَلْهُمَا مَا خَلَفْتُ فِيهِمَا»^۱.

۱. قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۴۰۳؛ ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۶. و در روایت دیگری که حاکم نیشابوری آن را به شرط شیخین صحیح دانسته مانند این روایت نقل شده است که در آن بعد از آن پیامبر ﷺ فرموده: «أَهْلُ بَيْتِي عِزَّتِي» سپس فرمود: «آیا می دانید من نسبت به مؤمنان از خود آنها شایسته ترم؟» - و این سخن را سه بار تکرار کرد - گفتند: آری.

فرمود: «هرکس را که من مولای او هستم، علی مولای او است». المستدرک، ج ۳، ص ۱۰۹-۱۱۰.

و آنچه نسائی از زید بن ارقم صحابی نقل کرده این گونه آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «خدا مولا و سرپرست من است و من اولای به نفس و مولای هر مؤمنم». آن گاه دست علی را در دست گرفت و فرمود: «هرکس را

رسول خدا ﷺ در مرض موتش فرمود:

«ای مردم! احتمال دارد به زودی قبض روح شوم و مرا ببرند. من از این سخن در این حال به شما می گویم تا دیگر عذری نداشته باشید. آگاه باشید که من کتاب خدای با عزت و جلال و عترتم را جانشین خود در بین شما می گذارم. آن گاه دست علی را گرفته بلند کرد و فرمود: این علی با قرآن است و قرآن با علی است؛ هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض بر من در آیند، آن گاه از آن دو می پرسم درباره عمل به توصیه‌ام درباره دو جانشینم».



که من مولای او بودم این ولی اوست. خداوندا کسی که پذیرای ولایت علی شد دوست بدار و با هر که با او خصومت داشت دشمن باش».

ر.ک: نسائی، خصائص امیر المؤمنین علیہ السلام، ص ۹۳.



علی علیه السلام بهترین امت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«أَنْتَ خَيْرُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۱.

رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

«تو بهترین امتم در هر دو سرا می باشی».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. عینی، مناقب سیدنا علی، ص ۲۸، به نقل از: ابن مردویه اصفهانی،

مناقب، ص ۱۱۱.



سرانجام ما و شیعیان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَخَذْتُ بِحُجْرَةِ اللَّهِ وَأَخَذْتُ أَنْتَ بِحُجْرَتِي وَأَخَذَ وَلَدُكَ بِحُجْرَتِكَ، وَأَخَذْتُ شِيعَةَ وَلَدِكَ بِحُجْرَتِهِمْ فَتَرَى أَيْنَ يُؤْمَرُونَ»^۱.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«چون رستاخیز برپا شد به خدا متوسل خواهیم شد و تو به من متوسل می شوی و فرزندان به تو متوسل می شوند و پیروان ذریه‌ات به آنها متوسل می شوند و خواهی دید که ما را به کجا هدایت خواهند کرد».



۱. زمخشری، اساس البلاغه، ص ۱۵۵ و مانندش در ربیع‌الابرار (زمخشری، ج ۲، ص ۱۵۹) در باب خیر و صلاح و ذکر اختیار و صلحا ثبت شده است. و در نظم درر السمطين (زرنی، ص ۲۴۳) در حدیثی چنین است و امت خود را به چنگ زدن به اهل بیتش سفارش نمود، و توضیح داد که خاندانش، دامن پیامبران را (در رستاخیز) خواهند گرفت و ...



خدا با علی (ع) راز گفت

عَنْ جُنْدَبِ بْنِ نَاجِيَةَ (أَوْ نَاجِيَةَ بْنِ جُنْدَبٍ): لَمَّا كَانَ يَوْمَ غَزْوَةِ الطَّائِفِ قَامَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مَعَ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - مَلِيًّا ثُمَّ مَرَّ فَقَالَ لَهُ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَقَدْ طَلَتْ مُنَاجَاتُكَ عَلِيًّا مُنْذُ الْيَوْمِ، فَقَالَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -

«مَا أَنَا أَنْتَجِيئُهُ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَنْتَجَاهُ»^۱.

از جندب بن ناجیه (یا ناجیه بن جندب) نقل است که: در روز جنگ طائف رسول خدا (ص) مدتی با علی (ع) به راز سخن گفت

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۳۹، به نقل از: طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۸۶؛ و ابن مغازلی در المناقب (ص ۱۲۴) از جابر نقل کرده است که رسول خدا (ص) در جنگ طائف با علی در گویی سخن گفت و این گفتگو به درازا کشید. یکی از آن دو مرد گفت: جداً رازگویی درازی با پسرعمش داشت.

این کلام به آن حضرت رسید فرمود: «من با او راز نگفتم بلکه خدا بود که با او راز گفت.»

و مانند این از انس نقل شده است. عینی، مناقب سیدنا علی، ص ۳۴. نیز ر.ک: ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۰۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۱۴.

و چون گفتگوها طولانی شد، ابوبکر به حضرت گفت: ای رسول
خدا! گفتمان و رازگویی تان به درازا کشید. حضرت فرمود:
«من با او راز نمی‌گفتم بلکه خداوند با او راز
می‌گفت».





مهرورزی به علی (علیه السلام)

عَنْ سَلْمَانَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي»^۱.

از سلمان فارسی نقل است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«کسی که به علی مهر بورزد و محبت کند چنان است

که به من محبت ورزیده، و کسی که به او کینه‌توزی

نماید درحقیقت با من دشمنی کرده است».

۱. سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۵۴ به نقل از المستدرک (حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۳۰) (به طور صحیح). و در همان اثر (سیوطی، ج ۲، ص ۶۸۰، ح ۲) چنین ثبت است: «هرکه به علی ناسزا گوید به من ناسزا گفته و هرکه به من ناسزا گوید درحقیقت به خدا ناسزا گفته است». از احمد در مسند و حاکم نیشابوری در المستدرک (به‌طور صحیح). و در کتاب کنوزالحقائق (مناوی، ج ۲، ص ۱۹۳)، به نقل از طبرانی چنین آمده است. «یا علی، محب تو دوستدار من است و دشمن دشمن من خواهد بود». رک: متقی هندی، کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۶۰۱.



همانند انبیا ﷺ

عَنْ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ: أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قَالَ:
«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَنُوحٍ فِي فَهْمِهِ،
وَإِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ، وَيَحْيَى فِي زُهْدِهِ، وَمُوسَى فِي بَطْشِهِ،
فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»^۱.

از حارث اعور نقل است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«هرکس دوست می‌دارد که مشاهده کند علم آدم
ابوالبشر ﷺ را، و فهم نوح ﷺ را و حلم ابراهیم ﷺ
را و زهد یحیی ﷺ را و دلاوری موسی ﷺ را، پس
به سوی علی بن ابی طالب بنگرد».



۱. عینی، مناقب سیدنا علی، ص ۴۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۱۳؛ طبری، ذخائر العقبی، ص ۹۳، به نقل از: ابی حمراء؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۶۸.



جوانمردی جز علی (ع) نیست

عَنْ جَابِرٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ بَدْرٍ:
«هَذَا رِضْوَانُ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ يُتَادِي: لَا سَيْفَ إِلَّا دُو
الْفَقَارِ، وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ»^۱.

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا ﷺ در جنگ
بدر^۲ فرمود:

«این رضوان، یکی از فرشتگان خداست که از
آسمان ندا می دهد: هیچ شمشیر (برنده ای) جز
ذوالفقار، و جوانمردی جز علی نیست».



۱. خوارزمی، المناقب، ص ۱۶۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۷۱؛ ابن هشام السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۰۰؛ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۳؛ در این اثر روایت است که حسان بن ثابت (شاعر رسول خدا ﷺ) از حضرت، اجازه خواست در این خصوص شعری بسراید. ایشان اجازه فرمود و اشعاری سرود که ترجمه آن چنین است: «جبرئیل آشکار ندا داد، درحالی که خودش دیده نمی شد؛ و مسلمانان حلقه زده بودند، به گرد پیامبر فرستاده شده؛ شمشیری جز ذوالفقار، و جوانمردی جز علی نیست».
۲. [مطابق روایاتی که از طریق شیعه رسیده اند این ندا در غزوة احد بلند شد که شمشیر علی (ع) شکست و جبرئیل ذوالفقار را آورد و این ندا را هم سر داد.]



امام اولیای خدا

عَنْ أَنَسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«إِنَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ عَهْدٌ إِلَيَّ عَهْدٌ فِي عِلِّيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ:
إِنَّهُ رَأْيَةُ الْهُدَى، وَمَنَارُ الْإِيمَانِ وَإِمَامُ أَوْلِيَائِي، وَنُورُ جَمِيعِ
مَنْ أَطَاعَنِي.

يَا أَبَا بَرَزَةَ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِينِي عَدَا فِي الْقِيَامَةِ وَصَاحِبُ
رَأْيِي فِي الْقِيَامَةِ عَلَى مَفَاتِيحِ خَزَائِنِ رَحْمَةِ رَبِّي»^۱.

از انس نقل است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«پروردگار جهان درباره علی بن ابی طالب عهدی
بسته است که او عَلم هِدایت، منار ایمان و امام
دوستان و پیروان من است. او روشنایی کسانی
است که مرا اطاعت کنند.

ای ابوبرزه! علی بن ابی طالب در روز رستاخیز امین



۱. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۶؛ خوارزمی، المناقب، ص ۳۱۱ - ۳۱۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۱۰۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۳۰؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۳۳ - ۲۳۴؛ ج ۲، ص ۴۸۵. نیز مراجعه شود به: عینی، مناقب سیدنا علی، ص ۶۲.

من خواهد بود؛ و او در قیامت صاحب علم و
پرچم‌دار من است [و امین] بر کلیدهای
گنجینه‌های رحمت^۱ پروردگارم.



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت



۱. [در تاریخ بغداد، به جای «رحمت»، «جنت» آمده است].



امیر نیکوکاران

عَنْ حُذَيْفَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«عَلِيٌّ أَمِيرُ الْبَرَّةِ، وَقَاتِلُ الْفَجْرَةِ، مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ،
مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ، أَلَا وَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَيَتَّبِعُهُ، أَلَا فَمِيلُوا
مَعَهُ»^۱.

از حذیفه نقل است که رسول اکرم ﷺ فرمود:

«علی، فرمانروای نیکان، و کُشندهٔ بدان و
پست فطرتان است؛ کسی که یاریش کند، پیروز و
کسی که به او پشت کند و خوارش نماید مخذول
و خوار خواهد شد به هوش باشید که حق با اوست



۱. ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۱۶۳؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۷۷.
حاکم در المستدرک (ج ۳، ص ۱۲۹)، از جابر بن عبدالله نقل کرده است که
گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ در حالی که بازوی علی بن ابی طالب را گرفته
بود با صدای بلند فرمود: «این علی امیر ابرار و کُشنده فاجران است؛ کسی که
به یاری اش برخیزد پیروز، و کسی که او را خوار کند خوار خواهد شد».
و در الجامع الصغیر (سیوطی، ج ۲، ص ۱۷۷)، آمده است: «علی امام ابرار و قاتل
تبهکاران است؛ کسی که به او کمک کند یاری می شود و هرکس او را سرافکنده
کند، سرافکنده خواهد شد». به نقل از حاکم (به عنوان حدیث حسن).

و او را دنبال می‌کند. آگاه باشید که گرایش و
حرکتان با محوریت او باشد».



پرتوی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت





پیروان علی علیه السلام

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«إِنَّكَ سَتَقْدُمُ عَلَى اللَّهِ وَشِعَتُكَ رَاضِينَ مَرْضِيَّينَ»^۱.

از ابن عباس نقل است که گفت: نبی مکرم ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

«تو در پیشگاه خدا حاضر خواهی شد و شیعیانت

خرسند (از پیشواییات) و مورد رضایت حق تعالی

خواهند بود».

۱. عینی، مناقب سیدنا علی، ص ۲۵؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب، ص ۱۸۷؛
متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۵۶؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۱؛
طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۱۸۷؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۴۴۵.



خداوند او را بیشتر دوست دارد

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: كُنْتُ أَنَا وَأَبِي الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ جَالِسَيْنِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَسَلَّمَ فَرَدَّ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَبَشَّرَ بِهِ وَقَامَ إِلَيْهِ وَاعْتَنَقَهُ وَقَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَأَجْلَسَهُ عَنْ يَمِينِهِ. فَقَالَ الْعَبَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَتَحِبُّ هَذَا؟ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

«يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ! وَاللَّهِ أَشَدُّ حُبًّا لِي مِنِّي، إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ هَذَا»^۱.

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۳۳. خطیب بغدادی این حدیث را از منصور از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن عبدالله از پدرش عبدالله بن عباس و از جابر این گونه روایت کرده است: «خداوند ذریه هر پیامبری را در پشت همان پیامبر قرار داد و ذریه مرا در صلب علی بن ابی طالب نهاده است». دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۰؛ شجری، امالی، ج ۱، ص ۱۵۲؛ ابن دمشقی، جواهر المطالب، ج ۱، ص ۷۳.

[سپاس بی کران خدای یگانه را که توفیق ترجمه این اثر ارزشمند را به بنده ناچیز ارزانی داشت.

امید آنکه خداوند به ما توفیق دهد که در مسیر زندگی خود همواره پیرو



ابن عباس گفت: من و پدرم (عباس بن عبدالمطلب) در حضور رسول خدا ﷺ شرفیاب بودیم، در این هنگام علی بن ابی طالب وارد شد و سلام داد. پیامبر ﷺ بعد از جواب سلام با چهره‌ای گشاده درحالی که خوشحال به نظر می‌رسید برخاست؛ او را در بغل گرفت و پیشانی‌اش را بوسه داد و او را در طرف راست خود نشانید.

عباس (که ناظر جریان بود) گفت: ای رسول خدا! آیا او را دوست می‌داری؟

رسول خدا ﷺ فرمود: «عموجان! به خدا سوگند خدا او را از من بیشتر دوست دارد؛ خداوند نسل هر پیامبری را از پشت همان پیامبر قرار داد و نسل مرا در صلب این شخص نهاده است».

خاندان رسالت باشیم و آنان را اسوه و الگویی شایسته برای خود بدانیم.



أَلِ النَّبِيِّ ذَرِيعَتِي وَهُمْ إِلَيْهِ وَسِيلَتِي
أَرْجُوا بِهِمْ أَعْطَى عَدَا يَدِي الْيَمِينِ صَحِيفَتِي

(قندوزی، منابع الموده، ج ۲، ص ۴۶۸)

خاندان پیامبر ﷺ دست آویز من هستند
و آنان وسیله (تقرّب) من به خدا هستند.
آرزو می‌کنم به‌خاطر آنها، فردای قیامت
نامه معلم را به دست راستم بدهند. [بفضله و کرمه]

كتاب نامه

١. القرآن الكريم.
٢. نهج البلاغه، الشريف الرضى، الامام على بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢ق.
٣. ارشاد طلاب الحقائق الى معرفة سنن خير الخلائق، نووى، محبى الدين بن شرف (م. ٦٧٦ق.).
٤. اساس البلاغه، زمخشري، محمود بن عمر (م. ٥٣٨ق)، القاهرة، دار و مطابع الشعب، ١٩٦٠م.
٥. اسباب النزول، واحدى، على بن احمد (م. ٤٦٨ق.)، القاهرة، مؤسسة الحلبي، ١٣٨٨ق.
٦. الاستيعاب فى معرفة الاصحاب، ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م. ٤٦٣ق.)، بيروت، دار الجيل، ١٤١٢ق.
٧. اسد الغابة فى معرفة الصحابه، ابن اثير جزرى، على بن محمد (م. ٦٣٠ق.)، تهران، انتشارات اسماعيليان.
٨. الاصابة فى تمييز الصحابه، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م. ٨٥٢ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٩. الامالى، طوسى، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، قم، دار الثقافة، ١٤١٤ق.



۱۰. *الامالی الخمیسة (امالی الشجرى)*، شجرى، یحیی بن حسین (م. ۴۹۹ق.).

۱۱. *الامامة و السياسة*، ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (م. ۲۷۶ق.)، مؤسسه الحلبي و شرکاه.

۱۲. *امان الامة من الضلال و الاختلاف*، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۷ق.

۱۳. *الانباء المستطابة فى مناقب الصحابه و القرابه*، ابن سید الكل، هبة الله بن عبدالله قفطی (م. ۶۹۷ق.).

۱۴. *انساب الاشراف*، بلاذری، احمد بن یحیی (م. ۲۷۹ق.)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۷ق.

۱۵. *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)*، مجلسی، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۶. *البدایة و النهایة*، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۷ق.

۱۷. *تاریخ بغداد*، خطیب بغدادی، احمد بن علی (م. ۴۶۳ق.)، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۱۷ق.

۱۸. *تاریخ مدینة دمشق*، ابن عساکر، علی بن حسن (م. ۵۷۱ق.)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق.





۱۹. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ذهبی، محمد بن احمد (م. ۷۴۸ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۰. تاریخ الخلفاء، سیوطی، جلال الدین (م. ۹۱۱ق.).
۲۱. التدوین فی اخبار قزوین، رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد (م. قرن ۶)، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
۲۲. تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین (م. ۶۵۴ق.)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق.
۲۳. تراثنا (الرابعین المنقّی من مناقب المرتضی علیه رضوان العلی الاعلی)، طالقانی، قزوینی، احمد بن اسماعیل (م. ق.)، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث (فصلنامه)، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۴۰۵ق.
۲۴. تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۱۴۱۰ق.
۲۵. التمهید، ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م. ۴۶۳ق.)، مغرب، وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ۱۳۸۷ق.
۲۶. تنزیه الشریعة المرفوعة، کنانی، علی بن محمد (م. ۹۳۶ق.)، دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۱م.
۲۷. توضیح الدلائل، ایجی، عبدالرحمن بن احمد (م. ۷۵۶ق.).
۲۸. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، مزی، جمال الدین یوسف (م. ۷۴۲ق.)، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۶ق.



۲۹. **الجامع الكبير**، سیوطی، عبدالرحمن (م. ۹۱۱ق.).
۳۰. **الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)**، قرطبی، محمد بن احمد (م. ۶۷۱ق.)، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۳۱. **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، طبری، محمد بن جریر (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۲. **الجامع الصحیح (سنن الترمذی)**، محمد بن عیسی (م. ۲۷۹ق.)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۳۳. **الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر**، سیوطی، جلال الدین (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
۳۴. **جمع الجوامع فی الاصول القواطع**، سبکی، تاج الدین، عبدالوهاب بن علی (م. ۷۷۱ق.).
۳۵. **جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب**، ابن دمشقی، محمد بن احمد (م. ۸۷۱ق.)، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۵ق.
۳۶. **حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء**، ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (م. ۴۳۰ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۵ق.
۳۷. **الخصال**، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳۸. **خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)**، نسائی، احمد بن شعیب (م. ۳۰۳ق.)، تهران، مکتبة نینوی الحدیثه.

۳۹. **خصائص الائمة** عليه السلام، سيد رضى، محمد بن حسين (م. ۴۰۶ق.)، مشهد، آستان قدس رضوى، ۱۴۰۶ق.

۴۰. **الدور المنشور فى التفسير بالماثور**، سيوطى، جلال الدين (م. ۹۱۱ق.)، قم، كتابخانه مرعى نجفى، ۱۴۰۴ق.

۴۱. **ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى**، طبرى، احمد بن عبدالله (م. ۶۹۴ق.)، القاهرة، مكتبة القدسى، ۱۳۵۶ق.

۴۲. **ذكر اخبار اصبهان**، ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله (م. ۴۳۰ق.)، ليدن المحروسة، مطبعة بريلى، ۱۹۳۴م.

۴۳. **ربيع الابرار و نصوص الاخبار**، زمخشري، محمود بن عمر (م. ۵۳۸ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ۱۴۱۲ق.

۴۴. **رشفة الصادى فى بحر فضائل بنى النبى الهادى**، علوى حصرمى، ابوبكر بن عبدالرحمن، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق.

۴۵. **روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم**، آلوسى، سيد محمود (م. ۱۲۷۰ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.

۴۶. **روضة الواعظين و بصيرة المتعظين**، فتال نيشابورى، محمد بن حسن (م. ۵۰۸ق.)، قم، الشريف الرضى، ۱۳۷۵ش.

۴۷. **الرياض النضرة فى مناقب العشرة**، طبرى، احمد بن عبدالله (م. ۶۹۴ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية.

۴۸. **زهر الفردوس**، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م. ۸۵۲ق.).

۴۹. *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*، صالحی شامی،

محمد بن یوسف (م. ۹۴۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیة،

۱۴۱۴ق.

۵۰. *سنن ابن ماجه*، ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (م. ۲۷۵ق.)،

دار الفکر.

۵۱. *السنن الکبری*، بیهقی، احمد بن حسین (م. ۴۵۸ق.)، بیروت،

دار الفکر، ۱۴۱۶ق.

۵۲. *السنن الکبری*، نسائی، احمد بن شعيب (م. ۳۰۳ق.)، بیروت،

دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.

۵۳. *سنن النسائی*، نسائی، احمد بن شعيب (م. ۳۰۳ق.)، بیروت، دار

الفکر، ۱۳۴۸ق.

۵۴. *سیر اعلام النبلاء*، ذهبی، محمد بن احمد (م. ۷۴۸ق.)،

بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.

۵۵. *السیرة النبویه*، ابن هشام، عبدالملک حمیری (م. ۲۱۳ق.)،

القاهرة، مكتبة محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق.

۵۶. *شرح نهج البلاغه*، ابن ابی الحدید، عزالدین (م. ۶۵۶ق.)، قم،

دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۴ق.

۵۷. *شرح المقاصد فی علم الکلام*، تفتازانی، سعدالدین مسعود بن

عمر (م. ۷۹۳ق.)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.

۵۸. **شواهد التنزيل**، حاکم حسکانی، عبيدالله بن عبدالله (م. ۵۰۶ق.)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۴۱۱ق.

۵۹. **صحيح مسلم**، مسلم نيشابوري، مسلم بن حجاج (م. ۲۶۱ق.)، بيروت، دار الفكر.

۶۰. **الصواعق المحرقة**، ابن حجر هيثمي، احمد (م. ۹۷۴ق.)، القاهرة، مكتبة القاهرة، ۱۳۸۵ق.

۶۱. **طبقات الحنابلة**، ابويعلی، محمد (م. ۵۲۶ق.).

۶۲. **عقبات الانوار في اثبات امامة الائمة الاطهار**، لکنهوی، ميرحامد حسين (م. ۱۳۰۶ق.)، اصفهان، مكتبة الامام اميرالمؤمنين علي عليه السلام العامة، ۱۳۶۶ش.

۶۳. **عترت ثقل كبير**، کمالی، سيدعلی، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ش.

۶۴. **العلل المتناهية**، ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (م. ۵۹۷ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۳ق.

۶۵. **العلل الواردة في الاحاديث النبويه**، دارقطنی، علی بن عمر (م. ۳۸۵ق.).

۶۶. **غاية المرام و حجة الخصام**، بحرانی، سيدهاشم حسینی (م. ۱۱۰۷ق.).

۶۷. **فتح الباری شرح صحيح البخاری**، ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، بيروت، دار المعرفة.



۶۸. فتح القدير، شوکانی، محمد بن علی (م. ۱۲۵۰ق)، عالم الكتب.

۶۹. فتح الملك العلي بصحة حديث باب مدينة العلم على، مغربي،

احمد بن محمد بن صديق (م. ۱۳۸۰ق)، اصفهان، مكتبة الامام امير المؤمنين (ع) العامة، ۱۴۰۳ق.

۷۰. فرائد السمطين، جويني، ابراهيم بن محمد خراساني (م. ۷۳۰ق)، بيروت، مؤسسة المحمودي، ۱۳۹۸ق.

۷۱. فردوس الاخبار بمأثور الخطاب المخرج على كتاب الشهاب، ديلمی، شيرويه بن شهردار بن شيرويه همداني (م. ۵۰۹ق)، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.

۷۲. فضائل امير المؤمنين (ع)، ابن عقده كوفي، احمد بن محمد (م. ۳۳۳ق)، قم، انتشارات دليل ما، ۱۴۲۴ق.

۷۳. فضائل سيدة النساء، ابن شاهين، عمر بن شاهين (م. ۳۸۵ق)، القاهرة، مكتبة التربية الاسلامية، ۱۴۱۱ق.

۷۴. فضائل الصحابه، احمد بن حنبل، شيباني (م. ۲۴۱ق) بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ق.

۷۵. الفوائد المجموعة في احاديث الموضوعه، شوکانی، محمد بن علی (م. ۱۲۵۰ق)، بيروت، المكتب الاسلامي، ۱۴۰۷ق.

۷۶. فيض القدير شرح الجامع الصغير من احاديث البشير النذير، مناوي، محمد بن علی (م. ۱۰۳۱ق) بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.

۷۷. القول الجلی، ابن تیمیہ، احمد بن عبد الحلیم (م. ۷۲۸ق.).

۷۸. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی

وجوه التأویل، زمخشری، محمود بن عمر (م. ۵۳۸ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

۷۹. کشف الخفاء، عجلونی، اسماعیل بن محمد (م. ۱۱۶۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.

۸۰. کشف الغمة فی معرفة الائمة عليهم السلام، اربلی، علی بن عیسی (م. ۶۹۳ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.

۸۱. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب عليه السلام، گنجی شافعی، محمد بن یوسف، (م. ۶۵۸ق.)، تهران، دار احیاء تراث اهل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۴ق.

۸۲. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، متقی هندی، علی (م. ۹۷۵ق.)، صفوة السقا، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.

۸۳. کنز الفوائد، کراچکی، محمد بن علی (م. ۴۴۹ق.)، قم، مکتبة المصطفوی، ۱۳۶۹ش.

۸۴. کنوز الحقائق فی حدیث خیر الخلائق، مناوی، محمد بن علی (م. ۱۰۳۱ق.).

۸۵. الآلی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعه، سیوطی، عبدالرحمن (م. ۹۱۱ق.).



۸۶. **لباب النقول فی اسباب النزول**، سیوطی، جلال الدین (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۸۷. **لسان المیزان**، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۰ق.

۸۸. **مجمع الزوائد و منبع الفوائد**، هيثمی، علی بن ابی بکر (م. ۹۰۷ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.

۸۹. **المستدرک علی الصحیحین**، حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (م. ۴۰۵ق.)، بیروت، دار المعرفه.

۹۰. **مسند ابویعلی الموصلی**، ابویعلی موصلی، اسماعیل بن محمد (م. ۳۰۷ق.)، دمشق، دار المأمون للتراث.

۹۱. **مسند احمد بن حنبل**، احمد بن حنبل، شیانی (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر.

۹۲. **مسند علی بن ابی طالب (ع)**، سیوطی، جلال الدین (م. ۹۱۱ق.).

۹۳. **مسند فاطمة الزهراء (ع)**، سیوطی، جلال الدین (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۳ق.

۹۴. **المصنف فی الاحادیث والآثار**، ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله بن محمد (م. ۲۳۵ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.

۹۵. **المصنف**، صنعانی، عبدالرزاق بن همام (م. ۲۱۱ق.)، منشورات المجلس العلمی.

۹۶. **المعجم الاوسط**، طبرانی، سلیمان بن احمد (م. ۳۶۰ق.)، دار الحرمین، ۱۴۱۵ق.



۹۷. **المعجم الصغير**، طبرانی، سلیمان بن احمد (م. ۳۶۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۹۸. **المعجم الكبير**، طبرانی، سلیمان بن احمد (م. ۳۶۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

۹۹. **المعیار و الموازنة فی فضائل الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب** علیه السلام، اسکافی، محمد بن عبدالله (م. ۲۴۰ق.)، ۱۴۰۲ق.

۱۰۰. **مقتل الحسین** علیه السلام، خوارزمی، موفق بن احمد (م. ۵۶۸ق.)، قم، مکتبه المفید.

۱۰۱. **ملحقات احقاق الحق**، مرعشی نجفی، سیدشهاب الدین (م. ۱۴۱۱ق.).

۱۰۲. **مناقب آل ابی طالب**، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۸۸ق.)، النجف الاشرف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ق.

۱۰۳. **مناقب سیدنا علی** علیه السلام، عینی، فقیر.

۱۰۴. **مناقب علی بن ابی طالب**، ابن مغازلی، علی بن محمد (م. ۴۸۳ق.)، انتشارات سبط النبی، ۱۴۲۶ق.

۱۰۵. **مناقب علی بن ابی طالب** علیه السلام، ابن مردویه اصفهانی، احمد بن موسی (م. ۴۱۰ق.)، قم، انتشارات دار الحدیث، ۱۴۲۴ق.

۱۰۶. **المناقب**، خوارزمی، موفق بن احمد (م. ۵۶۸ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.



۱۰۷. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (ع)، صافی گلپایگانی،

لطف الله، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی
صافی گلپایگانی مدظله العالی، ۱۴۳۰ ق.

۱۰۸. المواقف فی علم الکلام، ایجی، عبدالرحمن بن احمد

(م. ۷۵۶ ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۷ ق.

۱۰۹. موضح اوهام الجمع و التفریق، خطیب بغدادی، احمد بن

علی (م. ۴۸۳ ق.).

۱۱۰. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ذهبی، محمد بن احمد

(م. ۷۴۸ ق.)، بیروت، دار المعرفه.

۱۱۱. نظم درر السمطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و

البتول و السبطین (ع)، زرنندی، محمد بن یوسف (م. ۷۵۰ ق.).

اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع) العامة، ۱۳۷۷ ق.

۱۱۲. نوادر الاثر فی علی (ع) خیر البشر، راضی، جعفر بن احمد

(م. قرن ۴).

۱۱۳. النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ابن اثیر، مبارک بن

محمد (م. ۶۰۶ ق.)، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.

۱۱۴. نهج الایمان، ابن جبر، علی بن یوسف (م. قرن ۷)، مشهد،

مجتمع امام هادی (ع)، ۱۴۱۸ ق.

۱۱۵. ینابیع المودة لذوی القربی، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم

(م. ۱۲۹۴ ق.)، دار الاسوة، ۱۴۱۶ ق.

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف

در یک نگاه

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
قرآن و تفسیر			
۱	تفسیر آیة فطرت	فارسی	—
۲	القرآن مصون عن التحریف	عربی	—
۳	تفسیر آیة التطهیر	عربی	—
۴	تفسیر آیة الانذار	عربی	—
۵	پیام های قرآنی	فارسی	—
حدیث			
۶	منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام در ۳ جلد	عربی	اردو/انگلیسی / فارسی
۷	غیبة المنتظر	عربی	—
۸	قبس من مناقب امیر المؤمنین علیه السلام (مئة وعشر حدیث من کتب عامة)	عربی	—
۹	پرتوی از فضائل امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث	فارسی	—
۱۰	احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها والفاظها	عربی	—

—	عربی	احادیث الفضائل	۱۱
فقه			
—	فارسی	توضیح المسائل	۱۲
—	فارسی	منتخب الاحکام	۱۳
انگلیسی	فارسی	احکام نوجوانان	۱۴
—	فارسی	جامع الاحکام در ۲ جلد	۱۵
—	فارسی	استفتائات قضایی	۱۶
—	فارسی	استفتائات پزشکی	۱۷
عربی	فارسی	مناسک حج	۱۸
عربی	فارسی	مناسک عمره مفرده	۱۹
—	فارسی	هزار سؤال پیرامون حج	۲۰
آذری	فارسی	پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد	۲۱
—	فارسی	احکام خمس	۲۲
—	فارسی	اعتبار قصد قربت در وقف	۲۳
—	فارسی	رساله در احکام ثانویه	۲۴
—	عربی	فقه الحج در ۴ جلد	۲۵
—	عربی	هدایة العباد در ۲ جلد	۲۶
—	عربی	هدایة السائل	۲۷
—	عربی	حواشی علی العروة الوثقی	۲۸
—	عربی	القول الفاخر فی صلاة المسافر	۲۹
—	عربی	فقه الخمس	۳۰
—	عربی	أوقات الصلوة	۳۱

٣٢	التعزير (احكامه وملحقاته)	عربى	—
٣٣	ضرورة وجود الحكومة	عربى	فارسى
٣٤	رسالة فى معاملات المستحدثة	عربى	—
٣٥	التداعى فى مال من دون بينة ولا يد	عربى	—
٣٦	رسالة فى المال المعين المشتبه ملكيته	عربى	—
٣٧	حكم نكول المدعى عليه عن اليمين	عربى	—
٣٨	ارث الزوجة	عربى	—
٣٩	مع الشيخ جاد الحق فى ارث العصبه	عربى	—
٤٠	حول ديات ظريف ابن ناصح	عربى	—
٤١	بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعية الاستخارة)	عربى	—
٤٢	الرسائل الخمس	عربى	—
٤٣	الشعائر الحسينية	عربى	—
٤٤	آنچه هر مسلمان بايد بداند	—	آذرى
٤٥	الرسائل الفقهية من فقه الاماميه	عربى	—
٤٦	الاتقان فى احكام الخلل والنقصان	عربى	—
اصول فقه			
٤٧	بيان الاصول در ٣ جلد	عربى	—
٤٨	رسالة فى الشهرة	عربى	—
٤٩	رسالة فى حكم الاقل والاكثر فى الشبهة الحكمية	عربى	—

۵۰	رسالة فی الشروط	عربی	—
عقاید و کلام			
۵۱	عرض دین	فارسی	—
۵۲	به سوی آفریدگار	فارسی	—
۵۳	الهیات در نهج البلاغه	فارسی	—
۵۴	معارف دین در ۳ جلد	فارسی	—
۵۵	پیرامون روز تاریخی غدیر	فارسی	—
۵۶	ندای اسلام از اروپا	فارسی	—
۵۷	صبح صادق	فارسی	—
۵۸	نگرشی بر فلسفه و عرفان	فارسی	—
۵۹	نیایش در عرفات	فارسی	—
۶۰	سفرنامه حج	فارسی	—
۶۱	شهید آگاه	فارسی	—
۶۲	امامت و مهدویت	فارسی	—
۶۳	نوید امن و امان/۱	فارسی	—
۶۴	فروغ ولایت در دعای ندبه/۲	فارسی	عربی
۶۵	ولایت تکوینی و ولایت تشریعی/۳	فارسی	—
۶۶	معرفت حجت خدا/۴	فارسی	—
۶۷	عقیده نجات بخش/۵	فارسی	—
۶۸	نظام امامت و رهبری/۶	فارسی	—
۶۹	اصالت مهدویت/۷	فارسی	عربی
۷۰	پیرامون معرفت امام/۸	فارسی	—

آذری	فارسی	پاسخ به ده پرسش/۹	۷۱
—	فارسی	انتظار، عامل مقاومت و حرکت/۱۰	۷۲
—	فارسی	وابستگی جهان به امام زمان/۱۱	۷۳
—	فارسی	تجلی توحید در نظام امامت/۱۲	۷۴
—	فارسی	باورداشت مهدویت/۱۳	۷۵
انگلیسی	فارسی	به سوی دولت کریمه/۱۴	۷۶
عربی	فارسی	گفتمان مهدویت/۱۵	۷۷
—	فارسی	پیام های مهدوی/۱۶	۷۸
انگلیسی	فارسی	توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه	۷۹
—	فارسی	گفتمان عاشورایی	۸۰
—	فارسی	مقالات کلامی	۸۱
—	فارسی	صراط مستقیم	۸۲
—	عربی	الی هدی کتاب الله	۸۳
—	عربی	ایران تسمع فتجیب	۸۴
—	عربی	رسالة حول عصمة الانبياء والائمة	۸۵
—	عربی	تعليقات على رسالة الجبر والقدر	۸۶
—	عربی	لمحات في الكتاب والحديث والمذهب	۸۷
—	عربی	صوت الحق ودعوة الصدق	۸۸
—	عربی	رد اكدوبة خطبة الامام علي عليه السلام، على الزهراء عليها السلام	۸۹

٩٠	مع الخطيب فى خطوطه العريضة	عربى	اردو/ فرانسى
٩١	رسالة فى البداء	عربى	—
٩٢	جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثنى عشر عليهم السلام	عربى	—
٩٣	حديث افتراق المسلمين على ثلاث وسبعين فرقة	عربى	—
٩٤	من لهذا العالم؟	عربى	—
٩٥	بين العلمين، الشيخ الصدوق والشيخ المفيد	عربى	—
٩٦	داورى ميان شيخ صدوق و شيخ مفيد	فارسى	—
٩٧	مقدمات مفصلة على «مقتضب الاثر» و «مكيال المكارم» و «منتقى الجمان»	عربى	—
٩٨	امان الامة من الضلال والاختلاف	عربى	—
٩٩	البكاء على الامام الحسين عليه السلام	عربى	—
١٠٠	النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالانخبار الدخيلة	عربى	—
١٠١	پيام غدير	فارسى	—
تربيتى			
١٠٢	عالى ترين مكتب تربيت و اخلاق يا ماه مبارك رمضان	فارسى	—
١٠٣	بهار بندگى	فارسى	—
١٠٤	راه اصلاح (امر به معروف و نهى از منكر)	فارسى	—

—	فارسی	با جوانان	۱۰۵
تاریخ			
—	فارسی	سیرحوزه‌های علمی شیعه	۱۰۶
—	فارسی	رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)	۱۰۷
سیره			
—	فارسی	پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام	۱۰۸
—	فارسی	آینه جمال	۱۰۹
—	فارسی	از نگاه آفتاب	۱۱۰
—	فارسی	اشک و عبرت	۱۱۱
تراجم			
—	فارسی	زندگانی آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی گلپایگانی	۱۱۲
—	فارسی	زندگانی جابر بن حیان	۱۱۳
—	فارسی	زندگانی بوداسف	۱۱۴
—	فارسی	فخر دوران	۱۱۵
شعر			
—	فارسی	دیوان اشعار	۱۱۶
—	فارسی	بزم حضور	۱۱۷
—	فارسی	آفتاب مشرقین	۱۱۸
—	فارسی	صحيفة المؤمن	۱۱۹
—	فارسی	سبط المصطفی	۱۲۰

—	فارسی	در آرزوی وصال	۱۲۱
مقاله‌ها و خطابه‌ها			
—	فارسی	حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)	۱۲۲
—	فارسی	شب‌پرگان و آفتاب	۱۲۳
—	فارسی	شب عاشورا	۱۲۴
—	فارسی	صبح عاشورا	۱۲۵
—	فارسی	با عاشوراییان	۱۲۶
—	فارسی	رسالت عاشورایی	۱۲۷